

قسمت نهم

www.iran-archive.com

فعالیت حزب توده

از دیماه ۱۳۳۵ تا بهمن ۱۳۳۷

فصل اول

شکست حزب توده

حزبی که بقول یکی از زعمای آن چون اشتری سرخود را داخل خیمه فرو برده بود انتظارداشت بتدریج تمام بدن خود را بداخل خیمه بکشاند با ورود قوای دولتی به تبریز مانند آدمک بر فی در برابر حرارت آفتاب تموز شروع بآب شدن کرد میگویند وقتی که مرحوم قوام سه وزیر توده‌ای را از کابینه بیرون راند گفت « سرشتر را بریدیم » .

و واقعاً هم قوام سرشتر را بریده بود .

حزبی که بقول خود جز به نیروی ملت بجائی اتکاء نداشته باشد و به آن درجه از پشتیبانی افراط و طر فداری آن برسد و آنقدر نیروهای ذخیره یا باصطلاح سمپاتیزان در اجتماع فراهم کرده باشد که دموستراسیون های ۱۲۰ هزار نفری راه بیندازد و شماره مخصوص صد هزار نسخه ای منتشر کند چرا باید پس از ورود قسمتی از قوای دولتی بشهری از شهرهای کشور اینطور ازهم متلاشی شود ؟

اگر این حزب حقیقتاً ملی بود و واقعاً درمیان توده مردم جائی داشت و طرفداران واقعی پیدا کرده بود نمی بایست از این اتفاقات بترسد بلکه رقیبان او مانند حزب دمو کرات ایران و غیره می بایستی وحشت داشته باشند اما آنطور که دیدیم رقیبان این حزب نه تمهانه ترسیدند بلکه تا آخرین دقیقه هم باحزب مذکور مبارزه کردند و هیچگاه میدان را برای دشمن خالی نکردند چون میدانستند که

پایه های حزب بزرگ لرزان است اما حزب توده ترسید چون خود را یکسره بی پناه یافت زیرا بازهم در صحنه بین الملل معامله ای انجام گرفته بود و اربابان تشجیع کننده آزادخواهان قلابی رفقا را بی خبر فروخته بودند .

جعفر پیشه وری تا يك روز قبل از فرار همچنان داد میزد « مرگ هست ولی بازگشت نیست » و توده ایها دلخوش بودند اما فرار او خوابهای طلائی و خیال های باطل را یکسره بر باد داد .

در زمان قدرت حزب هر فرد توده ای منصب مهمی را در دستگاه دولت آینده برای خود تصور مینمود اما پس از شکستهای پی در پی بازار انتقاد و بازخواست از دستگاه رهبری حزب رواج یافت عده زیادی از صبح فردای فرار پیشه وری در تمام مملکت پای خود را از حزب توده و سازمانهای وابسته بآن کنار کشیدند حزبی که در تهران پنج الی شش هزار نفر عضو جمع آوری کرده بود بزودی تبدیل بحزبی شد که بیش از هزار و پانصد عضو ناراضی مشتت نداشت این عده نیز بجان یکدیگر افتاده و همدیگر را سخت بیاد انتقاد می گرفتند دسته ای از رهبران حزب دفاع میکردند و دسته دیگر بآن ها حمله مینمودند ولی در موقعیکه مشاغل و مناصبی در کار بود تضاد عقاید ظاهراً از بین میرفت .

کما اینکه در زمان وزارت فرهنگ دکتر فریدون کشاورز که از رهبران حزب بود خلیل ملکی رهبر انشعاییون با سمت مدیر کلی با او همکاری میکرد ولی همینکه وزیران توده کنار گذاشته شدند و شکستهایی در موارد مختلفه بحزب وارد آمد همانهایی که دریای علم حزب سینه میزدند هر يك از گوشه های فرارقتند و جمعی دیگر آهنگ مخالفت علنی ساز کردند در شهرستانها وضع گردانندگان حزب از تهران هم بد تر بود .

حزب توده اولین کاری که بعد از شکست کرد صدور يك اعلامیه‌ای بود که ضعف و زبونی از آن می بارید حزبی که آنقدر بدربار و مقدمات ملی با بی پروائی حمله کرده بود ناگهان مداح دربار شد .

فرار برخی از سران حزب توده

در این زمان فروش روزنامه رهبر ناگهان به ۱۰۰۰ شماره در روز تقلیل یافت اتحادیه های کارگری کوچک شدند و چون دیگر جز چند در صد از کارگران را شامل نبودند اطلاق کلمه اتحادیه در این زمان بر آنها صحیح نبود اخبار متواتری که دائر با انتقام مردم آذربایجان از متجاسرین و توقیف آنها میرسید باز هم دامنه رعب و هراس را در صفوف باصطلاح فشرده حزب توده وسیع تر میکرد و بهمین جهت هریک از رهبران دچار وحشت و بهت شده بودند عبدالصمد کلمبخش همان ایام بدون درنگ همه چیز را فراموش کرده و از ایران فراری شد و بکشور اتحاد جماهیر شوروی رفت او بانی سازمان افسری حزب توده بود که در دوران قدرت فرقه دموکرات آذربایجان افسران را فریب میداد و به تبریز گسیل میداشت و برای توسعه اغتشاش فرقه بسایر نقاط ایران منتظر دستور و فرصت بود .

ایرج اسکندری با توصیه عباس اسکندری ویزای سیاسی گرفت و از ایران خارج شد .

اردشس آوانسیان و رضا روستا نیز بعداً فرار را برقرار ترجیح دادند عده زیادی از اعضاء پائین تر راه کشور اتحاد جماهیر شوروی را در پیش گرفتند و باین ترتیب حزب توده روز بروز تحلیل میرفت درحوزه های باقیمانده نیز دامنه انتقاد از دستگاه رهبری رو بفزونی میرفت و عرصه را بر رهبران تنگ میساخت رهبران باقیمانده بفکر تشکیل جلسات بحث و انتقاد افتادند .

انتخاب هیئت اجراییه موقت

بطوریکه اشاره شد رهبران باقیمانده که بقایای اعضاء دستگاه رهبری حزب توده را تشکیل میدادند درصدد تشکیل جلسات بحث و انتقاد برآمدند زیرا در غیر اینصورت انتقادها از مجرای حزبی و از محیط سازمانی حزب خارج شده و بکافه ها و مجامع علنی کشانده میشد.

این جلسات که از کادرها تشکیل میگردید تبدیل به صحنه جنگ و دعوا شده بود. رهبران بشدت از خود دفاع میکردند و جمعی بآنها ناسزا می گفتند. پیش از تشکیل این جلسات عده زیادی از اعضاء حزب توده در خیابانها و کافه ها قطعنامه ای را امضاء کرده بودند حاکی از اینکه باین دستگاه رهبری اعتمادی ندارند و باید دستگاه دیگری که خود پیشنهاد کرده بودند جایگزین آن بشود پیشنهاد کنندگان نام خلیل ملکی را در رأس دستگاه جدید آورده بودند. قدیمی ها بدست و پا افتادند و تا حدی تسلیم نظر منقدین شدند و بالاخره پس از بحث های زیاد معامله ای باین شکل صورت گرفت که شورائی از اعضاء کمیته مرکزی حزب و اعضاء کمیسیون تقطیش کل منتخبین کنگره اول حزب و سه نفر از اعضاء کمیته ایالتی تهران و دو نفر از کمیسیون تقطیش ایالتی منتخبین دومین کنفرانس ایالتی تهران که مجموعاً ۲۵ نفر بودند تشکیل گردد این شورای حزبی یازده نفر را بنام هیئت اجراییه موقت بشرح زیر انتخاب کردند:

۱ - دکتر رضا رادمنش عضو اصلی از کمیته مرکزی

۲ - دکتر فریدون کشاورز « « «

۳ - احسان طبری « « «

۴ - خلیل ملکی عضو اصلی از کمیسیون تقطیش کل

۵ - عبدالحسین نوشین « « «

۶ - دکتر مرتضی یزدی « « «

۷ - دکتر غلامحسین فروتن عضو اصلی از کمیته ایالتی تهران

۸ - دکتر محمد بهرامی عضو مشاور از کمیته مرکزی

۹ - محمود بقراتی « « «

۱۰ - دکتر نورالدین کیانوری عضو مشاور از تقطیش کل

۱۱ - احمد قاسمی « « « «

نورالدین الموتی که از این هیئت کنار گذاشته شده بود قهر کرد و از حزب توده برای همیشه کنار رفت .

نزدیک بود دکتر فریدون کشاورز هم انتخاب نشود و تهدید بقهر واستعفا کرد و لذا او را وارد جریان کردند اینهم صحنه‌ای بود از مقام پرستی رهبران حزب توده که اعضاء حزب را در راه اجرای منویات پلید خود بکشتن میدادند و خود برای اشغال کرسی مقامات حزبی بقهر و آشتی می‌پرداختند .

مقدمات انشعاب

بزرگترین حادثه تشکیلاتی که در این زمان در حزب توده اتفاق افتاد عمل انشعاب بود که بوسیله یکعده از اعضاء فعال حزب توده که بعدها بنام « اصلاح طلبان » نامیده شدند انجام گرفت .

جهت پی بردن بکنه و پیدایش انشعاب و همچنین توسعه نفوذ اصلاح طلبان در میان حوزه های حزبی باید ریشه های آنرا پیش از تاریخ آذر ماه ۱۳۲۵ شمسی مورد مطالعه قرار داد .

اصلاح طلبان بایکدیگر نشست و برخاست هایی داشتند و با هم از خود سربها و خودگامی های سران حزب توده و روش ناپسندیده و سراسر غلط آنها انتقاداتی میکردند .

فیروز شهاب پوریکمی از اصلاح طلبان در اوائل سال ۱۳۲۵ جزوه ای بنام « حقایق گفتنی » بر ضد حزب توده منتشر ساخت .

فیروز شهاب پور در یکی از نشریات خود که بعد از کتاب « چه باید کرد » منتشر شد لزوم تصفیه دستگاه رهبری را متذکر و در صفحه ۶ چنین می نویسد :

« ... ۱ - جلساتی که بوسیله رفیق با ایمان ما انور خامه ای باشرکت یک «
« عده از بهترین افراد حزب مخفیانه اداره میشد و هدف آن بر انداختن دستگاه «
« حاکمه حزبی و تعیین یک دستگاه صالح بجای آن بود »

« ۲ - انتشار کتاب « چه باید کرد » گرچه خیلی در پرده و ملایم انتقاد کرده «
« بود ولی باز بوسیله دستگاه حاکمه حزبی خائنانه جمع آوری و رفیق با ایمان ما «
« دکتر ایریم بعلت احترام بانضباط حزبی جمع آوری کتاب را تمکین کرد «
« ۳ - جلساتی که بوسیله دکتر عابدی و حائری و یک عده دیگر از روشنفکران «
« ودانشجویان تشکیل میشد «

در اینجا فیروز شهاب پور از جلال آل احمد نیز نام میبرد و بالتیجه معلوم میشود که عده ای پیش از وقایع آذرماه ۱۳۲۵ با یکدیگر جلساتی داشتند چنانکه جلال مساح نیز در گزارش خود بحزب توده در مورد شهاب پور می نویسد :

... آقای جلال آل احمد و مهندس اسماعیل زنجانی و دکتر ایریم و انور خامه ای با او همکاری میکردند و آقایان فخار و جلال آل احمد تمام اطلاعات لازم را از پرونده های تشکیلاتی در اختیار او میگذاشتند .

توسعه نظر اصلاح طلبان در میان دانشجویان بوسیله فیروز شهاب پور و انور خامه ای و جلال آل احمد و حائری صورت میگرفت و پیشرفت میکرد .
در رأس گروه اصلاح طلبان خلیل ملکی و انور خامه ای قرار داشتند .

خلیل ملکی

خلیل ملکی یکی از دسته ۵۳ نفر بود ولی بعلت اختلافات زیادی که بین او و سایرین وجود داشت و غالباً باعث نقار و کدورت میگردد پس از شهر یورماه ۱۳۲۰ و تأسیس حزب توده ملکی به بهانه های گوناگون بحزب نیامد لکن کمی پیش از کنگره اول در اثر ملاقاتها ملکی حاضر بورود در حزب گردید نامبرده در اثر

پشتیبانی عده‌ای از رفقای فعال خود به عضویت کمیسیون تفتیش کل انتخاب شد ولی اختلاف نظر و سلیقه که میان ملکی و سایر رفقای دستگاه رهبری وجود داشت روز بروز بیشتر نمایان گردید تا جائی که همکاری آنها بایکدیگر غیر ممکن گردید .

اساس اختلاف نظر خلیل ملکی و سایرین در این بود که خلیل ملکی معتقد نبود که نهضت ایران در کادر نهضت جهانی توجیه و تفسیر شود و عموماً جریان‌های داخلی و مخصوصاً شخص خود را در مقابل جبهه دموکراسی جهان قرار میداد .

و بالاخره ملکی باین امر معتقد بود که با دولت های سرمایه داری بخصوص انگلستان میتوان کنار آمد و این نظر پس از مسافرت بانگلستان در او قوت گرفت . پس از آذرماه ۱۳۲۵ از طرف هیئت اجرائیه به ملکی مأموریت داده میشود که جزوهای درباره بعضی از رؤوس مسائل مرامی حزب بنویسد این جزوه را خلیل ملکی تحت عنوان « حرف حسابی ما چیست » تهیه و منتشر نمود .

ملکی در این جزوه می نویسد :

« دشمنان اصلاحات داخلی و آنگهائی که آلت سیاست های بین المللی خطرناک شده اند این سیاست میهن پرستانه ما را میخواهند به بیگانه پرستی متهم نمایند »
« در صورتیکه می بینیم امروز حتی از پارلمان انگلستان صدائی عین عقاید ما بلند »
« میشود مثلاً روزنامه اطلاعات نقل از منابع انگلیسی زیر عنوان ۷۵ نفر نماینده »
« مخالف حزب کارگر انگلستان می نویسد : »

« باید ... نمایندگان سیاسی انگلستان تغییر کنند و بطور کلی این نمایندگان »
« در تمام نقاط دنیا و بخصوص در کشورهایی که اطراف اتحاد جماهیر شوروی واقع »
« شده میتوانند از روی بیطرفی منافع اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا را بسنجند »
« و منافع انگلستان را حفظ کنند بدون اینکه در باطن علیه شوروی عقیده یافکری »
« داشته باشند »

و بالاخره خلیل ملکی اضافه میکند .

« ما امیدواریم و خیلی خوشحال خواهیم شد که این نظریه غیر رسمی نمایندگان »

« پارلمان انگلیس متدرجاً نظریه رسمی وزارت خارجه انگلستان شود . »

انورخامه ای :

انورخامه‌ای نیز از لحاظ طرز تفکر شبیه به خلیل ملکی بود پس از شهر یورماه ۱۳۲۰ بحزب توده ایران نیامد ولی چون در اداره روزنامه مردم بعنوان نویسنده مشغول کار بود تماس او باحزب توده بیشتر از خلیل ملکی بود در نخستین کنگره به عضویت حزب درآمد و در دومین کنفرانس ایالتی به عضویت کمیته ایالتی انتخاب شد ولی بلافاصله استعفا داد .

دکتر اپریم

دکتر اپریم هم با انتشار کتاب « چه باید کرد » مورد غضب دستگاه فاسد حزب توده واقع شد .

کتاب مذکور پس از انتشار مورد تحقیق کمیسیون تفتیش کل قرار گرفت و منشی تفتیش کل دکتر نورالدین کیانوری در تاریخ ۲۵/۴/۸ گزارش مفصلی در این زمینه تهیه کرد .

این گزارش روز سه‌شنبه ۲۵/۴/۱۰ در جلسه کمیسیون تفتیش کل مورد بحث قرار گرفت رضا روستا و دکتر کیانوری و دکتر جودت مأمور رسیدگی و محاکمه دکتر اپریم شدند ولی این جلسه بیش از یکبار تشکیل نشد و موضوع در اثر اختلافات شدید داخلی حزب و نقایص بی‌شمار کارهای حزبی مسکوت ماند و بالاخره دکتر اپریم توانست پس از وقایع آذربایجان بدون اجازه حزب توده کتاب خود را منتشر سازد .

انتشار کتاب دکتر اپریم و مطالب آن دستگاه رهبری را از اعتبار انداخت و افراد ساده حزبی را به طغیان بر علیه سران حزب توده تشویق نمود نقش مداومی که دکتر اپریم در تخریب تشکیلات حزب توده و ایجاد انشعاب بوجود آورد نقش بسیار مؤثر و کوبنده‌ای بود .

این بود زمینه‌هائی که پیش از وقایع آذرماه ۱۳۲۵ برای انشعاب فراهم میشد

هیئت اجرائیه و اصلاح طلبان

پس از وقایع آذرماه ۱۳۲۵ و نجات آذربایجان بعثت نقایص زیاد و فشار بیشمار دستگاه رهبری و انحرافات شدید داخلی حزب توده و اتخاذ راه و روش غلط و ناپسندیده که مآلاً علیه مصالح و منافع ملت ایران صورت می‌گرفت اعمال خلاف کارانه حزب توده باعث عکس‌العمل شدید عده‌ای از افراد و اعضاء حزب گردید و تشنج شدیدی در میان اعضاء بوجود آورد و بهمین جهت دستگاه رهبری شدیداً آماج حملات قرار گرفت .

در مقابل این تشنجات کمیته مرکزی تصمیم گرفت تجدید نظری در وضع داخلی خود بعمل آورد .

مهمترین اقدام گردانندگان حزب منحل در این دوره تفویض اختیارات رهبری به یک هیئت اجرائیه موقت بود که قبلاً بطور مشروح درباره آن صحبت شد . همین عمل یعنی تفویض اختیارات کمیته مرکزی به هیئت اجرائیه دلیل بر صدق انتقادات اصلاح طلبان بود و باعث استحکام کار آنها شد .

با این ترتیب و بتدریج گروه اصلاح طلبان متشکل شدند و در مقابل عملیات نا هنجار حزب توده قدم علم کردند . روش منطقی و ایده‌آل‌وژنی صحیح اصلاح طلبان بقدری قوی و شدید بود که حتی « نشریه هفتگی مردم » هم نتوانست مسائل مبتلابه را مورد بحث قرار داده با استدلال صحیح آنان را قانع سازد و بالاخره انتشار کتاب « حزب توده ایران سردوراه » بیش از پیش ماهیت واقعی حزب توده را برملا ساخته و گردانندگان آنرا رسوا کرد .

رسیدگی بکار اصلاح طلبان

هیئت اجرائیه موقت بمنظور پرده پوشی بر عملیات خائنانه خود و برای

جلوگیری از بحران عمومی که سر تا پای حزب را فرا گرفته بود و افراد و اعضاء حزب دسته دسته به اصلاح طلبان می‌گرویدند در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ جلسه هفتگی از فعالین حزب دائر کرد تا در آنجا مسائل مورد اختلاف رسیدگی شود این جلسه هفتگی بموجب نظامنامه داخلی جلسه فعالین حزبی نامیده شد.

در این جلسه سران حزب توده باز از همان حربه های قدیمی استفاده کرده و جملاتی مانند « آنها قضایارا ساده میکنند » و « آنها تمام نواقص کار را تقصیر افراد معینی میدانند » « به مصالح سیاسی نهضت توجه کافی نمیکنند » « در انتقاد شیوه تبلیغی و تهییجی دارند » « ستیزه طلب و انتزاعی هستند » « گوئی به برتری انتقاد بر عمل معتقدند » استناد جسته و بدین نحو قضایارا که باعث نارضایتی عمومی در حزب گردیده بود تخطئه کردند.

سومین کنفرانس ایالتی تهران

سومین کنفرانس ایالتی تهران در تیر ماه سال ۱۳۲۶ تشکیل شد.

در این کنفرانس اعضاء کمیته ایالتی تهران بشرح زیر انتخاب شدند.

- ۱ - محمد علی جواهری دبیر کمیته مرکزی
- ۲ - مهندس حسین ملک « برادر خلیل ملکی مسئول شعبه تعلیمات و تبلیغات تهران »
- ۳ - مهندس ابوالفضل ناصحی مسئول شعبه تشکیلات تهران که نفوذ زیادی در حوزها بهم زده بود.
- ۴ - جلال آل احمد مسئول انتشار روزنامه ماهانه مردم
- ۵ - محمد امین محمدی مسئول مالی تهران
- ۶ - محمد سالک
- ۷ - امان الله قریشی

- ۸ - محبوب عظیمی
۹ - مهندس صادق انصاری
۱۰ - مهندس حسن امام وردی
۱۱ - جهانگیر افکاری

افکار و عقاید اصلاح طلبان بوسیله اعضاء کمیته ایالتی تهران که فوقاً باسامی آنها اشاره شد در تمام حوزه‌ها پخش گردید و بدین ترتیب اصلاح طلبان توانستند در کلیه دستگاههای حزب توده نفوذی بهم برسانند .

این کنفرانس بدلایلی باعث قدرت و نیرومندی اصلاح طلبان گردید زیرا اولاً کمیته سابق تهران واقعاً دارای نقایص قابل انتقادی بود که هنوز این نقایص مرتفع نشده و اصلاح طلبان می توانستند از آن بنفع پیشرفت های بعدی خود استفاده نمایند . دوم اینکه هیئت اجراییه بجهت نقایص بی پایان و انحرافات شدید داخلی نمیتوانستند نفوذی در این دسته که بهیچوجه حاضر به تبعیت کور کورانه از نظریات حزب توده نبودند داشته باشند .

این رفتار دوپهلوی حزب توده با اصلاح طلبان و مقاومت و پافشاری آنان در نظریات و عقاید خود باعث گردید که اکثریت اعضاء کمیته ایالتی تهران با اصلاح طلبان همگام گردند و حتی ۱۷ نفر از نمایندگان کنگره نیز در شمار همین گونه افراد قرار گیرند .

موقعیتی که در این کنفرانس عاید اصلاح طلبان گردید بیش از پیش آنها را در ابراز و اجرای نظریات خود راسخ نمود و بهمین جهت در همان جلسات کنفرانس روش شدیدی در پیش گرفتند .

این عمل اصلاح طلبان و بطور کلی کنفرانس ایالتی تهران هیئت اجراییه را تکان شدیدی داد و موجب گردید که هیئت اجراییه روش خصمانه تری نسبت باین عده پیش گیرد زیرا اگر سران حزب توده عکس العمل شدید و روش خصومت آمیزی پیش نمیگرفتند امکان داشت که عده کثیری از گردانندگان و همچنین نمایندگان

کنگره باین گروه گرویده و با آنها علیه دستگاه رهبری هم آواز گردند .
اتخاذ چنین روش خصمانه‌ای از طرف گردانندگان حزب توده باعث انشعاب
اصلاح طلبان از حزب گردید . ولی کلیه این اقدامات در خفا و پنهانی انجام میگرفت
و در اعلامیه‌ای که پیرامون سومین کنفرانس ایالتی تهران منتشر شد دم از صمیمیت
مطلق بین اعضاء حزب زده میشد .

اعلامیه سومین کنفرانس ایالتی تهران

« سومین کنفرانس ایالتی تهران پس از یکسال و دو ماه که از تاریخ تشکیل
« دومین کنفرانس ایالتی میگذشت، با حضور نمایندگان حوزه‌های حزبی تهران روز
« پنجشنبه یازدهم تیر ماه در سالن کلوپ مرکزی گشایش یافت و روز شنبه بیستم تیر ماه
« پس از انجام وظایف سنگین خود طی جلسات ممتد و پر حرارت خاتمه یافت. در شرایط
« کنونی، تشکیل این کنفرانس مطالبی که در جلسات آن مطرح گردید، نتایجی
« که از آن مباحثات پر شور گرفته شده تأثیری که در روح اعضاء خود باقی گذاشت
« همه و همه دارای اهمیت شایانی است. با آنکه شرکت کنندگان در نقادی و اظهار نظر
« صریح و قطعی راسخ بودند. هنگامیکه کنفرانس پایان پذیرفت خبری جز صمیمیت
« مطلق در میان اعضاء حس نمیشد. فشار دشمن این صمیمیت واقعی را بوجد آورده
« بود اوضاع کنونی همه آنها را متوجه ساخته بود که وظایفی دشوار بر گردن دارند
« و در مقابل میهن و ملت، در مقابل تاریخ کشور باستانی و پرافتخار خودشان در مقابل
« توده‌هایی که گرسنه و برهنه بیکار و بیمارند باید این وظایف را با درستی و برازندگی
« ایفا نمایند. »

«رشد اعضاء در این کنفرانس شگفت‌انگیز و امیدبخش بوده هیچ چیز را سرسری
« نگذاشت. هیچ چیز به تعارف بر گذار نشد. تصور نمیرود در هیچ مجمعی در کشور ما
« این اندازه صمیمیت و صداقت در بحث، این اندازه علاقه برای نتیجه گیری صریح
« و نظام و ترتیب برای تسهیل این نتیجه گیری وجود داشته باشد. رشد اعضاء از کارگر

« و روشنفکر مایه اعجاب و تحسین بود و نشان میداد که تعلیمات شش ساله حزب بهدر
« نرفته‌ام و زنده‌ت آزادی میتواند بداشتن مبارزان آگاهی امیدوار باشد . »

« نکته اساسی در تمام بحث‌ها پند گرفتن از گذشته و پی افکندن کار آینده بر
« اساس درست و خردمندانانه بود. کنفرانس شدیداً کسانی را که در گذشته از اصول مرام
« و نظام حزبی تخطی کرده و خودسرانه اعمال و خطائی مرتکب شده بودند تقبیح کرد
« کنفرانس نسبت به روشهای دوران عقل و تنگ نظرانه آنها که از ارزش و حیثیت حزب
« مادر نزد افراد کاست قضاوت قاطع عادلانه و در عین حال بسیار جدی نمود و عزم خود
« را برای جلوگیری از تکرار هر گونه خطا کاری و خودسری نشان داد . حتی اگر
« دشمنان ما ناظر این سخت گیری کنفرانس بودند نمیتوانستند انکار کنند که حزب ما
« جای منزله‌ترین و با عقیده ترین فرزندان زحمتکش و روشنفکر این سرزمین است .
« صفا و خلوص عقیده . عشق با آزادی . عشق به استقلال و سرفرازی میهن ،
« عشق به رفاه و نجات ملت ، عشق بآینده درخشانی برای کشور در کلیه مراحل
« کنفرانس منعکس بود . »

« این وضع امیدانسان را به آینده وطن گرمی و تقویت میکرد پیدا بود که
« ملت ما از یک حیرانی و پریشانی خیالی و تردید بیرون آمده میخواهد بخود و نیروی خود
« اعتماد کند . میخواهد گامهای اساسی و جدی بر اساس یک روش متین و خردمندانانه .
« برای رهائی خود بردارد . در پایان کنفرانس همه کس حس میکرد که فداکاری او
« در راه حق در راه شایسته ، در راه درست است و باید ادامه پیدا کند . »

« صندلی‌ها را چه کسانی پر کرده بودند کارگران و روشنفکران بیکار شده
« زندان کشیده در بدر و آواره شده گرسنگانیکه چشمشان بدرستی میدید و مغزشان
« بدرستی درک میکرد . در آنجا طفیلی‌ها دزدان قند و شکر و چوب و قماش ، تاراجگران
« هستی ملت ، دژخیمان ، عوام فریبان دیده نمیشدند در آنجا بهترین فرزندان ملت
« برای ملت طرح آینده را میریختند کنفرانس بملت ایران پیام فرستاد که مواظب و
« بیدار باشد به نیروی خود اطمینان کند . چیزی جز قدرت ملی را در خود اعتماد نشمرد »

« رسوائی دشمنان رنگارنگ را ببیند و عدم قابلیت و انحطاط آنها را درک کند. مطمئن »
« باشد که حزب توده ایران و مبارزین آن حتی يك آن از راه حق خود که راه اوست »
« از راه مردانه خود که راه دفاع از اوست منحرف نخواهد شد مطمئن باشد که حزب »
« توده ایران پیوسته پاسدار منافع همه ملت ایران و از آن جمله زحمتکشانش خواهد بود. »
« کنفرانس بملت ایران پیام فرستاد که باغواء جهانخواران از راه بدرنرود و »
« در دام امپریالیسم نیفتد بکوشد تا در حفظ صلح در تأمین عدالت بین المللی نقش »
« مؤثری بازی کند به فرزندان ناخلف وطن مهلت ندهد تا آنها تاریخ و حیثیت ما »
« دفاع از آزادی مردم ما ، صلح و امنیت خطه ما را به بهای ناچیزی بفروشند و دست »
« تعدی امپریالیسم را در کشور گشاده کنند . »

« تردیدی نیست که در سومین کنفرانس ایالتی تهران حزب ما گامی بزرگ در »
« راه تکمیل خود در رفع نواقص خود و تجدید سازمان عناصر اداره کننده خود برداشت. »
« اینک کارگران و روشنفکران پا کدامن باید حزب را در راهی که کنفرانس نشان »
« داده پیش ببرند. امید است که حزب ما روز بروز بهتر و بیشتر شایسته خدمت گذاری »
« ملتی باشد که خدمتگذاری بدان بالاترین افتخار است . امید است که حزب ما »
« میهن پرستی واقعی و حقیقی خود را ملت دوستی بی تزویر و ریای خود را باز هم بهتر »
« و بیشتر ثابت کند و همچنان مرجع امید و تکیه گاه بهترین افراد کشور باشد ما امید داریم »
« که آینده ما صعب و دشوار است ولی اطمینان داریم که در هر حالت مبارزینی برازنده »
« و سر بلند باقی خواهیم ماند و در هر فلاکت و مصیبتی حیثیت حزبی و عقیده ای خود را »
« جانانه حفاظت خواهیم نمود. »

گرچه حزب توده در اعلامیه فوق بابکار بردن کلمات و جملات ظاهر فریب
(اصولالغات در قاموس کمونیستهای معانی خاصی بغیر از معانی حقیقی دارد) خواسته بود
جلب توجه طبقات را بنماید ولی از آنجائیکه حقایق برای همیشه مخفی نمی ماند
علاوه بر اینکه این اعلامیه نتوانست بر تشمت عقاید افراد مؤثر حزب پرده بیفکند
بلافاصله بعد از کنفرانس تهران و صدور اعلامیه اشعاب در حزب پدید آمد .

تشکیل کمیسیون رسیدگی بکار اصلاح طلبان

در شهر یورماه ۱۳۲۶ يك هیئت سه نفری مرکب از دکتر رضا رادمش، احسان طبری و احمد قاسمی بمنظور رسیدگی به کار اصلاح طلبان تعیین شد.

خلیل ملکی در جلسه روز سه شنبه ۱۱ مهرماه هیئت اجرائیه و در حضور اعضای کمیته ایالتی و تفتیش تهران میخواست نظریات اصلاح طلبان را به هیئت اجرائیه بقبولاند و باین عمل هیئت اجرائیه را از اعتبار ببیند از دولی پس از آنکه هیئت اجرائیه نگذاشتند که نامبرده مطالب را مطرح سازد با اعتراض از جلسه خارج شده و گفت: «من در جلسه هیئت اجرائیه چهار نفر حقه باز!! را نشان خواهم داد» و بعداً نامهای به هیئت اجرائیه نوشته از عضویت آن هیئت کناره گیری کرد. هیئت اجرائیه چون از حقایق موضوع باخبر بوده و از طرفی میدانست که از ناحیه اصلاح طلبان چه ضربهای ب حزب آنها وارد آمده است میخواست که ملکی از هیئت اجرائیه کناره گیری کند.

لذا روز جمعه ۱۷ مهرماه جلسه ای با حضور محمود بقراطی دکتر رضا رادمش دکتر فریدون کشاورز و احمد قاسمی و خلیل ملکی تشکیل شد و ملکی در این جلسه مسائلی را مطرح کرد. ملکی در آغاز اظهارات خود گفت:

«مصمم هستم از رهبری حزب کناره گیری نمایم زیرا دکتر نورالدین»
«کیا نوری در حضور دکتر بهرامی و احسان طبری و چند نفر دیگر اظهار نمود»
«که دکتر مرتضی یزدی و دکتر فریدون کشاورز جاسوس هستند و بدکتر رضا»
«رادمش هم بمناسبت قوم و خویشی با دکتر یزدی نمیتوان اعتماد کرد.»

ولی در مقابل هیئت اجرائیه گروه اصلاح طلبان (۱) را بعنوان فراکسیونم

(۱) انور خامه ای و خلیل ملکی در جزوه «پس از ده سال انشعاب بیون سخن میگویند» در صفحه ۳۲ مینویسند. مادر صفحه ۳ نخستین نشریه انشعاب نوشته بودیم: امروز در حزب توده دو جناح وجود دارد جناحی که نسبت بروش گذشته انتقاد دارد و مایل است در آینده روشی در پیش گرفته شود که از معایب گذشته اجتناب گردد و جناح دیگر که بهیچوجه این اصل را قبول نداشته و باین روش جداً مبارزه میکند.

مورد شماتت قراردادند و اظهارات خلیل ملکی را يك نوع تفرقه افکنی تلقی نمودند و حتی با تشکیل کنگره که مورد تقاضای اصلاح طلبان بود مخالفت کرده لذا رأی بتأخیر دادند (۱) ولی انور خامه‌ای و دیوشلی با این تصمیم مخالفت کردند . چون سران حزب توده بهیچوجه نمی خواستند حقایق را بپذیرند و بانحاء مختلف راه ابراز عقاید و نظریات اصلاح طلبان را مسدود کرده بودند . اصلاح طلبان مجبور شدند که عمل انشعاب را انجام دهند و از حزب کناره گیری کنند .

اولین اعلامیه انشعاب

« روز یکشنبه ۲۶/۱۱/۱۳ »

اصلاح طلبان در تمام حوزه ها بوسیله مسئول تشکیلات تهران که خود نیز جزو آنان بود رسوخ داشته تلاش میکردند تا اعضاء حزب را با عقاید خود هم آهنگ سازند . نتیجه این هم آهنگی در جلسات هفتگی بحث و انتقاد آشکار میشد رفته رفته اصلاح طلبان بحث رهبری روسیه را در احزاب کمونیستی سایر کشورها بمیان کشیده و اظهار داشتند که با اجرای دستورات صادره از مسکو موافق نبوده آنرا قبول ندارند و اصول دموکراسی ایجاب میکند که مسکو قبل از صدور هر گونه دستوری با احزاب کمونیست سایر کشورها مشورت کند .

موضوع مشورت دانه وسیع تری پیدا کرد و آنها اظهار عقیده کردند که دستگاه رهبری هر حزب کمونیستی نیز باید قبل از اتخاذ هر تصمیم مهمی با حوزه ها مشورت کند . مخالفان آنها اظهار میداشتند که پس کمونیزم جهانی باید پیوسته در حال مشورت با رهبران کمونیست سایر کشورها باشد و این رهبران نیز در حال مشورت

(۱) در صفحه ۳۲ جزوه « انشعاب یون پس از ده سال سخن میگویند » خلیل ملکی و انور

خامه‌ای می نویسند .

« آنچه موجب وحشت هیئت اجراییه گردید و باعث تعویق کنگره شده است این بود »

« که سران حزب توده بهیچوجه نمیخواستند از روشهای گذشته آنان انتقاد گردد و یا اعمال »

« نا صحیح کمیته مرکزی گذشته و خود هیئت اجراییه کنونی محکوم گردد . »

با اعضاء خود باشند و در اینصورت سرمایه داری با تصمیمات قاطع خود بزودی این مشورت کنندگان دائمی را به باد نیستی خواهد داد .

جنگ مغلوبه شده بود تا آنکه اصلاح طلبان دیدند که سازمان آنها کشف شده و ممکن است بزودی و قبل از تشکیل کنگره از حزب اخراج شوند دست بانسحاب زده و اعلامیه زیر را صادر کردند .

« اکثریت کمیته ایالتی حزب توده ایران در تهران وعده ای از مسئولین «
« حزبی بطور دستجمعی از حزب منشعب شده فعالیت اجتماعی خود را بنام «جمعیت «
« سوسیالیست توده ایران « بخاطر همان هدفهای ملی و مترقی و جهانی ادامه میدهند «
« وسایر رفقای حزبی را که با اصلاحات و سایر روشهای صحیح حزبی علاقمند هستند «
« بهمکاری دعوت می نمایند . »

« علل این انشعاب و مشخصات جریان نوین « جمعیت سوسیالیست توده «
« ایران « در اعلامیه جداگانه بطور مشروح برای عموم آزادینخواهان و در نشریه «
« مخصوص برای اعضاء حزب توده ایران منتشر گردید. »

امضاء کنندگان اعلامیه بشرح اسامی ذیل میباشد :

۱ - خلیل ملکی عضو مستعفی هیئت اجراییه موقت و شورای حزب

و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران

۲ - انور خامه‌ای عضو هیئت تحریریه مجله نامه مردم عضو کمیته

مرکزی سازمان جوانان و نماینده دومین کنگره

حزب توده ایران

۳ - مهندس محمد زاوش مسئول تبلیغات کارگری و نماینده دومین کنگره

حزب توده ایران

۴ - مهندس اسماعیل زنجانی عضو شورا و عضو هیئت تصفیه و نماینده دومین

کنگره حزب توده ایران

- ۵ - د کتر رحیم عابدی نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۶ - فریدون توللی نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۷ - محمد علی جواهری عضو و دبیر کمیته ایالتی تهران و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۸ - مهندس ابوالفضل ناصحی مسئول تشکیلات و عضو کمیته ایالتی و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۹ - محمد سالک عضو کمیته ایالتی و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۱۰ - محمد امین محمدی مسئول مالی و عضو کمیته ایالتی تهران و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۱۱ - جلال آل احمد عضو کمیته ایالتی تهران اداره کننده مجله نامه مردم و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۱۲ - مهندس حسین ملک مسئول تعلیمات و عضو کمیته ایالتی و نماینده دومین کنگره حزب توده ایران
- ۱۳ - جمشید دارائی ۱۴ - محمد رضا حریری
- ۱۵ - جواد بنی یعقوب ۱۶ - مهاجر
- ۱۷ - صمصامی ۱۸ - محمد خوش خلق
- ۱۹ - محمد ود نوائی و تعداد زیادی اسامی دیگر

حزب توده در برابر گروه اصلاح طلبان (انشعاییون) دچار ناراحتی شدید شده هیئت اجرائیه حزب در جلسه مورخه ۲۶/۱۰/۱۶ بیانهای صادر کرد که به جنبه اولتیماتوم به انشعاییون داشت که چنانچه در ظرف پنج روز بحزب ملحق نشوند اخراج خواهند گردید . اینک عین اعلامیه جهت اطلاع خوانندگان درج میشود:

قراره‌یئت اجرائیه حزب توده ایران

(مصوب جلسه ۱۴۷ تاریخ ۱۶/۱۰/۴۶)

« هیئت اجرائیه موقت حزب توده ایران به کلیه کسانی که از عمل « انشعاب » تبعیت کرده‌اند از این تاریخ تا پایان روز چهارشنبه بیست و سوم دیمایعنی پنجروز « فرجه میدهد که در این اقدام زیان بخش تجدید نظر کنند و نکات زیرین را دقیقاً در « نظر گیرند : »

« (۱) این اقدام که منجر بایجاد تفرقه خصمانه‌ای در بین عناصر مترقی میشود « به موفقیت امپریالیسم و ارتجاع در مبارزه با جبهه آزادیخواهان کمک می کند و « مایه بروز دشمنی خطرناکی شده و وقت گرانبهایی را که باید صرف کوفتن دشمنان « ملت شود ضایع می گرداند این هدفی است که ارتجاع و امپریالیسم برای وصول « بآن حاضر بهر گونه تشبثی بودند . »

« (۲) عمل انشعاب و تاکتیک مسبین آن نشان میدهد که از همان آغاز هدف « آن در مرحله اول مبارزه با حزب توده ایران و اعضاء آن در زیر عنوان « اصلاح » و « تاکتیک مترقی » است و بزرگترین لطمه ایست که از داخل به جبهه مبارزه « آزادیخواهان وارد آمده است و زشت ترین و زیان بخش ترین بدعتی است که « گذاشته میشود . »

« (۳) عمل انشعاب در ایامی انجام یافته که جبهه آزادیخواهان ایران بوحدهت « بیشتری نیازمند بوده و هیچ فرد با ایمانی امکان ندارد در این موقع اگر چه شخصاً « به تصور خود با مشکلاتی روبرو گردد به چنین عمل زشت و مضرو خطرناکی دست « بزند بلکه سعی می کند ظرفیت نشان داده از توقعات بی جا و غیره عملی خود دست « بردارد تا در ایام سخت بهر جهت یگانگی محفوظ بماند هر فرد با ایمان حزبی تنها «

« به انتقادات و اصلاحاتی معتقد است که لازمه آن تشمت داخلی حزب و تفرقه و منزل
« اعتبار آن نباشد روش تجزیه طلبی با هیچ منطقی معقول نیست مگر با منطق لجاج
« و خود پسندی جنون آمیز و دشمنی با مصالح ملت . »

« ز) سعی در جبران این خطا در این موقع به تحکیم سازمان حزب کمک میکند
« و یک اقدام بجا و منطقی و مطابق وجدان اجتماعی است که باید مورد توجه کافی
« قرار گیرد در عین حال با این عمل کسانی که جبران خطا میکنند خود را از سقوط
« در یک پرتگاه نجات خواهند داد . »

« ه) عمل انشعاب از طرف عموم افراد با ایمان حزب و سازمانهای مترقی و
« اتحادیه های کارگری با نفرت و بیزاری تلقی شده و مسلماً ادامه آن در حکم بی-
« اعتنائی خود پسندانه نسبت به آراء این سازمانها و ادامه یکر و ش سرا یا مضر خواهد
« بود هیئت اجراییه موقت حزب توده ایران که برخلاف روش تفتین آمیز و دعاوی
« سرا یا دروغ مسبین انشعاب هنوز هم می خواهد به اشتباهکاران فرصت جبران خطا
« بدهد آنچه را که باید تذکر بدهد تذکر داده و آخرین وظیفه خود را انجام داده است
« این اظهاریه بمنزله اتمام حجت برای کسانی است که ممکن است ندانسته به چنین
« خطائی دست زده و خود را در جاده غلط و خطرناکی وارد ساخته اند . »

هیئت اجراییه موقت حزب توده ایران

متعاقب جلسه مزبور در تاریخ ۲۶/۱۰/۴۳ جلسه دیگری تشکیل شد و
انشعاییونیکه کماکان بحزب ملحق نشده بودند طی اعلامیه ای رسماً از حزب اخراج
شدند و اقدامات آنها را نکوهش نمود .

قرار هیئت اجراییه موقت حزب توده ایران

(مصوب جلسه ۱۴۰ تاریخ ۲۶/۱۰/۴۳)

« درباره ماهیت عمل « انشعاب » »

« ۱) فرجه پنجروزه هیئت اجراییه بسر رسید و چنانکه معلوم است جز هفت »

« نفر کسانی که در عمل انشعاب شرکت جسته بودند نخواستند از راه خطای خود باز »
« گردند این مسئله با وضوح تمام نشان میدهد که کمتر کسانی در میان مرتکبین »
« این خطا حساب نکرده به این طریق گمراهی گزاشیده اند . »

« این مسئله همچنان نشان میدهد که مباشرین این عمل از مدتی پیش برای »
« پذیرفتن این راه مستعد شده بودند و چنان قلب ماهیت کرده اند که تذکار و پند در »
« آنها مؤثر نیست با این وجود غفلت زدگانی هستند که از دامنه خطای بخبرند و آنها »
« چه اندازه نادم خواهند شد که در این پنجره از فرصت بازگشت بجزب و احراز »
« مجدد موقعیت اجتماعی خود استفاده ننموده اند ولی آنها همیشه فرصت خواهند »
« داشت که خود را از این فعالیت خطرناک بکناری کشیده عملاً حسن نیت خود را »
« به ثبوت رسانند . »

« ۲) بر طبق اطلاع مسلم و قضاوت بدون تردید هیئت اجرائیه عمل انشعاب »
« نتیجه توطئه ممتدی است که در عرض یکسال اخیر در حزب وجود داشته »
« با انتشار کتاب « چه باید کرد » آغاز شده و با انتشار کتاب « حزب توده ایران »
« سرد راه » بحر حله جدی تر و عملی تر خود وارد گردیده و با انشعاب خاتمه یافته »
« است این عمل بکار گردانی خلیل ملکئی و اعضاء فراکسیون مخفی « وانگاردیست »
« انجام گرفته هدف آن متعجّر کردن حزب از داخل تضعیف و ایجاد يك سازمان عوام »
« فریبی باصطلاح « سوسیالیست » و « مترقی » است . »

« این انشعاب مربوط به فعالیت مخفی و مرموز امپریالیسم در داخل حزب ما »
« بوده که با کلیه وسائل مستقیم و غیر مستقیم خود ماهرانه عمل کرده و از کلیه انحرافات »
« فکری و خودپسندیها و تنگ نظریشان استفاده کرده است حزب برای توضیح مفصلتر »
« این توطئه « تحریک و خرابکاری » بزودی اعلامیه ای منتشر خواهد کرد و جریان »
« این توطئه را فاش خواهد ساخت . »

« ۳) بنابراین عمل « انشعاب » عملی است خائنانانه و بقصد خیانت انجام گرفته »

« است و افرادی که در این عمل شرکت داشتند بعضی دانسته و بعضی ندانسته بسازمان »

« حزبی خودراه و روش آن خیانت کرده اند. »

تصمیم هیئت اجراییه درباره این اشخاص و جمعیت آنها

« ۱) خلیل ملکی اداره کننده عمده این جریان که در عرض یکسال اخیر »

« فعالیت زیان بخش در حزب برای خورد کردن حیثیت حزب و رهبری آن انجام »

« داده و در عرض دو ماه اخیر برای جلب افراد و راضی کردن آنها بانشعاب در منزل »

« خود کانون فعالیت بی وجود آورده یا تشبث بانواع مطالب جعلی ذهن ها را تارک »

« می ساخته و بزرگترین عامل نفاق و نقار بوده نسبت به جنبش دموکراسی در ایران »

« عمل خیانت آمیز کرده و برای همیشه از سازمان حزب توده ایران اخراج میگردد »

« و اعتبار نامه نمایندگی او در کنگره لغو و مقامات و مسئولیت های حزبی او سلب »

« میشود : »

« ۲) کلیه کسانی که اعلامیه اول و دوم انشعاییون را امضاء کرده اند و در این »

« جریان دانسته یا ندانسته شرکت ورزیده و با وجود تذکرات حزب از آن دست »

« نکشیده اند از سازمان حزبی ما اخراج مقامات آنها سلب و اعتبار نامه آن چند نفری »

« که نماینده کنگره بوده اند لغو میگردد. »

« ۳) « جمعیت سوسیالیست توده ایران » کوچکترین ارتباطی با حزب توده »

« ایران ندارد بلکه سازمانی برای اجراء نیات نفاق افکن امپریالیستی در زیر نقاب »

« سوسیالیسم « « ترقی خواهی » و « اصلاح طلبی » است حزب توده ایران بدون »

« توجه بطواهر و بادرک کامل ماهیت این جمعیت آنرا جمعیت خرابکاری و نیرنگ »

« تلقی میکند، آنرا دشمن طبقات زحمتکش میدانند و با آن جداً و شدیداً مبارزه »

« خواهد کرد. »

« ۴) حزب توده ایران به کلیه سازمان های که راه و روش این حزب را صحیح »

« می شمارند و مطبوعات و مطبوعات که به مصالح ملت ایران احترام میگذارند و نجات ملت را »

« در پرتو راه و روش حزب توده ایران می دانند و همه دوستان و علاقمندان خودو
« بهمه آزادیخواهان و عناصر مترقی ایران قضاوت خود را اعلام می دارد و از آنان متوقع
« است که در این مبارزه بر ضد بساط نیرنگ و تزویر جدید امپریالیستی مارا همچنان
« که در همه مراحل مددکار بوده اند ، مددکاری کنند این بهترین راهی است که حتی
« آنانی که فریب خورده و در این دستگاه تزویر شرکت جستند اند از خواب بیدار
« شوند این بهترین راه است برای آنکه نقاب تزویر کنندگان هر چه زودتر
« فرافتد . »

اسلوب کار این باند در گذشته

« ۱) اسلوب این باند در عرض یکسال گذشته کار مخفی برای متشکل کردن
« عناصر مستعد ، تبلیغ این عناصر بر روی نظریات منحرف و آماده ساختن آنها برای
« قبضه دستگاه رهبری و در صورت عدم موفقیت انشعاب بوده است . »

« ۲) حوزه های مخفی آوانگاردیست ؛ درست مانند گروه انشعابی و خائن
« ساراگات در ایتالیا با سوء استفاده از « حق انتقاد در حزب » و « دمکراسی حزبی »
« شدیدترین تبلیغ بمنظور متزلزل ساختن حیثیت حزب و مرکزیت آن از میان بردن
« بهترین افراد حزبی که در مقابل این باند ایستادگی میکردند دست زده است . »

« ۳) حوزه های مخفی آوانگاردیست با استفاده از اثرات مخرب تقنین و جعل
« داستانها و شایعات عجیب و تحریف کامل جریانات روز پر روز افراد تازه ای را نسبت به
« حزب و رهبران آن می پروراندند و بدین ترتیب آنها را برای قبول نظریات خود
« آماده می کرده اند . »

« ۴) هیئت اجرائیه حزب توده ایران این روش تخریب و تقنین را که باعث
« از میان رفتن شور و شوق کار ، علاقه و صمیمیت حزبی و ایجاد یک روحیه یأس و نگرانی
« و عدم اطمینان می شود شدیداً محکوم می کند »

اسلوب کار این باند در آتیه

« ۱) طراحان این نقشه و اداره کنندگان این « جمعیت » در آینده موظفند

« نقش « سوسیالیست های « بدون رنگ » و « ملی » را بازی کنند آنها وظیفه دارند »

الف - در حزب توده بتدریج رخنه کرده آنرا از میان ببرند . »

ب - حزب « سوسیالیست » خود را که دارای نظریات منحرف و تاکتیک »

امپریالیسم پسند است جانشین آن سازند . »

ج - در شورای متحده مرکزی تفاق افکننده ورهبری آن شورا را بدست »

« عمال خود بسپارند . »

د - با قبول ظاهری « همان » هدفهای جهانی و ملی حزب توده ایران وتکرار »

« اینکه » حزب غیر از اشخاص است ، مرام حزب توده خوب است « رهبرانش فاسدند »

« بکلیه رهبران آن حملات ناجوانمردانه نمایند، حیثیت آنان را متزلزل کنند وعین »

« همان نقشه تحریک و تفتین را که در حزب اجراء می کرده اند بوسیله عمال خود »

« وتماس گرفتن با اعضاء حزب توده ایران ادامه دهند . »

« ۲) آنها برای آنکه بتوانند در مرحله اولی جمعیت خود را بضجی بدهند »

« مطابق دستورا خیر خلیل ملکی سعی خواهند کرد بین خودشان وافراد حزبی خلاء »

« ایجاد کنند یعنی تماس نگیرند این فقط برای اینست که در این تماس و در شروع »

« شدن مبارزه شدید امکان عمل آنها بشدت محدود میشود ، آنها هنوز لازم میدانند »

« خود را بعنوان « دسته مترقی » بظاهر دوست حزب توده جلوه دهند تا بتوانند در »

« حزب توده ایران نفوذ کنند ولتی در عین حال بدما گوژی شدید وجعل انواع واقسام »

« دروغهای فتنه انگیز برای تیره کردن ذهن رفقای حزبی دست خواهند زد و بتدریج »

« در یک ستیزه خائنانه ای با حزب توده ایران داخل خواهند گردید امپریالیسم حتی »

« عناصر غفلت زده وبی خبر آنها را با هزار رشته آهسته آهسته در لجن خواهد کشید »

« واز آنها بتدریج دشمنان بی پروائی در مقابل آزادیخواهان درست خواهد کرد این »

« تمهاد را بران رخ نداده ، نظایر آن در سراسر جهان و برای تمام نهضتهای چپ واقع »

« شده است . »

« ۳) رفقای حزبی در نظر بیاورند که کارل کاوتسکی ها، ژول گدها، پلخانف ها »

« و تروتسکی‌ها در آلمان و فرانسه و روسیه با وجود سیر درجاده خیانت علنی نسبت
« بمنافع طبقه کارگر تا دقیقه بازپسین زندگی خود را مارکسیست و انقلابی جلوه
« میدادند و اطلاع آنها از مارکسیسم و عمل آنها در این راه بمراتب اطلاع و عمل این
« کاریکاتورهای ایرانی آنها زیادتر بود لذا هیچ لفظ، هیچ جمله پردازی هیچ ادعا
« هیچ برخ کشیدن سابقه‌ای شما را تقریباً حربه آنها همین عوام فریبی هاست.
« امپریالیسم چون با شعارهای ارتجاعی نتوانست حزب ما را ازین ببرد می‌خواهد با
« شعارهای چپ ماراسر کوب کند دقیقاً هشیار و متوجه باشید ! »

وظیفه رفقای حزبی

« ۱) لازم است این باند « بایکوت » شود هر گونه مرادده‌ای با آنان قطع
« گردد با آنان رفتاری سزاوار عمل آنها اتخاذ گردد . »

« ۲) لازم است ماهیت عمل آنها برای همه کس تشریح گردد، هیئت اجرائیه
« سعی خواهد کرد بیش از پیش رفقا را در جریان بگذارد و ماسک « اصلاح طلبی » و
« ترفیخواهی » و « سوسیالیسم » این خرابکاران را در تمام مراحل بردارد و در این کار
« از مجعول‌ترین دشنامهای این باند باکی نخواهد داشت زیرا مطمئن است که پیروزی
« حزب در این جریان قطعی است »

« ۳) لازم است هر فردی که بحزب توده ایران وسنت آن وفادار است بدون
« تزلزل و با یک قضاوت قطعی در مبارزه با این دشمنان جدید الاحداث ساخت
« امپریالیسم که به اصطلاحات و کلمات و لغات مربوط به ایده‌ئولوژی زحمتکشان
« مجهزند و « ابلیسانی هستند که قرآن می‌خوانند » وارد شود و با این منشویسم
« ایرانی با این کاریکاتورهای سارا گاتنها و ژوهو ها و بلوم ها با این گروه انشعابی
« جداً پیکار کند بگذارد این بدعت شوم این ننگ هر چه زودتر از میان برود و
« تصفیه قطعی کل اینها بنفع نهضت و سود جریان است ملت ایران مطمئن گردد که
« حزب توده ایران آثار افتخار آمیز خود را اوج و ارتقاء میدهد ولی ننگها را با
« دست قوی میزداید و میرود. کاری کنیم که ملت ایران از نهضت‌های آزادیخواه »

« مایوس نشود، آنها با این عمل خودبه اعتبار امپریالیسم کمک کردند. ما با ایمان »
« و مبارزه خود به اعتبار نهضت‌های توده‌ای و ملی کمک کنیم . »

نتیجه

« ۱) هیئت اجرائیه در عرض این ده روز که از بر ملا شدن انشعاب می گذرد »
« احساسات شورانگیز قضاوت قطعی و منطقی و جدی رفقای کارگرو روشنفکر حزبی »
« را مشاهده کرده است این قضاوت روشن نشانه رشد حزب ماست میتوان گفت »
« که کمتر حزبی ممکن بود در مقابل يك چنین توطئه ماهرانه تهیه شده‌ای آنقدر »
« سریع و دقیق و محکم قضاوت کند این دومین امتحان درخشانی است که پس از »
« حادثه آذربایجان حزب ما میدهد. »

« در عرض یکسال اخیر این باند با تبلیغات وسیع خود حیثیت هیئت اجرائیه »
« را پائین آورده و کوشیده بود تا حیثیت چندتن از همدستان خود را بالا برد و افکار »
« منحرفی در حزب انتشار داده بود آنها اطمینان داشتند که با چنین شرایط مساعدی »
« انشعاب با فرو ریختن کامل حزب توده همراه خواهد بود و حیثیت مصنوعی »
« کارگردانان این توطئه همه را بجانب خود جلب خواهد کرد. »

« آنچه که در خور تحسین است اینست که حتی در دانشگاه « دژ » ادعائی »
« آنها ، قضاوت اکثریت مطلق دانشجویان حزبی بر ضد این عمل خائنانه سریع »
« و محکم بود. هیئت اجرائیه می تواند با اطمینان و ایمان بگوید که اینک با يك »
« چنین آزمایش درخشان ما يك حزب واقعی دارای ایده ثولوژی و عمل مشترك »
« و متحد هستیم نه فقط طبقه کارگر که با شم قوی خود دشمن رادر هر لباس می شناسد »
« بلکه روشنفکران حزب ما نیز خود را در این جریان همکاران وفادار و شایسته »
« طبقه کارگر نشان دادند. »

« هیئت اجرائیه اطلاع دارد که توطئه چیان بنیابی بسی وسیع تر امید »
« داشتند و وعده های کلانی داده بودند آنها همچنانکه در حزب شکست خوردند »

« و نتوانستند رهبری را بدست گیرند در انشعاب نیز شکست خوردند انشعاب آنها »
« به افتضاح بدل شد حزب توده ایران سر بلند باقی ماند . »

« هیئت اجرائیه حزب توده ایران به مناسبت این رشد عالی رفقای حزبی »
« در قضاوت ، صمیمانه با آنها درود میفرستد »

« رفقا! همگی در زیر پرچم مبارزه خود علی‌الدوام یگانه و مصمم باقی خواهیم »
« ماند . »

« ۲) درباره روش آینده هیئت اجرائیه لازم است نکاتی تذکر داده شود »
« منشیین و عمال آنها انتشار میدهند که گویا از این پس حق انتقاد در حزب سلب »
« می‌شود و دمکراسی افراد محدود می‌گردد این انتشار سراپا دروغ و جعلی است »
« هیئت اجرائیه با مراعات کامل اصول صحیح حزبی حق انتقاد و دمکراسی را »
« بحد اعلی صیانت خواهد کرد و بکمک همه رفقا خواهد کوشید تا از این حق »
« بمنظور ایجاد کار وجدیت و شور و شوق واقعی استفاده شود و سازمان حزبی مادر »
« راه تکامل پیش برود هیئت اجرائیه کنگره حزب را در موعدی که مقرر شده »
« است مسلماً تشکیل خواهد داد و بنوبه خود خواهد کوشید »
« تا رهبری محکم و با تجربه و جدی برای اداره حزب بر روی اصول صحیح »
« تشکیلاتی بوجود بیاید. هیئت اجرائیه بی‌چوجه قصد ندارد کسانی را که در سابق »
« اخراج کرده بپذیرد یا اشخاصی را که سلب مسئولیت نموده است بکاری بگمارد. »
« این انتشارات جعلی انشعاییون است که میخواهند بدین ترتیب افراد »
« حزبی را رنجانده و مأیوس ساخته و بهمان شیوه قدیم و همان روش زشت و کثیف »
« خود با تقنین و تحریک افراد تازه ای را بجانب خود بکشند حزب تنها بروی »
« کار گران و روشنفکران با ایمان و فداکار و درست تکیه خواهد کرد هیئت اجرائیه »
« خواهد کوشید تا سطح قضاوت صحیح اجتماعی و اخلاق درست حزبی بالا رود »
« و دامنه تعلیمات توسعه یابد برای اینکار، نه فقط اراده و نقشه هیئت اجرائیه لازم »
« است بلکه بکمک علاقه کار ، ابتکار انتقاد بجای همه رفقای حزبی احتیاج مبرم »

« داریم تنها با برقرار شدن يك رابطه صمیمانه بین رهبری و توده حزبی و خودافراد
« ما بین یکدیگر سیر سازمان حزبی در طریق تکامل ممکن است »
« منشعبین در گذشته بین رهبری و بعضی از افراد حزب دره ای ایجاد کرده
« بودند آنرا باصمیمیت و علاقه پرکنیم و دست بدست و دوش بدوش هم در راه
« مبارزه پیش برویم »
« کار انضباط ، داشتن ظرفیت کافی برای درك موقعیت ، خسوسردی در
« مقابل تحريك ، هشيارى در مقابل فریب ، ایستادگی در مقابل فشار و سختی اینهاست
« نکاتی که باید همه مجاهدین حزبی ما مراعات کنند »
« همه باهم برای احراز پیروزی بر ضد توطئه چیان انشعابی ، برای برافراشته
« نگاهداشتن پرچم مقدس حزب ، برای موفقیت در دومین کنگره حزب توده
« ایران »
« زنده باد حزب با شهامت و پرافتخار ما که حتی دشمنان جرئت آن را
« ندارند که خدمات درخشانش را منکر شوند »

هیئت اجرائیه موقت حزب توده ایران

حزب توده با صدور این اعلامیه خواسته بود که قیام انشعابیون را علیه
حزب رفع و رجوع و عمل و آنها را سیاستهای امپریالیستی نسبت دهد و این یکی
از شیوه های کمونیستی است که هر کس عضو حزب کمونیست نباشد و یا
عضوی باشد که اظهار عقیده نماید بناچار عامل امپریالیست محسوبست .

فصل دوم

تشکیل جلسه فوق العاده نمایندگان

سومین کنفرانس ایالتی تهران

در فروردین ۱۳۲۷ جلسه فوق العاده نمایندگان سومین کنفرانس ایالتی تهران بمنظور ترمیم عده‌ای از نمایندگان کنگره و اعضاء کمیته ایالتی که بصف انشعاییون پیوسته بودند تشکیل گردید :

کارهای مهم این جلسه عبارت بود از :

الف - انتخاب اعضاء کمیته ایالتی تهران بشرح زیر:

- | | | |
|-------------------|-------------|--------------------------|
| ۱ - امان الله | قریشی | دبیر کمیته ایالتی تهران |
| ۲ - جهانگیر | افکاری | مسئول تشکیلات |
| ۳ - آقا میر | سید اشرفی | مسئول مالی |
| ۴ - دکتر سید احمد | سادات عقیلی | مسئول دانشگاه |
| ۵ - محسن | علوی | مسئول کمیته محلی یک |
| ۶ - آقا فخر | میر رضایی | مسئول کمیته محلی دو |
| ۷ - اکبر | شهابی | مسئول کمیته محلی سه |
| ۸ - رحمت الله | جزینی | مسئول کمیته محلی چهار |
| ۹ - نادر | شرمینی | نماینده سازمان جوانان |
| ۱۰ - محبوب | عظیمی | نماینده شورای متحد مرکزی |

۱۱ - مهندس صادق انصاری نماینده دهقانان

۱۲ - مریم فیروز نماینده زنان

ب - انتخاب هفده نفر نمایندگان جدید بجای آن عده از نمایندگان کنگره که بصف انشعاب پیوسته بودند .

ج - بحث در مورد انشعابیون .

د - صدور قطعنامه در زمینه تأیید قطعنامه هیئت اجرائیه موقت .

ضمناً آخرین اقدام حزب توده در اواخر اسفندماه سال ۱۳۲۶ تشکیل انجمن

ادبی و هنری بوده است .

دومین کنگره

با تشکیل حزب سوسیالیست توده ایران از طرف جناح راست حزب توده « اصلاح طلبان » و دعوت از اعضاء سابق حزب توده بمنظور فعالیت در حزب جدید رهبران حزب توده ناراحت شده به تبلیغ در میان اعضاء پرداختند و کارشان بدشواری گرائید تا آنکه رادیو مسکو بدانشان رسید حزب جدید خلیل ملکی را « دست نشانده امپریالیسم » خواند بدین ترتیب رهبران حزبی نفس راحتی کشیدند و در حدود ۱۰۰۰ نفر از آنها را نگه داشتند و بر روی این هزار نفر سازمان حزب توده را از نو بنیان گزاری کردند . این هزار نفر از کسانی بودند که بمسکو اعتقاد داشتند و انشعابیون را خرده بورژوا و فرصت طلب نامیدند که رهبری جهانی کمونیزم را قبول ندارند . هیئت اجرائیه موقت بلافاصله شروع بتهیه مقدمات تشکیل دومین کنگره حزب توده کرد زیرا دیگریمی از مخالفان نداشت و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۷ کنگره دوم حزب توده تشکیل شد .

جریان مشروح دومین کنگره حزب توده

دومین کنگره حزب توده روز یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ « ۲۴ آوریل

۱۹۴۸ « ساعت هفت بعد از ظهر در سالن کلوب مرکزی حزب با حضور ۱۱۸ نفر (۱) نماینده از سازمانهای حزبی سراسر ایران تشکیل شد .

(۱) اسامی کلیه نمایندگان دومین کنگره حزب توده بشرح زیر است .

۱ - محمد علی	ابراهیمی	۲ - ضیاء	الموتی
۳ - غضنفر	ارامی	۴ - محمد باقر	ازگمی
۵ - عباس	استادان	۶ - زهرا	اسکندری
۷ - محمود	اعتماد زاده	۸ - جهانگیر	افکاری
۹ - اسداله	آقائی	۱۰ - مهندس اسداله	الهی
۱۱ - مهندس حسن	امام وردی	۱۲ - علی	امیر خیزی
۱۳ - هوشنگ	انتظامی	۱۴ - مهندس صادق	انصاری
۱۵ - غلامعلی	بابا زاده	۱۶ - احمد	باستانی
۱۷ - محمود	بقراطی	۱۸ - نعمت‌اله	بهرام پور
۱۹ - دکتر محمد	بهرامی	۲۰ - مهندس اکبر	بهشتی
۲۱ - دکتر کریم	پویا	۲۲ - محمد حسین	تمدن
۲۳ - کاظم	تقتی	۲۴ - کاظم	جعفری
۲۵ - رحمت‌اله	جزینی	۲۶ - بوت‌تراب	جلی
۲۷ - دکتر حسین	جووت	۲۸ - محمد ابراهیم	چاوشیان
۲۹ - احمد	حسابی	۳۰ - مهدی	حقانی
۳۱ - صمد	حکیمی	۳۲ - حسن	خاشع
۳۳ - دکتر محمد علی	خلعت بری	۳۴ - بانوصیفه	خاتمی
۳۵ - مهندس محمد باقر	خوش‌اتکال	۳۶ - مهندس مجتبی	خیامی
۳۷ - حسین	خیر خواه	۳۸ - کلثوم	دادور (عیال‌رضا سلماسی)
۳۹ - مهندس مسعود	درویش	۴۰ - محمود	دژکام
۴۱ - تقی	رادمنش	۴۲ - دکتر رضا	رادمنش
۴۳ - مرتضی	راوندی	۴۴ - غفور	رحیمی
۴۵ - محمد علی	رستمیان	۴۶ - ناظم	رسولی
۴۷ - دکتر تقی	رضوی	۴۸ - کالوست	زاخاریان
۴۹ - صادق	زمانی	۵۰ - ایرج	زندپور
۵۱ - هوشنگ	زندپور	۵۲ - دکتر محمد حسین	زهرائی
۵۳ - دکتر احمد	سادات عقیلی	۵۴ - محمد	سالک
۵۵ - رضا	سلماسی	۵۶ - احمد	سمیعی
۵۷ - آقا میر	سید اشرفی	۵۸ - احمد	شاملو

ابتدا دکتر رضا رادمنش تشکیل دومین کنگره حزبی را اعلام داشت و پس از خواندن سرود حزبی محمد علی شریفی را بعنوان رئیس سنی کنگره معرفی کردند.

بقیه از صفحه قبل			
شاهرودی	۶۰ - احمد	شا ندرمنی	۵۹ - اکبر
شرمئی (مادر نادر شرمئی)	۶۲ - بانو عالیه	شب رنگ	۶۱ - اسماعیل
شرفی	۶۴ - محمد علی	شرمئی	۶۳ - مهندس نادر
شورشیان	۶۶ - محمد	شمائل (مدیر روزنامه سیان)	۶۵ - انور
صادق وزیری	۶۸ - صادق	شهابی	۶۷ - اکبر
صیاد نژاد	۷۰ - ابراهیم	سارمی	۶۹ - اعظم
عابدی	۷۲ - دکتر محمد حسین	طبری	۷۱ - احسان
عالم زاده	۷۴ - مهندس ابراهیم	عاشورپور	۷۳ - مهندس محمود
عبدالملاک پور	۷۶ - امیر	عباس زاده	۷۵ - عباس
علوی	۷۸ - بزرگ	عظیمی	۷۷ - محبوب
علوی	۸۰ - مهندس علی	علوی	۷۹ - محسن
فرنیا	۸۲ - بانوهما	فرنیا	۸۱ - محمد
فرهی	۸۴ - ابوالفضل	فروتن	۸۳ - دکتر غلامحسین
فیروز (عیال)	۸۶ - بانو مریم	قتیبهی	۸۵ - محمد هادی
قاضی	۸۸ - محمد	قاسمی	۸۷ - احمد
قریب	۹۰ - مهندس یوسف	قدوه	۸۹ - محمد رضا
کباری	۹۲ - علی	قریشی	۹۱ - امان اله
کشاورز	۹۴ - دکتر فریدون	کریم	۹۳ - ژرژ
کیانوری	۹۶ - دکتر نورالدین	کیانوری (عیال عبدالصمد تامبخشی)	۹۵ - بانودکتر اختر
متقی	۹۸ - علی	گرمان	۹۷ - مهندس عباس
محضری	۱۰۰ - ابراهیم	محسنی	۹۹ - عزیز
مسکوب	۱۰۲ - شاهرخ	مساح	۱۰۱ - جلال
منتصری	۱۰۴ - دکتر هوشنگ	معینی	۱۰۳ - جواد
میرمضانی	۱۰۶ - فخرالدین	موسوی	۱۰۵ - باقر
ندیم	۱۰۸ - مهندس کاظم	نامور	۱۰۷ - رحیم

محمد علی شریفی سخن خود را با جمله :

« رفقای عزیز . این موفقیت بزرگ یعنی تشکیل دومین کنگره حزبی را که در شرایط دشوار کار برپا میشود بر فقای عزیز و بحزب تبریک میگویم . شروع کرد و پس از بیان مشتی الفاظ پوچ و بی معنی و یک سلسله جملات و عبارات تملق آمیز و چاپلوسانه که همه حاکی از تحمیق رفقا بود . تقاضای انتخاب پنج نفر هیئت رئیسه کنگره را می کند و بالاخره از رفقا ! خواهش میکند که محض تسریع جریان کارهای کنگره با انتخاب پنج نفر نامزدهای زیر :

۱ - دکتر رضا رادمش

۲ - دکتر فریدون کشاورز

۳ - احمد قاسمی

۴ - غلامعلی بابا زاده

۵ - صمد حکیمی

موافقت فرمائید .

با انتخاب هیئت رئیسه کنگره بشرح فوق موافقت شد و پس از قرار گرفتن هیئت رئیسه در محل خود دکتر رضا رادمش انتخاب چهار نفر منشی را بشرح زیر پیشنهاد کرد .

۱ - علی متقی

۲ - نادر شرمینی

۳ - اکبر شاندرمنی

۴ - ابراهیم صیاد نژاد .

بقیه از صفحه قبل

۱۰۹ - مهندس محمد	نصراصفهانی	۱۱۰ - مهندس حسین	نظری
۱۱۱ - کاظم	نوتاش	۱۱۲ - مهندس علی	نوربخش
۱۱۳ - داود	نوروزی	۱۱۴ - عبدالحسین	نوشین
۱۱۵ - اکبر	وزیرزاده	۱۱۶ - مهندس احمد	وکیلی
۱۱۷ - محرم	هاشم	۱۱۸ - محمود	هرمز
۱۱۹ - منوچهر	هوشمند راد	۱۲۰ - بانو هما	هوشمند راد
۱۲۱ - دکتر مرتضی	یزدی	۱۲۲ - یعقوب	یعقوب زادگان

منشی‌های پیشنهاد شده هم انتخاب شدند و در جای خود قرار گرفتند. هیئت رئیس دستور جلسه کنگره دوم کدائسی حزب را بشرح زیر پیشنهاد کردند که تصویب شد.

قسمت اول:

در جلسه عمومی

- ۱ - افتتاح جلسه کنگره توسط هیئت اجرائیه.
- ۲ - سرود حزبی.
- ۳ - تعیین رئیس سنی.
- ۴ - انتخاب هیئت رئیس « پنجتنفر ».
- ۵ - تعیین منشی‌ها از طرف هیئت رئیس.
- ۶ - انتخاب کمیسیون رسیدگی به اعتبارنامه‌ها.
- ۷ - تذکرات هیئت رئیس درباره نظم جلسات کنگره.
- ۸ - قرائت نامه هیئت اجرائیه موقت درباره انتخاب نمایندگان کنگره.
- ۹ - اعلام برنامه توضیح درباره شعبه‌های ۶ گانه کنگره و وظایف شعبه‌ها.

الف - شعبه سیاسی.

ب - شعبه تشکیلات و رسیدگی به انشعاب.

پ - شعبه تبلیغات و تعلیمات و روزنامه و زنان.

ت - شعبه مالی.

ث - شعبه اساسنامه و تقمیش کل.

ج - شعبه رسیدگی به کار حزب میان کارگران - دهقانان - جوانان.

۱۰ - انتخاب شعبه‌ها.

۱۱ - گزارش عمومی حزب توسط دبیر هیئت اجرائیه.

قسمت دوم:

بحث در اطراف گزارش عمومی در جلسات شعبه‌ها.

تبییه قطعنامه های لازم .

قسمت سوم :

بحث در اطراف قطعنامه های صادره از شعبه ها و اساسنامه و تصویب آنها در جلسه عمومی .

قسمت چهارم :

انتخاب کمیته مرکزی و کاندیدهای کمیته مرکزی .
قطعنامه نهائی .

پس از تصویب دستور جلسه کنگره محمود بقراطی پیشنهاد میکند که خود هیئت رئیسه مأمور رسیدگی به اعتبارنامه ها و تبییه گزارش در این زمینه باشد .
محمد سالک پیشنهاد وی را تأیید میکند و بدین طریق نظر محمود بقراطی تصویب میشود .

احمد قاسمی تشکیل کنگره را جواب دندان شکنی نسبت بکسانی که دستگاه رهبری را متهم بظفره رفتن در اینکار میکردند تلقی میکند و حاضرین را بعزت موقعیت باریک توصیه بر عایت اختصار میکند .

دکتر فریدون کشاورز گزارش تفصیلی هیئت اجرائیه حزب را درباره طرز انتخاب نمایندگان کنگره قرائت میکند سپس اسامی اعضاء شعب ششگانه کنگره خوانده میشود .

دکتر کیانوری مسئولین شعب و محل تشکیل آنها را باطلاع کنگره رساند .
دکتر رضا رادمش دیر هیئت اجرائیه گزارش عمومی هیئت اجرائیه را قرائت کرد .

پس از پایان گزارش مسئولیت شعب ششگانه و محل تشکیل آن معین میشود و ختم نخستین جلسه عمومی کنگره اعلام میگردد .

دومین جلسه عمومی کنگره

دومین جلسه عمومی کنگره روزیکشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ ساعت هفت بعدازظهر تشکیل شد .

احمد قاسمی گزارش شعبه اساسنامه را قرائت کرد .

این جلسه تماماً صرف تصحیح اساسنامه گردید .

احمد قاسمی در گزارش خود باینموضوع اشاره کرد که اساسنامه فعلی حزب توده ایران همان اساسنامه‌ای است که در آغاز تشکیل حزب تدوین شده و در نخستین کنگره حزب توده ایران عیناً تائید گردید .

اینک شش سال از عمر این اساسنامه میگذرد در این مدت حزب توده ایران توسعه و رشد فراوانی یافته است بطوریکه اساسنامه مذکور دیگر بطور کامل مطابق احتیاجات کنونی تشکیلات مان نیست « یعنی انقلابی نیست » نقایصی داشت که ما در این اساسنامه آنرا مرتفع کردیم .

بنابر این اگر در اساسنامه قبلی در ظاهر رعایت اصول مشروطیت و سلطنت مشروطه و قانون اساسی میشد و در پشت این ظاهر سازپها حزب توده خود را بعنوان يك حزب ملی محدود بچهارچوب مقررات و قوانین کشوری معرفی میکرد در این موقع پرده‌ها یکباره بکنار کشید شده وماهیت واقعی حزب توده بعنوان يك حزب بتمام معنی کمونیست و تابع کمونیسم بین الملل ظاهر شده است و برای اینکه مواد اساسنامه حزبی مطابق با نیازمندیهای روز باشد رهبران حزب دست به تهیه اساسنامه ویرنامه جدید « یعنی انقلابی » زدند و اساسنامه ویرنامه‌ای تنظیم کردند که جوایبگوی کارهای انقلابی و روش کمونیستی باشد .

اگر در اساسنامه سابق راه ورود بحزب برای افراد بآسانی میسر بود و افراد بآسانی میتوانستند در حزب مذکور نام نویسی کرده بفعالیت پردازند و اگر در آن شرایط سخت گیری زیادی برای قبول عضویت افراد نمیشد باین علت بود که حزب

توده میخواست قلب ماهیت کرده و خود را بعنوان يك حزب ملی که فعالیت قانونی دارد بمردم بشناساند ولی در این زمان بقول احمد قاسمی « چون حزب توده ایران بتدریج بملت شناسانده شد و رشد اجتماعی افراد افزایش یافت » لازم بود که در قبول عضویت افراد شرایط دشوارتری مراعات شود و آزمایش بیشتری از آنها خواسته شود یعنی بتمام معنی بدانند که فرد مورد نظر به پیروزی کامل کمونیزم داخلی و بین الملل ایمان قاطع دارد و یانهسپس بعضویت حزب توده پذیرفته شود .

در اساسنامه جدید دوره آزمایش طولانی تر شد و در معرفی اشخاص هم وضع سخت تری بوجود آمد .

در اساسنامه سال ۱۳۲۳ شمسی حدود دمو کراسی و مرکزیت دقیقاً معین نشده بود در واقع حزب در آن زمان حزبی بود که وظیفه و تکلیفی برای افراد تعیین نمیکرد و افراد بخصوص افراد پائین آنچه میخواستند میکردند . این نوعی دمو کراسی واقعی بود که اگر در جای خود اجرا میشد نتایج خوبی ببار می آورد (۱) . بهمین جهت ظاهراً در آن زمان کلماتی « نظیر دیکتاتوری پرولتاریا » و « برقراری حکومت دیکتاتوری » و « حزب انقلابی » و « تئوری خلاقه مارکسیسم لنینیسم » و یا « تئوری انقلابی » و غیره میان نبود اما احمد قاسمی مدعی بود که « حق و وظیفه ، دمو کراسی و مرکزیت » مکمل یکدیگرند و اگر « هر يك از آنها فراموش شود لطمه جبران ناپذیری بتشکیلات میخورد » و « انضباط حزب نتیجه ترکیب وهم آهنگی دواصل است » .

این واقعیتی بود زیرا اگر وضع مذکور همچنان ادامه پیدا میکرد زمینه برای بعضی حق گوئی ها بوجود می آورد و دیگر رفقای بالا ! نمیتوانستند ادعای فرعونى داشته باشند و دیگر دستورات رهبران نمیتوانست برای افراد ساده وحی منزل باشد .

(۱) بهترین نتیجه اش این بود که لااقل اعضاء حزب جرئت انتقاد کردن از دستگاه سلسله مراتب حزبی را داشتند .

چگونه ممکن است رعایت انضباط حزبی بشود؟ در اینصورت چیزی از دیکتاتوری مطلق باقی نمی ماند و برای اینکه باین وضع خاتمه داده شود به بهانه اینکه « حزب ما توسعه و نیرو یافت و مسئولیت های افراد و واحد های تشکیلاتی رو با افزایش رفت اساسنامه جدیدی از طرف هیئت اجرائیه حزب توده بمنظور رفع همین نواقص برای تقدیم بدومین کنگره حزبی تنظیم گردید . تا واقعاً دیکتاتوری پرولتاریا برقرار و انضباط آهنین حزبی ! محفوظ و افراد ساده لوح و ظاهر بین بی چون و چرا از اوامر اعضا کمیته مرکزی اطاعت کور کورانه نمایند . تا چند صباحی بیشتر این رهبران حزب بخوشگذرانی و قدرت نمائی ادامه دهند . این بود معنی لطمه جبران ناپذیر بحزب و انضباط قلابی حزب توده .

با این ترتیب حزب توده در اساسنامه جدید خود شرایط دشواری برای افراد داوطلب عضویت تعیین کرد . مسئولیت اعضا در معرفی افراد جدید تصریح شد دوره آزمایش از سه ماه به ۶ ماه افزایش یافت حوزه حزبی مسئول نظارت روش عضو جدید در دوره آزمایش گردید تا بدینوسیله نظارت و کنترل بیشتر و دقیقتری بر روی افراد داشته باشد . و اگر چنانچه دیدند که فردی از لحاظ وضع اجتماعی صلاحیت شرکت در حزب را ندارد یعنی روح حقیقت جوئی و انتقاد گوئی نسبت بروش ناپسند و اعمال زشت سران حزب توده دارد فوراً از حزب با اتحادیه ها و تشکیلات وابسته بحزب رانده شد تا خوب بفهمد و موقعیت را تشخیص دهد و دیگر از اینکارها نکند و وقتی که کاملاً مطیع و فرمانبردار شد بعنوان اینکه رفیق مزبور تجربه دیده و آزموده شده است بحزب توده راه دهند و اگر در اتحادیه ها و یا تشکیلات وابسته بحزب هم تغییر روش نداد بنحوی از انحاء عذروی خواسته شود و از حزب اخراج گردد و اگر در خارج هم دست از انتقاد برداشتت و از رفقای بالا ! همچنان بد گوئی کند تصمیم بگیرند او را معدوم سازند و جسدش را در یکی از چاههای خارج از شهر سرنگون کنند و سپس شایع کنند که رفیق ! مزبور برای انجام پاره ای مأموریت های حزبی بخارج از کشور مسافرت کرده است . این بود معنی دیکتاتوری

پرولتاریا و انضباط آهنین حزب .

با این تغییراتی که در برنامه و اساسنامه قبلی داده شده بود حزب توده معتقد بود که اجرای اساسنامه لاحق کیفیت حزب را بهتر میسازد و بر فعالیت آن می افزاید . این جلسه در ساعت ۱۱ بعد از ظهر پایان یافت .

سومین جلسه عمومی کنگره

سومین جلسه عمومی دومین کنگره در ساعت ۳ بعد از ظهر روز دوشنبه ششم اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ تشکیل شد.

پس از رسمیت یافتن جلسه د کتر رضا رادمنش راجع باعتبار نامه‌ها چنین گفت : «چون مأموریتی درباره رسیدگی باعتبار نامه‌ها به هیئت رئیسه داده شده بود» « اینک گزارش این مأموریت تقدیم میشود . »

سپس احمد قاسمی و فخرالدین میر رمضانی راجع به تقی فداکار تذکراتی دادند و تقاضای اخراج او را از حزب کردند .

محمد سالک . امان‌اله قریشی و جهانگیر افکاری و نعمت‌اله بهرام‌پور نیز مصرأ تقاضای اخراج تقی فداکار و تصمیم قاطع کنگره را درباره وی نمودند .
غضنفر آرامی هم تقاضا کرد که کمیته مرکزی آینده نسبت به عباس استادان تصمیم گرفته تکلیف او را روشن سازد .

د کتر مرتضی یزدی فقط تقاضای سلب مسئولیت حزبی از عباس استادان را کرد .

احسان طبری در اینموقع قطعنامه شعبه تبلیغات و تعلیمات را قرائت کرد .

د کتر نورالدین کیانوری قطعنامه تفتیش کل را خواند .

د کتر محمد بهرامی قطعنامه امور مالی را قرائت کرد .

احمد قاسمی قطعنامه انشعاب را قرائت کرد .

مهندس نادر شمینی قطعنامه جوانان را قرائت کرد .

مهندس صادق انصاری قطعنامه دهقانان را قرائت کرد .

بانو مریم فیروز قطعنامه مربوط بزنان را قرائت کرد .
سپس علی امیرخیزی راجع به اعاده حیثیت خود صحبت نمود .
سپس انتخاب ارکانهای حزب آغاز شد . ابتدا برای انتخاب اعضاء ثابت کمیته
مرکزی حزب اخذ رأی بعمل آمد اشخاص زیر انتخاب شدند .

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| ۱ - دکتر رضا رادمنش | ۲ - احسان طبری |
| ۳ - دکتر حسین جودت | ۴ - رضا روستا |
| ۵ - دکتر فریدین کشاورز | ۶ - دکتر غلامحسین فروتن |
| ۷ - عبدالصمد کامبخش | ۸ - دکتر محمد بهرامی |
| ۹ - دکتر مرتضی یزدی | ۱۰ - احمد قاسمی |
| ۱۱ - محمود بقراطی | ۱۲ - دکتر نورالدین کیانوری |
| ۱۳ - مهندس علی علوی | ۱۴ - مهندس نادرشرمینی |
| ۱۵ - صمد حکیمیهی | ۱۶ - علی امیرخیزی |
| ۱۷ - عبدالحسین نوشین | ۱۸ - ایرج اسکندری |
| ۱۹ - غلامعلی بابازاده | |

پس از آن انتخاب اعضاء مشاور کمیته مرکزی بعمل آمد و افراد زیر انتخاب

شدند .

- | | |
|------------------------|-------------------------|
| ۱ - امان الله قریشی | ۲ - جهانگیر افکاری |
| ۳ - مرتضی راوندی | ۴ - محمد حسین تمدن |
| ۵ - علی متقی | ۶ - اکبر شاندرمنی |
| ۷ - آقامیرسید اشرفی | ۸ - صادق انصاری |
| ۹ - اسماعیل شبرنگ | ۱۰ - بزرگ علوی |
| ۱۱ - محمد قاضی | ۱۲ - ابراهیم محضری |
| ۱۳ - ابوالفضل فرهی | ۱۴ - مهندس حسن اماموردی |
| ۱۵ - ابراهیم صیاد نژاد | ۱۶ - بانو مریم فیروز |

سپس قطعنامه نهائی بوسیله احسان طبری قرائت شد و مقارن نیمه شب پایان دومین کنگره ازطرف هیئت رئیسه اعلام گردید .

تصویب مرامنامه (۱) و اساسنامه در کنگره دوم

با توجه بچنین اوضاع و احوالی کنگره دوم حزب توده تشکیل و مرامنامه

(۱) متن کامل مرامنامه و اساسنامه حزب توده مصوب کنگره دوم بشرح زیر است .
تذکر - چون پنج اصل مرامنامه که در کنگره اول در سال ۱۳۲۳ تصویب شده بود و در این کنگره نیز بدون هیچ تغییری تصویب و اصول آن با سابق تفاوتی نداشت و مطالب آن در صفحه ۲۶۲ درج شده است بنابراین از ذکر مجدد آن خودداری شد .

برنامه حزب توده ایران

- ۱ - مبارزه سیاسی
- ۱ - مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی زبان - قلم - عقیده و اجتماعات .
- ۲ - مبارزه با رژیم دیکتاتوری و استبداد .
- ۳ - خاتمه دادن باعمال خود سرانه مأمورین شهربانی و ژاندارمری و تصفیه دستگاه دولتی از عناصر ناصالح .
- ۴ - تشکیل دادگاه عالی ملی برای محاکمه و مجازات اشخاصی که به مملکت و آزادی خیانت کرده و نسبت به حقوق فردی و اجتماعی اجحاف و تعدی نموده اند و ضبط اموالی که از این راه بدست آمده بمنفع ملت ایران .
- ۵ - تأمین استقلال قضائی و تفکیک حقیقی قوه قضائیه از قوه مجریه .
- ۶ - الفاء کلیه قوانین و نظاماتیکه بضرر توده وضع گردیده است .
- ۷ - تجدید نظر در قوانین و مقررات نظام و وظیفه بمنفع توده و جلوگیری از اجحافات و هرج و مرج آن .
- ۸ - تجدید نظر در قانون انتخابات بنحوی که آزادی رأی واقعاً برای کلیه انتخاب کنندگان میسر شود .
- ۹ - تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیه افراد ملت ایران قطع نظر از مذهب و نژاد .
- ۱۰ - آزادی کامل برای افراد اقلیت در امور فرهنگی و مذهبی خود .

بقیه در صفحه بعد

حزب که اصول آن با سابق تفاوت زیادی نداشت و هنوز از مارکسیسم، ولنینیسم در آن

بقیه از صفحه قبل

۴ - کارگران

- ۱ - سعی در گذراندن قانون کار از مجلس شورایی ملی بر اصول زیر:
 - الف - تقلیل مدت کارروانه در تمام کشور بهشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کارهای اضافی.
 - تبصره : در مورد کارهای سخت و سنگین که سلامتی کارگران مورد خطر باشد متناسب نوع کار میزان کار روزانه باید از هشت ساعت نیز تقلیل یابد .
 - ب - بیمه اجتماعی کارگران (اعم از کارگران ماشین سیار و پیشه‌ور) و کارمندان و مستخدمین.
 - پ - تأدیه خسارات معالجه و نقص اعضاء در نتیجه حادثه کار .
 - ت - برسمیت شناختن اتحادیه‌ها و حق اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی .
 - ث - استفاده از تعطیلات جمعه و اعیاد و مرخصی سالیانه با دریافت حقوق .
 - ج - منع کار اطفال خردسال تا چهارده سال و قائل شدن مدد معاش به نسبت اولاد برای والدین .
 - چ - تساوی دستمزد کارگران زن و مرد .
 - ح - استفاده زنان کارگر و مستخدم از مرخصی با دریافت حقوق در دوره وضع حمل لااقل سه ماه .
- ۲ - کوشش در اصلاح وزارت کار به نفع طبقه کارگر .
- ۳ - وضع مقررات عادلانه برای حل اختلافات کار و مراقبت در اجرای صحیح قوانین کار
- ۴ - مبارزه با بیکاری و تأسیس بنگاههای کار از طرف دولت و ایجاد بورس کار .

۳ - دهقانان

- اصلاحات لازم در طرز استفاده از زمین و زراعت و بهبود وضع دهقانان بشرح زیر :
- ۱ - واگذاری بلاعوض خالصجات و املاک قابل کشت دولتی بدهقانان بی‌ملك .
 - ۲ - خریداری املاک بزرگ بوسیله دولت و واگذاری آن بزارعین بلاعوض .
 - ۳ - کمکهای مالی بدهقانان بی‌چیز بوسیله بانک کشاورزی برای توسعه زراعت و بهبود زندگی آنان .
 - ۴ - اصلاحات اساسی در مورد تقسیم غیر عادلانه محصول بین ارباب و دهقان و حذف عادات و قوانین مربوط به آن از قبیل تقسیم بر طبق عوامل پنج‌گانه و امتیازات اربابی .
 - ۵ - تجدید نظر در قانون کدخدائی و اصلاح آن بر اساس انتخابی .
 - ۶ - تأسیس آموزشگاه‌ها و شعب بیداری در هر ده بمنظور تعمیم فرهنگ و حفظ سلامتی
- ده نشینان .

بقیه در صفحه بعد

بحشی نبود بتصویب رسید اما در اساسنامه حزب تغییرات زیادی داده شد تا تشکیلات

بقیه از صفحه قبل

۷ - اقدام در حفر قنوات واحداث چاههای آرتزین ، بستن سدها و استفاده کامل از رودخانه ها بمنظور توسعه آبیاری مطابق اصول علمی و مشروب ساختن زمینهای زراعتی و استفاده از زمینهای بایر .

۸ - مبارزه بر علیه بیکاری و اجحاف مأمورین دولت لغو مالیاتهای اربابی .

۹ - سعی در تصویب قانون راجع به تعیین روابط ارباب و دهقان و مراقبت در اجرای آن .

۱۰ - مراقبت در توزیع عادلانه خواربار و مواد مورد نیاز بین ده نشینان .

۴ - پیشه وران

تشویق اتحاد پیشه وران بمنظور تأسیس کارگاههای مشترک برای ترقی محصول صنعتی و بهبود وضع اقتصادی آنان .

۵ - کارمندان ادارات و روشنفکران

۱ - تجدید نظر در قانون استخدام کشور بنحویکه مخصوصاً شرایط معاش و زندگی کارمندان جزء تأمین گردد .

۲ - تأسیس اتحادیه کارمندان جزء بمنظور بهبود وضع اقتصادی و معیشتی و استخدامی آنان .

۳ - کوشش برای واگذاری کارهای بزرگ دولتی و فنی و علمی و صنعتی و غیره به افراد تحصیل کرده و کار آزموده .

۴ - کوشش در ترقی اجتماعی و استخدامی افراد بر اصل استعداد و تحصیل .

۶ - حقوق زنان

۱ - کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حتی انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و شهرداری) .

۲ - بهبودی اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان .

۳ - تأسیس و افزایش مؤسسات حمایت مادران و کودکان بی بضاعت .

۴ - تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشویی بنحوی که بی عدالتی های موجوده از بین برود .

۷ - فرهنگ عمومی و بهداشت

۱ - اصلاحات اساسی در امور فرهنگی و بهداشتی و اجرای قانون تعلیمات اجباری مجانی عمومی و تأمین استفاده توده از کلیه مؤسسات فرهنگی و بهداشت .

۲ - اصلاح کتب فرهنگی وسیعی در تغییر برنامه آموزشگاهها .

۳ - تشویق و ازدیاد مؤسسات فرهنگی و هنرهای زیبا .

۴ - تدریس دروس سیاسی در مدارس متوسطه و عالی .

بقیه در صفحه بعد

حزب شبیه به سازمانهای احزاب کمونیست جهان شود. تغییراتی که در این

بقیه از صفحه قبل

- ۵ - مبارزه با امراض آمیزشی و اعتیاد به تریاک والکل .
- ۶ - مبارزه شدید با سانسوردرا مورعطبوعاتی فرهنگی و هنری .

۸ - اقتصادی و مالی

- ۱ - تعدیل مالیاتها با در نظر گرفتن منافع توده وسیعی در تقلیل مالیاتهای غیرمستقیم و اجرای کامل قانون مالیات بردرآمد .
- ۲ - تأمین استقلال اقتصادی ایران بوسیله تأسیس و توسعه و تشویق صنایع و ایجاد صنایع سنگین مخصوصاً بوسیله دولت وسیعی در استفاده از منابع طبیعی بوسایل ملی .
- ۳ - توسعه و تکمیل کارخانه های دولتی و معادن و جلوگیری از کاهش محصولات آنها .
- ۴ - وضع مالیاتهای تصاعدی و تعدیل نرخ سود .
- ۵ - رهبری و اداره امور اقتصادی بوسیله دولت .
- ۶ - حمایت گمرکی از صنایع و محصولات داخلی بنحوی که نمو صنعت و در عین حال اعتدال قیمت محصول محفوظ بماند .
- ۷ - طرح نقشه های چند ساله در امور کشاورزی . صنعتی و مالی و جلوگیری از فرار سرمایه ها بخارجه .
- ۸ - تثبیت پول ایران و مبارزه با انفلاسیون (تورم پول) .
- ۹ - کوشش در فراوانی و ارزانی خواربار و مبارزه شدید بر علیه احتکار و گرانی .
- ۱۰ - مبارزه بر علیه اختلاس و چپاول اموال دولتی و رشوه خواری و هرگونه استفاده غیرقانونی از مقامات دولتی .
- ۱۱ - کم کردن میزان اجاره خانه، افزایش و ساختن خانه های مخصوص برای کارگران و کارمندان .
- ۱۲ - سعی در تأسیس و تکثیر شرکت های تعاونی تولید و مصرف .

۹ - عشایر

- ۱ - مراقبت کامل در تشویق عشایر به زندگانی فلاحتی و صنعتی ، بهبود اوضاع فرهنگی و بهداشتی و تربیتی .
- ۲ - از بین بردن فشار نسبت به عشایر که از طرف مأمورین دولت اعمال میگردد و تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی آنان .

بقیه در صفحه بعد

اساسنامه حزب توده ایران

فصل اول

حزب توده ایران

- ۱ - حزب توده ایران حزب پیشروترین افراد ملت ایران است و در مبارزه خود بخاطر آزادی و استقلال ایران بر اصول علمی مبارزه متکی میباشد .
- ۲ - حزب توده ایران رهبر مبارزه ایست که کارگران ، دهقانان ، پیشه وران و روشنفکران آزادیخواه ملت ایران برای آزادی کشور از یوغ استعمار و در راه برقراری اصول دموکراسی واقعی آغاز نموده اند .
- ۳ - حزب توده ایران سازمانی است مبارز و متحد که با انضباطی آگاهانه ، یکسان برای همه اعضاء آن ، بهم بسته شده است .
- ۴ - قدرت حزب درهماهنگی کامل وحدت فکر و وحدت عمل آنست . هرگونه انحراف از برنامه و اساسنامه حزب ، نقض انضباط حزبی ، دورویی ، شرکت در دسته بندیها با بودن در صفوف حزب منافات دارد . حزب صفوف خود را از کسانی که مراننامه ، اساسنامه و انضباط حزب را دقیقاً رعایت نمایند تصفیه می نماید .
- ۵ - حزب از افراد خود میطلبد که در راه اجرای اصول مرام حزبی و انجام تمام تصمیمات حزب و تأمین وحدت صفوف حزب بطور جدی مبارزه و فداکاری نمایند .
- ۶ - حزب از افراد خود میخواهد که مناسبات برادرانه خود را با همه عناصر مترقی ملت ایران از نظر اصول مرام حزب و همه آزادیخواهان دنیا تحکیم نمایند و این مناسبات را روز بروز توسعه دهند .

فصل دوم

پذیرش افراد به حزب - دوره آزمایش

- پیشروترین افراد از میان کارگران ، دهقانان پیشه وران و روشنفکران آزادیخواه به عضویت حزب پذیرفته میشوند .

بنظر خوانندگان میرسد تا خود واقعیت را دریابند و بدانند که حزب توده يك حزب

بقیه از صفحه قبل

۱- شرایط درخواست کننده :

۷- شرایط درخواست کننده برار زیر است :

الف- تابعیت ایران .

ب- داشتن لااقل بیست سال .

ج- قبول مرانامه ، برنامه و اساسنامه حزب توده ایران .

د- داشتن صلاحیت شخصی واجتماعی .

۲- شرایط قبول درخواست

۸- برای آنکه درخواست عضویت فردی پذیرفته شود بایستی شرایط زیرین وجود

داشته باشد .

الف- فرد درخواست کننده بوسیله دو نفر از افراد حزب که لااقل دو سال سابقه عضویت

در حزب داشته باشند کتبا معرفی شود ، حوزه این شخص را در صورت واجد بودن شرایط

عضویت برای گذراندن آزمایش می پذیرد و او را بکمیته بخش برای گذراندن دوره آزمایش

معرفی مینماید .

ب- فرد درخواست کننده مدت ۶ ماه دوره آزمایشی حزب را در یکی از حوزه های

آزمایشی که در جنب کمیته مربوطه وجود دارد برای گرفتن تعلیمات حزبی بگذراند ، در این

دوره فرد درخواست کننده باید با فعالیت و فداکاری ، علاقمندی خود را بحزب بثبوت رساند .

ج- ورقه درخواست عضویت داوطلب پس از طی دوره آزمایش باید به تصویب حوزه

معرفی کننده برسد .

پس از تصویب حوزه ورقه درخواست باید در جلسه پذیرش که در جنب هر کمیته محلی

از نمایندگان دوائر تشکیلات و بازرسی تشکیل میگردد و به سوابق فرد رسیدگی مینماید

بتصویب برسد .

معرفین تا تاریخ درخواست و افراد حوزه معرفی کننده و اعضاء کمیسیون پذیرش در

دوره آزمایش نسبت به سوابق عضو درخواست کننده کاملاً مسئول شناخته میشوند .

تبصره ۱- افرادی که دوره آزمایش را میگذرانند از نظر وظائف و اجرای مقررات

مانند حضور در جلسات حوزه و پرداخت حق عضویت و اجرای دستورهای حزبی مانند افراد

رسمی حزبی میباشد و ممکن است به آنان حق شرکت در حوزه رسمی حزب بطور مستمع آزاد

از طرف کمیته محلی مربوطه داده شود .

تبصره ۲- در صورتیکه فردی در دوره آزمایش خود را آطور که باید و شاید نشان

ندهد کمیته میتواند از قبول فرد مزبور بکلی امتناع ورزد و یا دوره آزمایش وی را تمدید کند .

تبصره ۳- جوانانی که سنشان از ۲۳ سال کمتر است منحصرأ از راه سازمان جوانان

بقیه در صفحه بعد

کمونستی و فعالیت کمونستی داشته است منتها تا سال ۱۳۲۷ از بیان ماهیت

بقیه از صفحه قبل

به حزب پذیرفته میشوند ، افراد سازمان جوانان توده ایران که ۶ ماه سابقه عضویت در آن سازمان داشته باشند ، و واجد شرایط عضویت حزب باشند و از طرف سازمان جوانان کتباً معرفی شوند بدون طی دوره آزمایش بحزب پذیرفته میشوند . افراد سازمان جوانان بدون معرفی نامه کمیته های مربوطه سازمانی بحزب پذیرفته نخواهند شد .

تبصره ۴ - برای کارگرانی که لااقل یکسال در شورای متحده مرکزی سابقه عضویت داشته باشند دوره آزمایش سه ماه خواهد بود .

د - تاریخ ورود به حزب يك فرد تاریخی است که ورقه درخواست عضویتش پس از طی دوره آزمایش در جلسه پذیرش به تصویب میرسد .

فصل سوم

وظایف و حقوق افراد حزب

۱ - وظایف :

۹ - عضو حزب موظف است نکات زیر را مراعات نماید :

الف - شرکت منظم در یکی از حوزه های حزبی و شرکت عملی در فعالیت های حزبی .

ب - پرداخت منظم حق عضویت مطابق مقررات حزبی .

ج - حفظ وحدت و رعایت کامل انضباط حزبی در داخل حزب و در اجتماع بطوریکه در همه جا مجری سیاست و تاکتیک حزب باشد .

د - کوشش مداوم بمنظور بالابردن دانش اجتماعی خود و فرا گرفتن اصول مبارزه .

ه - تبلیغ مرام حزب در محیط زندگی خود و کوشش برای جلب افراد جدید به حزب .

و - شرکت در سازمان های صنفی مربوطه که از طرف حزب معین شود .

تبصره - در صورتیکه فرد حزبی از محلی به محل دیگر مسافرت نماید باید بوسیله کمیته محل اول بکمیته محل دوم معرفی گردد و در آنجا فعالیت حزبی خود را ادامه دهد .

۲ - حقوق :

۱۰ - هر يك از افراد حزب توده ایران حق دارد :

الف - در باره مسائل مربوط به سیاست حزب در مجامع و مطبوعات حزبی بحث اصولی کند .

ب - در محافل صلاحیت دار مربوطه حزبی طرز کار و روش هر يك از مسئولین را که لازم بدانند مورد انتقاد مفید ، سالم و دوستانه حزبی قرار دهد .

بقیه در صفحه بعد

واقعی خود امتناع میکرد و از فعالیت های انقلابی خود داری می نموده است اما از

بقیه از صفحه قبل

ج - در انتخاب ارگانهای رهبری حزب که حق مسلم افراد حزب است شرکت نماید و بر طبق اساسنامه به کلیه مقامات حزبی انتخاب گردد .
د - در جلسات محاکماتی که درباره او بحث میشود حضور یابد و از خود دفاع کند .

فصل چهارم

تشویق - تنبیه - اخراج

۱ - تشویق :

۱۱ - افراد و سازمانهای حزبی در موارد زیر مورد تشویق و تقدیر قرار خواهند گرفت .

الف - فعالیت در راه تبلیغ مرام حزب و جلب تعداد زیادی افراد به حزب توده ایران

ب - فعالیت برای جمع آوری کمکهای مالی برای حزب .

ج - فعالیت دقیق و منظم در انجام مسئولیت های حزبی .

۱۲ - درجات تشویق بترتیب عبارتند از :

تشویق شفاهی در حوزه - تشویق کتبی توسط حوزه - تشویق کتبی از طرف کمیته محلی

تشویق از طرف کمیته محلی با ابلاغ به تمام حوزه ها - تشویق کتبی از طرف کمیته ولایتی و

یا ایالتی با ابلاغ به تمام حوزه ها - تقدیر از طرف کنفرانس های ولایتی و ایالتی - تشویق از

طرف کمیته مرکزی - تقدیر از طرف کمیته مرکزی با ابلاغ به تمام حوزه ها - تشویق از طرف

کمیته مرکزی با درج در روزنامه ارگان حزبی - تشکیل جلسه فعالین با افتخار فرد مورد

تشویق - تشویق از طرف کنگره حزبی .

۱۳ - تشویق از طرف ارگان های بالاتر ممکن است مستقیم و یا با پیشنهاد ارگان های

پائین تر انجام گیرد .

۲ - تنبیه :

۱۴ - افراد یا سازمانهای حزبی در موارد زیر مورد مواخذه و مجازات قرار خواهند

گرفت :

الف - عدم اجرا یا سستی و کوتاهی در اجرای دستورهای حزبی .

ب - عدم حضور مرتب در جلسات حوزه و عدم پرداخت منظم حق عضویت .

ج - داشتن رفتاری در زندگی حزبی و خصوصی و اجتماعی که شایسته شان و حیثیت

حزب نباشد و بان لطمه وارد سازد .

د - توهین بر فقهای حزبی و افراد مسئول که موجب پائین آمدن حیثیت و نفوذ رهبری

میکردد .

بقیه در صفحه بعد

سال ۱۳۲۷ بپعد آشکارا و بدون رعایت اختفاء و پرده پوشی دست بکارهای انقلابی

بقیه از صفحه قبل

ه - دخالت دادن نظریات خصوصی و حب و بغض های شخصی در امور و تصمیمات تشکیلاتی و مسائل حزبی .

و - ایجاد تحریک و عصیانیت ، و دورویی و تفتین و کلیه کوشش هایی که موجب برهم زدن وحدت حزب و پائین آمدن اعتماد میان افراد حزب باشد .

ز - ایجاد دسته بندی و فراقسیون در داخل حزب و یا شرکت در آنها .

ح - انجام عملیات خائنه نسبت بحزب از قبیل خرابکاری ، ارتباط بادشمنان حزب و فاش کردن اسرار حزبی .

۱۵ - درجات مختلف تنبیه عبارتند از :

تذکر شفاهی - تذکر کتبی در حوزه - توبیخ شفاهی - توبیخ کتبی در حوزه - توبیخ از طرف کمیته محلی - توبیخ از طرف کمیته محلی با ابلاغ بحوزه ها - توبیخ از طرف کمیته ولایتی و یا ایالتی با ابلاغ بکلیه حوزه ها - توبیخ از طرف کمیته مرکزی - توبیخ عمومی با ابلاغ بکلیه سازمانهای حزبی - توبیخ از طرف کمیته مرکزی بادرج در روزنامه ارگان حزبی - سلب مسئولیت موقت - اخراج موقت و قطعی برای افراد و انحلال در مورد سازمانها .

۱۶ - تنبیه از طرف ارگانهای بالاتر ممکن است مستقیم و یا با پیشنهاد ارگان های پائین تر انجام گیرد .

۱۷ - تعیین هر گونه مجازات در محکمه های انجام میگیرد که از طرف ارگانهای حزبی معین گردد .

۳ - اخراج :

۱۸ - اخراج افراد حزب در موارد زیر صورت میگیرد :

الف - غیبت بیش از ۶ جلسه متوالی و یا ۱۰ جلسه متناوب در ۶ ماه بدون عذر موجه از جلسات حوزه ، تشخیص عذر موجه با حوزه مربوطه است .

ب - تأخیر بیش از سه ماه در پرداخت حق عضویت ماهیانه .

ج - ارتکاب اعمال ناشایست در زندگی خصوصی و اجتماعی بطوریکه به حیثیت حزب لطمه وارد آید .

د - عدم اطاعت از دستورهای ارگان های حزبی در موارد حساس .

ه - دسته بندی در حزب و اخلاخل در وحدت آن .

و - خرابکاری در داخل حزب و خیانت بمنافع طبقات زحمتکش ملت ایران .

تبصره ۱ - اخراج يك فرد از حزب ممکن است از طرف حوزه و یا کمیته مربوطه پیشنهاد گردد ، در هر صورت تا هنگامیکه این پیشنهاد در محکمه حزبی مورد رسیدگی قرار نگیرد و از طرف کمیته مرکزی حزب تأیید نگردد فرد نامبرده عضو حزب باقی میماند . ولی

بقیه در صفحه بعد

میزند و با برنامه براننامه و اساسنامه انقلابی شروع بکار میکند . و بر همین اساس

بقیه از صفحه قبل

در صورتیکه لازم باشد ، پس از اینکه موضوع در محکمه حزبی مورد تصویب قرار گرفت ، کمیته مربوطه حق دارد تا رسیدن نظر کمیته مرکزی فرد مزبور را از فعالیت های حزبی برکنار کند .

تبصره ۲ - محاکمه افراد کمیته مرکزی و اعضاء مشاور کمیته مرکزی بوسیله هیئتی که از طرف آن کمیته انتخاب میشود انجام میگردد ، این هیئت پس از رسیدگی مجازات را برای تصویب بکمیته مرکزی پیشنهاد میکند ، تصمیم درباره اخراج یکی از افراد کمیته مرکزی و یا اعضاء مشاور از کمیته یا از حزب باید با اکثریت دوسوم آراء اتخاذ شود .
تبصره ۳ - افراد اخراج شده میتوانند به کنگره حزبی شکایت نمایند و تقاضای تجدید نظر کنند ، کنگره کمیسیون مخصوصی برای رسیدگی معین خواهد کرد .

فصل پنجم

دموکراسی و مرکزیت

۱۹ - تشکیلات حزب توده ایران بر اساس دموکراسی و مرکزیت استوار است .

۱ - دموکراسی

۲۰ - دموکراسی حزبی عبارتست از حق افراد در تعیین سر نوشت حزب خود و بوسائل زیر تأمین میگردد :

الف - انتخابی بودن کلیه ارگانهای رهبری حزب از پائین به بالا یعنی از هیئت عامله يك حوزه تا کمیته مرکزی .

ب - مسئولیت ارگانهای رهبری در تقدیم گزارش کارهای مربوطه و وظایف معینه در برابر افراد حزب طبق مواد اساسنامه .

ج - حق افراد در انتقاد از ارگانهای رهبری در مراجع صلاحیت دار حزبی بمنظور بهتر کردن کار این ارگانها .

الف - انتخابات

۲۱ - برای حصول دموکراسی حزب باید انتخاب ارگانهای رهبری بطور مخفی و مستقیم انجام گیرد .

۲۲ - در کلیه انتخابات ممکن است افراد و یا ارگانهای مسئول حزبی کسانی را کاندید نمایند ولی هر فرد حق دارد هر يك از کاندیدها را مورد انتقاد قرار دهد و آزادانه هر کس را که مایل است انتخاب کند .

بقیه در صفحه بعد

با افراد و به کادرهای حزبی تعلیمات لازم را میدهد.

بقیه از صفحه قبل

۲۳ - انتخابات ارگانهای رهبری واحد های کوچک سازمانی که امکان تشکیل جلسه عمومی از کلیه افراد آن موجود است بصورت مستقیم و بلاواسطه انجام میگردد (حوزه - کمیته - بخش - کمیته محلی کوچک .)

۲۴ - انتخابات ارگانهای رهبری واحد های بزرگ تر سازمانی که امکان تشکیل جلسه همگانی افراد برای آنها وجود ندارد بطور با واسطه یعنی در جلساتی از نمایندگان افراد حزبی صورت میگیرد .

۲۵ - این جلسات نمایندگان برای بخش - محل - ولایت و ایالت بنام کنفرانس بخش - کنفرانس محلی - کنفرانس ولایتی و کنفرانس ایالتی نامیده میشود و جلسه نمایندگان سازمان کشوری یعنی تمام حزب کنگره نامیده میشود .

۲۶ - در هر صورت انتخاب ارگانهای رهبری يك یا دو و یا حداکثر سه درجه است : انتخاب حوزه و کمیته بخش يك درجه ، انتخاب کمیته های محلی دو درجه ، انتخاب کمیته های ولایتی ، ایالتی و کمیته مرکزی سه درجه است ، انتخاب نمایندگان کنگره تنها در کنفرانس های محلی صورت میگیرد .

۲۷ - حداکثر فاصله بین دو انتخاب در نظامنامه تعیین میگردد ولی بطور کلی انتخابات کلیه واحد های سازمانی هر وقت که بیش از يك دوم افراد آن تقاضا کنند خارج از نوبت بطور فوق العاده تجدید میگردد .

ب - گزارش

۲۸ - ارگانهای رهبری موظف هستند در جلسات همگانی و یا کنفرانسهای مربوطه و یا کنگره گزارش کاملی از کارهای مورد مسئولیت خود تقدیم کنند .

۲۹ - افراد حزبی و یا نمایندگان کنفرانسها و کنگره حق دارند در اطراف گزارش ارگانهای رهبری بحث نموده و نسبت به آن اظهار نظر کنند . جلسه عمومی ، کنفرانس و یا کنگره حق دارد گزارش مزبور را کلاً و یا جزأً تأیید و یا رد کند . در صورتی که یکی از ارگانهای رهبری صلاح نداند مطالبی را در گزارش عمومی خود تقدیم کند ، جلسه عمومی ، کنفرانس و یا کنگره هیئتی برای شنیدن مطالب مذکور تعیین میکند ، در صورتیکه این هیئت پس از استماع گزارش صلاح دانست ممکنست مطالب مزبور در جلسه عمومی مطرح شود .

ج - حق انتقاد

۳۰ - برای اینکه اعضاء حزب بتوانند از طرز کار ارگانهای رهبری انتقاد کنند باید حق بحث در اطراف این مسائل در حوزه ها موجود باشد ، ارگانهای موظف هستند بیحاشیه های حوزه ها و قطعنامه های آنها توجه کامل مبذول دارند .

۳۱ - کلیه کمیته های حزب موظفند جلسات عمومی فعالین حزب را تشکیل داده و بقیه در صفحه بعد

مقایسه دو اساسنامه از دو کنگره

((کنگره اول و دوم))

برنامه و اساسنامه حزب توده که از طرفی هیئت اجرائیه موقت تهیه شده

بقیه از صفحه قبل

در این جلسات مسائل جاری و حزبی را در حدود مسئولیت کمیته مربوطه مورد بحث قرار دهند.
۳۲ - علاوه در مسائل بسیار مهم و مواقع حساس لازم است بحث عمومی در حزب انجام شود ، بحث عمومی هنگامی صورت میگیرد که اولاً در کمیته مرکزی اکثریت قاطع برای اخذ تصمیم وجود نداشته باشد و یا با وجود چنین اکثریتی کمیته مرکزی بخواهد صحت سیاست و تصمیم خود را بوسیله یک بحث حزبی تأیید نماید .
ثانیاً هنگامیکه لااقل دو سوم افراد حزب از طریق حوزه ها لزوم یک بحث عمومی را پیش بینی کنند .

۴ - مرکزیت

۳۳ - مرکزیت در حزب عبارتست از حق ارگانهای رهبری نسبت به افراد حزبی در طلبیدن فعالیت های لازم طبق نقشه های منظم و بمنظور ایجاد تمرکز در نیروهای اجتماعی افراد حزبی .

۳۴ - مرکزیت مواد زیر را ایجاد میکند :

الف - موظف بودن افراد حزب بر رعایت کامل انضباط حزبی و پیروی اقلیت از تصمیم اکثریت و اجرای این تصمیم .

ب - موظف بودن افراد حزب و ارگانهای پائین تر حزبی به اجرای دستورهای ارگانهای بالاتر .

ج - حق تعیین افراد مسئول حزب و ارگان های اجرائی حزبی بوسیله ارگانهای رهبری ، حق تعیین مسئولیت و ارجاع مأموریت به افراد حزبی .

فصل ششم

سازمان حزبی

۳۵ - سازمان حزب توده ایران بر اساس ناحیه و محل کار بنا میشود باین معنی که

بقیه در صفحه بعد

بود با تغییرات زیادی در اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ از طرف دومین کنگره حزب مذکور بتصویب رسید .

بقیه از صفحه قبل

تقسیم بندی افراد در حوزه ها بر حسب محل کار آنهاست ولی کمیته حزبی يك بخش بالاترین مقام کلیه هیئت های عامله حوزه های آن بخش میباشد .

۳۶ - واحد های سازمانی حزب توده ایران به ترتیب از پائین به بالا عبارتند از :
حوزه - سازمان بخش (کارخانه - موسسه - دانشکده) سازمان محلی - سازمان ولایتی - سازمان ایالتی - سازمان کشوری .

عالی ترین مقام رهبری واحد های سازمانی فوق عبارتست از :
جلسه همگانی حوزه - جلسه همگانی ویا کنفرانس بخش - کنفرانس محلی - کنفرانس ولایتی - کنفرانس ایالتی - کنگره حزب .

۳۷ - در فاصله بین دو دوره جلسات این مراجع عالی رهبری ، هیئت هائی از طرف این جلسات انتخاب میشوند . وظیفه این هیئت ها عبارتست از انجام کارهای جاری و تصمیمات جلسات عمومی و دستورهای ارگانهای بالاتر .
این هیئت ها بترتیب عبارتند از :

دیرحوزه - کمیته بخش - کمیته محلی - کمیته ولایتی - کمیته ایالتی - کمیته مرکزی .
۳۸ - اعضاء کنفرانس بخش و کنفرانس محلی در حوزه ها مستقیماً از طرف افراد انتخاب میشوند - اعضاء کنفرانس ولایتی و کنفرانس ایالتی و کنگره در کنفرانسهای محلی انتخاب میشوند .

۱ - حوزه

۳۹ - اساس تشکیلات حزب را حوزه ها تشکیل میدهند حوزه های حزبی بر اساس محل کار افراد حزب تشکیل میشود . در هر کارخانه - کارگاه موسسه ، بنگاه و غیره که بیش از سه نفر عضو حزب باشد يك حوزه تشکیل میگردد - تعداد افراد يك حوزه با در نظر گرفتن شرایط ، توسط کمیته محلی تعیین میگردد .

۴۰ - رسمیت حوزه باید بتصویب ارگان های بالاتر محلی برسد .

۴۱ - حوزه حزبی وسیله ارتباط ارگان های رهبری با افراد حزب میباشد .

۴۲ - هر حوزه دارای دبیر انتخابی است دبیر حوزه رابط تشکیلاتی حوزه ومسئول کلیه فعالیت های حزبی حوزه است ، دبیر حوزه میتواند در صورت لزوم با جلب موافقت اکثریت افراد حوزه ، کسانی را برای کهك خود (انشاء صورت جلسات - جمع آوری حق عضویت و غیره) انتخاب نماید .

۴۳ - انتخاب دبیر حوزه هر سال دو بار در فروردین و مهر بعمل میآید - بعلاوه هر وقت نصف بعلاوه يك افراد حوزه درخواست کنند انتخاب دبیر تجدید میشود .

بقیه در صفحه بعد

با مطالعه بر نامه و اساسنامه مذکور و مقایسه آن با بر نامه و اساسنامه مصوبه اولین

بقیه از صفحه قبل

۴۴ - در صورتیکه ارگانهای بالاتر از حوزه از طرز کار و فعالیت دبیر حوزه ناراضی باشند میتوانند دستور تجدید انتخاب دهند .

۴۵ - حوزه باید در فعالیتهای حزبی شرکت کند و یک واحد زنده و فعال حزبی را تشکیل دهد .

۴۶ - حوزه باید پیوسته مسائل سیاسی و حزبی را مورد مطالعه و بحث قرار داده و در این زمینه پیشنهادهای مفید به ارگانهای بالاتر بفرستد ، حوزه باید کوشش نماید در انجام دستورهای حزبی که از طرف ارگانهای بالاتر ارجاع میگردد حداکثر فعالیت را ابراز دارد .

۴۷ - تشکیلات محلی میتواند در هر حال غیر از دبیر حوزه کسانی را بعنوان گوینده برای کمک تشکیلاتی و تعلیماتی بحوزه معرفی کند .

۴۸ - دبیر حوزه موظف است گزارش کارهای حوزه را مرتباً به ارگان مربوطه تسلیم کند .

۴ - سازمان بخش

۴۹ - سازمان بخش از چندین حوزه حزبی در یک کارخانه ، یک بنگاه ، یک موسسه یا یک دهکده بوجود میآید .

۵۰ - سازمان بخش بوسیله یک کمیته بخش مرکب از سه نفر تشکیل میگردد - مسئولیتهای این افراد عبارت است از:

۱ - دبیر مسئول کمیته بخش و مسئول تشکیلات

۲ - مسئول تعلیمات و تبلیغات

۳ - مسئول مالی .

۵۱ - انتخابات کمیته بخش در جلسه عمومی بخش و یا در کنفرانس بخش هر یکسال یکبار صورت میگیرد .

۵۲ - در صورتیکه عده افراد یک بخش باندازه ای باشد که تشکیل جلسه عمومی از آنان ممکن نشود کنفرانس بخش از نمایندگان حوزه ها تشکیل میگردد ، در صورتی که تعداد افراد حزبی یک بخش از صد نفر تجاوز کند باید کنفرانس تشکیل گردد ، نسبت عده نمایندگان کنفرانس بتعداد افراد حزبی در شرایط مختلف توسط کمیته محلی تعیین میگردد .

۵۳ - در صورتیکه یک یا چند تن افراد کمیته بخش بعلی نتوانند مسئولیت خود را ادامه دهند از بین افرادی که در کنفرانس رأی داشته اند به ترتیب اکثریت آراء و موافقت ارگان بالاتر جانشین آنان معین میگردد .

۵۴ - افرادی که بصورت کمیته بخش انتخاب میشوند باید لااقل یکسال و نیم سابقه حزبی داشته باشند .

بقیه در صفحه بعد

کنگره حزب اختلاف و تغییرات زیادی دیده میشود که این تغییرات نتیجه تمایلات علمی

۳ - زمان محلی

- ۵۵ - از مجموعه چندین سازمان بخش يك سازمان محلی بوجود میآید .
- ۵۶ - سازمان محلی متعلق بیک شهر کوچک یا يك بلوک و یا قسمتی از شهرهای بزرگ است .
- ۵۷ - سازمان محلی بوسیله يك کمیته پنج نفری مرکب از دبیر مسئول و مسئول تشکیلات - مسئول تعلیمات و تبلیغات - مسئول مالی - مسئول بازرسی و مسئول سازمان جوانان اداره میشود .
- ۵۸ - انتخابات کمیته محلی در کنفرانس محلی هر سال یکبار صورت میگیرد .
- ۵۹ - کنفرانس محلی از نمایندگان کلیه حوزه های تابعه تشکیل میشود .
- ۶۰ - نسبت عدد نمایندگان کنفرانس بتعداد افراد حزب ، در هر حال توسط کمیته محلی تعیین میگردد .
- ۶۱ - اعضاء کمیته محلی باید لااقل دو سال سابقه حزبی داشته باشند .
- ۶۲ - در کنفرانس محلی که قبل از کنگره تشکیل شود نمایندگان کنگره سازمان محلی انتخاب میشوند .
- ۶۳ - سازمانهای محلی که تابع سازمانهای ولایتی یا ایالتی هستند در کنفرانس محلی نمایندگان برای تشکیل کنفرانس ولایتی یا ایالتی انتخاب مینمایند ، تعداد این نمایندگان از طرف ارگان بالاتر تعیین میگردد .
- ۶۴ - در صورتیکه يك یا چند تن از افراد کمیته محلی بعللی نتوانند مسئولیت خود را ادامه دهند ، از بین افرادی که در کنفرانس رأی داشته اند بترتیب اکثریت آراء و با موافقت ارگان بالاتر جانشین آنان انتخاب میگردد .

۴ - سازمان ولایتی و ایالتی

- ۶۵ - از مجموعه چندین سازمان محلی يك سازمان ولایتی یا ایالتی بوجود میآید .
- ۶۶ - سازمان ولایتی و یا ایالتی بوسیله يك کمیته ، از هفت تا پانزده نفر ، رهبری میشود .
- ۶۷ - کمیته ولایتی و یا ایالتی يك هیئت اجرائیه هفت نفری از بین خود انتخاب میکند هیئت اجرائیه تشکیل می گردد از دبیر مسئول - مسئول تشکیلات - مسئول تعلیمات و تبلیغات - مسئول مالی - مسئول دهقانان - مسئول سازمان جوانان - مسئول فعالیت های خارج از حزب
- ۶۸ - کمیته ولایتی و ایالتی در کنفرانس ولایتی و ایالتی که از نمایندگان کنفرانسهای محلی تابعه تشکیل می گردد انتخاب می شود .
- ۶۹ - کنفرانس ولایتی و ایالتی هر دو سال یکبار تشکیل می گردد .
- ۷۰ - افرادی که به عضویت کمیته ولایتی یا ایالتی انتخاب میشوند باید لااقل سه سال سابقه عضویت در حزب داشته باشند .

حزب توده بچپ روی بوده است . از این تاریخ ببعده عقاید و افکار انقلابی

بقیه از صفحه قبل

۷۱ - در صورتیکه يك يا چند تن از افراد کمیته ولایتی و یا ایالتی بعللی نتوانند مسئولیت خود را ادامه دهند از بین افرادی که در کنفرانس مربوطه رأی داشته‌اند به ترتیب اکثریت و با موافقت کمیته مرکزی جانشین آنان انتخاب میشود .

۷۲ - جلسه عمومی (پلنوم) کمیته ولایتی و یا ایالتی هر چهار ماه یکبار تشکیل میگردد نماینده کمیته مرکزی در این پلنوم شرکت میکند . در پلنوم دبیر کمیته ولایتی یا ایالتی گزارش فعالیت چهار ماهه هیئت اجراییه را میدهد و پیشه‌های کارآینده را برای تصویب به پلنوم پیشنهاد میکند . نماینده کمیته مرکزی پلنوم را در جریان اوضاع سیاسی عمومی میگذارد .

تبصره ۱ - در صورتیکه ارگان بالاتر حزبی از طرز کار ارگان پائین تر از خود ناراضی باشد و تذکرات او کار را اصلاح ننماید حق خواهد داشت ارگان پائین تر را منحل و فوراً دستور انتخابات مجدد آن ارگان را بدهد و انتخابات باید حداکثر در عرض یکماه از تاریخ انحلال صورت گیرد . ارگان بالاتر میتواند بطور موقت عده‌ای را برای اداره جریان کارها تعیین کند ، این عده تا انتخاب مجدد جانشین ارگان منحل شده دارای اختیارات آن ارگان میباشد .

تبصره ۲ - هر يك از ارگانهای انتخابی میتوانند در صورت لزوم با موافقت ارگان بالاتر و با اکثریت دوسوم آراء کسانی را بعضویت خود بپذیرند .
تبصره ۳ - کمیته مرکزی حزب حق دارد در موارد لازم کسانی را برای عضویت در کلبه ارگانهای انتخابی سازمانهای حزبی تعیین و معرفی نماید .

سازمان کشوری

کنگره حزب - کنفرانس کشوری - کمیته مرکزی

الف - کنگره حزب

۷۳ - کنگره حزب عالیترین مقام رهبری حزب است . کنگره نماینده واقعی سازمان کشوری یعنی تمام حزب است . کنگره حزبی هر دو سال یکبار تشکیل میگردد ولی در فاصله بین دو کنگره ممکن است در صورت لزوم کنگره فوق‌العاده تشکیل گردد .

۷۴ - نمایندگان کنگره در کنفرانسهای محلی انتخاب میشوند . نسبت عده نمایندگان کنگره به تعداد افراد حزب ، با در نظر گرفتن شرایط از طرف کمیته مرکزی تعیین میگردد ولی در هر حال برای تمام سازمانها بیک نسبت خواهد بود .

تبصره - افرادی که به نمایندگی کنگره انتخاب میشوند باید حداقل دارای دو سال سابقه حزبی باشند .

بقیه در صفحه بعد

حزب توده علمنی می‌شود و همه سعی و کوشش حزب صرف توسعه و پیشرفت

بقیه از صفحه قبل

۷۵ - کنگره فوق العاده در موارد زیر تشکیل میگردد :

الف - در صورتیکه کمیته مرکزی تشکیل آنرا صلاح بداند .

ب - در صورتیکه بیش از یک دوم افراد حزبی مطابق آخرین آمار حزب تقاضای تشکیل آنرا بنمایند .

۷۶ - نمایندگان کنگره فوق العاده برای نقاطیکه در فاصله بین کنگره طبیعی و کنگره فوق العاده انتخاب مجدد بعمل نیامده است همان نمایندگان کنگره قبل میباشند .

۷۷ - در صورتیکه بیش از یک دوم افراد حزب تشکیل کنگره فوق العاده را تقاضا کنند کمیته مرکزی موظف است آنرا در مدت دو ماه از تاریخ وصول تقاضا تشکیل دهد .

۷۸ - وظائف کنگره عبارتست از :

۱ - شنیدن گزارش فعالیت کمیته مرکزی سابق و رسیدگی دقیق و بحث و بالتیجه اظهار نظر صریح و روشن نسبت به گزارش

۲ - تجدید نظر و تأیید مرامنامه و اساسنامه حزب .

۳ - تعیین خط مشی آینده حزب در کلیه شئون فعالیت حزبی بوسیله قطعنامه های مربوطه .

۴ - انتخاب افراد کمیته مرکزی و افراد مشاور کمیته مرکزی

ب - کنفرانس کشوری

۷۹ - در فاصله بین دو کنگره هر سال اقلاً یکبار کنفرانس کشوری تشکیل میگردد .

۸۰ - کنفرانس کشوری از اعضاء ثابت و مشاور کمیته مرکزی و نمایندگان کمیته های ایالتی و ولایتی حزب تشکیل میگردد .

۸۱ - کنفرانس کشوری جلسه مشورتی است و برای بحث در اطراف مسائل مهم تشکیل میگردد .

۸۲ - موعده و نسبت اعضاء کنفرانس کشوری بوسیله کمیته مرکزی مطابق نظامنامه تعیین میشود .

۸۳ - علاوه بر موعده مقرر در ماده ۷۹ کمیته مرکزی میتواند هر موقع که لازم بداند کنفرانس کشوری را دعوت نماید .

ج - کمیته مرکزی

۸۴ - عالیترین مقام رهبری حزب پس از کنگره کمیته مرکزی است که در کنگره با رأی مخفی انتخاب میشود .

۸۵ - کمیته مرکزی در فاصله بین دو کنگره سازمان حزبی را اداره میکند و در تمام موارد و کلیه مراحل نماینده حزب بشمار میرود .

بقیه در صفحه بعد

چنین افکاري بمنظور بکـرسي نشاندين تئوري انقلابي حزب و تعميم

بقيه از صفحه قبل

د - افراد ثابت و اعضاء مشاور

- ۸۶ - تعيين افراد ثابت کميته مرکزي باکنگره است .
- ۸۷ - درکنگره عده‌اي هم بعنوان اعضاء مشاور کميته مرکزي انتخاب ميشوند .
- ۸۸ - کساني که بعضويت کميته مرکزي ويا بعنوان عضومشاور آن کميته انتخاب ميشوند بايد حداقل ۴ سال سابقه عضويت درحزب داشته باشند .
- ۸۹ - درصورتیکه بعلمی يك يا چند نفر از افراد کميته مرکزي نتوانند به فعاليت خود ادامه دهند کميته مرکزي با اکثريت دوسوم آراء ميتواند از اين اعضاء مشاور کميته مرکزي کساني را بجای آنان انتخاب کند .
- ۹۰ - کميته مرکزي دراولين جلسه خود بلافاصله پس ازکنگره ، ارگانهاي اجرائي خود را به ترتيب زير انتخاب مينمايد :

الف - هيئت اجرائيه - کميته مرکزي يازده نفر را از بين خود بعنوان هيئت اجرائيه انتخاب ميکند - هيئت اجرائيه تمام وظائف اجرائي کميته مرکزي را در فاصله بين دو پلنوم آن کميته بعهده دارد .

ب - هيئت بازرسي - بمنظور بازرسي در طرز فعاليت ارگانهاي هيئت اجرائيه و سازمانهاي حزبي هيئت بازرسي مرکب از پنج نفر اعضاء کميته مرکزي از طرف اين کميته انتخاب ميشود ، اعضاء هيئت اجرائيه نمیتوانند عضو هيئت بازرسي باشند . اين هيئت تمام ارگانهاي حزبي را بر طبق آئين نامه مصوبه کميته مرکزي بازرسي کرده و نواقص و معايب کار را به هيئت اجرائيه و کميته مرکزي گزارش مي دهد .

ج - دبیرکل حزب - کميته مرکزي از بين افراد هيئت اجرائيه يك نفر را بعنوان دبیرکل حزب انتخاب ميکند . دبیرکل نقطه مشترك تمام ارگانها ميباشد . دبیرکل حزب دبیرخانه حزب را اداره مي کند و مسئول ايجاد هماهنگي بين فعاليت هيئت هاي سياسي و تشکيلاتي است .

۹۱ - انتخاب هيئت اجرائيه ، هيئت بازرسي و دبیرکل هر سال تجديد ميشود ، بديهي است کميته مرکزي پيش از انقضاء مدت يكسال نیز حق دارد در انتخابات فوق تجديد نظر بعمد آورد .

ه - هيئت اجرائيه

۹۲ - هيئت اجرائيه از بين خود مسئولين شعبه‌هاي حزبي را بشرح زير انتخاب ميکند:
الف - قسمت سياسي مرکب از شعب چهار گانه روزنامه ارگان - فعاليت هاي خارج از حزب و اطلاعات - اتحاديه هاي صنفی - دولت و مجلس .

ب - قسمت تشکيلات مرکب از شعب ششگانه تشکيلات - تبليغات - تعليمات و کادر -
بقيه در صفحه بعد

آن در میان کادرها و اعضاء و افراد حزبی می شود .

بقیه از صفحه قبل

مالی - جوانان - دهقانان .

۹۳ - مسئولین شعبه های قسمت سیاسی ، هیئت سیاسی حزب و مسئولین شعبه های قسمت تشکیلاتی ، هیئت تشکیلاتی را تشکیل میدهند .

۹۴ - هر يك از این دو هیئت در اولین جلسه خود یکی از اعضاء خود را بعنوان دبیر هیئت انتخاب میکند .

۹۵ - وظیفه این دبیران ایجاد هماهنگی در فعالیتهای شعبه های مختلف آن هیئت میباشد .

۹۶ - مسئولین شعبه های مختلف در مقابل هیئت اجرائیه مستقیماً مسئول شناخته میشوند ،

۹۷ - انتخاب دبیر هیئت سیاسی و دبیر هیئت تشکیلاتی هر شش ماه یکبار تجدید میشود .

۹۷ - هیئت سیاسی و تشکیلاتی در هر موقع حق دارند در انتخاب دبیر تجدید نظر

بعمل آورند .

۹۹ - هر يك از شعب ده گانه هیئت اجرائیه برای پیشرفت کار خود به دوائر متعدد

تقسیم میشود .

۱۰۰ - هر شعبه دارای اساسنامه اختصاصی می باشند که باید از طرف هیئت اجرائیه

تهیه و در دومین پلنوم کمیته مرکزی به تصویب برسد .

تبصره - کمیته مرکزی در نخستین جلسات خود آئین نامه کار خود را با در نظر گرفتن

حدود و وظائف سازمانها و اعضاء خود و اختیارات دبیران تنظیم خواهد کرد .

و - پلنوم کمیته مرکزی .

۱۰۱ - هر سه ماه یکبار جلسه عمومی کلیه افراد کمیته مرکزی تشکیل خواهد شد ؛

اعضاء مشاور کمیته مرکزی بدون حق رأی در مذاکرات پلنوم شرکت میکنند .

۱۰۲ - در پلنوم کمیته مرکزی گزارش عمومی فعالیت ۳ ماهه حزب بوسیله دبیر کل

حزب داده میشود و پیشنهادها و نقشه های کار آینده برای تصویب بکمیته مرکزی تسلیم میگردد .

۱۰۳ - مذاکرات و تصمیمات پلنوم در صورت جلسه دقیق تنظیم میشود .

۱۰۴ - پلنوم کمیته مرکزی در انتخاب هیئت اجرائیه و بازرسی و دبیر کل حق تجدید

نظر دارد .

۱۰۵ - کمیته مرکزی پس از هر جلسه پلنوم خود نشریه رسمی منتشر خواهد ساخت

و در این نشریه مسائل عمومی حزب را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد .

تبصره - پلنوم کمیته مرکزی میتواند در صورت لزوم کسانی را با پیشنهاد هیئت اجرائیه

و با اکثریت ۲ سوم آراء به عضویت خود انتخاب نماید .

بقیه در صفحه بعد

بنابراین انگیزه حزب در اتخاذ چنین روشی کاملاً روشن و واضح است و نتیجه

بقیه از صفحه قبل

فصل هفتم

سازمانهای وابسته بحزب جوانان - دهقانان

۱ - سازمان جوانان

کلیه مبارزان جوانی که سن آنها کمتر از بیست و سه سال و بیشتر از دوازده سال باشد در سازمان جوانان توده ایران متشکل میشوند. افرادی که نشان از بیست تجاوز نمایند ممکن است عضویت حزب پذیرفته شوند ولی تا بیست و سه سالگی محل فعالیت آنان در سازمان جوانان است.

۱۰۶ - اعضاء سازمان جوانان از تاریخ ورود بحزب در صورتیکه مسئولیتی در سازمان نداشته باشند از عضویت سازمان جوانان خارج میشوند.

۱۰۷ - سازمان جوانان توده ایران تحت رهبری سیاسی حزب توده ایران قرارداد، کمیته مرکزی سازمان جوانان که بعد از کنگره سازمان عالیترین ارگان رهبری سازمان میباشد تابع کمیته مرکزی حزب است. فعالیت کمیته‌های محلی سازمان جوانان توسط مسئولین و رابطین حزبی کنترل و هدایت میشود.

۱۰۸ - سازمان جوانان از حزب توده ایران در کلیه مبارزات اجتماعی و سیاسی آن تبعیت مینماید.

۱۰۹ - سازمان جوانان وظیفه دارد اصول و راه حزب توده ایران را به توده های جوان ملت ایران نشان دهد.

۱۱۰ - سازمان جوانان مکتبی است که در آن افراد جوان برای عضویت حزب تربیت و آماده میگرددند.

۴ - سازمان دهقانان

۱۱۱ - بمنظور متشکل ساختن توده وسیع دهقانی در جنب حزب توده ایران و تحت رهبری مستقیم آن، سازمان دهقانان توده ایران بوجود می آید.

۱۱۲ - سازمان دهقانان دارای شورای مرکزی است - این شورا مستقیماً تحت نظر کمیته مرکزی حزب فعالیت مینماید.

۱۱۳ - اساسنامه سازمان دهقانان توده ایران بوسیله کمیته مرکزی تهیه و بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

فراکسیونهای حزبی در سازمانهای غیر حزبی

۱۱۴ - در مجلس، دولت و اتحادیه‌ها، سازمانهای فرهنگی و صنفی، شرکت های بقیه در صفحه بعد

آن سوق دادن حزب و درجهت آنارشیسم و ماجراجوئی بوده است .

بعد ها چنانچه خواهیم دید حزب توده با این عمل خود مشکلات بیشماری برای کشور ما فراهم ساخت و باری بر بارهای دوش خسته اجتماع افزود این تغییرات بشرح زیر است :

۱- در بحث « مبارزه سیاسی ماده ۳ مربوط به برنامه حزب توده » میگوید
« تصفیه دستگاه دولتی از عناصر ناصالح » این جمله اضافه شده حاکی از اینست که حزب توده در این مرحله خواهان تصفیه دستگاه دولتی از عناصر و افراد ناصالح میباشد ولی حالا چه کسانی ناصالح هستند خود مبثی است جدا گانه ولی آنچه که بغایت مشهور و روشن است اینست که حزب خواهان تصفیه است و این تصفیه مشابه همان تصفیه خونینی است که استالین در سال ۱۹۳۸ در ارتش شوروی بوجود آورد .
بدنبال آن صدها نفر از انسانها با فجیع ترین وضعی نابود شدند حزب توده هم با تدوین برنامه و اساسنامه که دارای اصول و روش انقلابی است خواهان چنین تصفیه دامنه داری بوده است .

بقیه از صفحه قبل

تعاونی (کوئوپراتیوها) و غیره که افراد حزبی وجود داشته باشند فراکسیونهای حزبی تشکیل میگردد - برای هر فراکسیون يك نفر مسئول از طرف ارگان مربوطه حزبی تعیین می گردد .
۱۱۵ - فراکسیونهای حزبی در کلیه مسائل موظفاند تابع نظریات و دستورهای ارگانهای رهبری حزب باشند .

فصل نهم

حق عضویت

۱۱۶ - هزینه حزب از محل وصول حق عضویت و درآمد مؤسسات انتفاعی حزب تأمین می شود .

۱۱۷ - شعبه مالی موظف است که آئین نامه حق عضویت را با تصویب کمیته مرکزی تنظیم کند .

۱۱۸ - تشخیص میزان درآمد افراد حزب با حوزه مربوطه است .

ملت مسلمان ایران باید خدای را شکر کند که مشیت الهی نخواست که حزب توده زمام امور مملکت را در دست گیرد و گرنه هزارها نفر از مردم بیگناه این مملکت بایستی تحت عنوان تصفیه دستگاہ دولتی از عناصر ناصالح بی جهت و بدون سبب بطرز وحشتناکی بقتل برسند . با تأییدات الهی بود که این سرزمین کمینسال از شر این خائنین بوطن محفوظ و مصون ماند .

۲ - در بحث کار گران « مربوط به برنامه حزب توده در قسمت بین الف و ب » تبصره ای بشرح زیر اضافه شده است :

« در مورد کارهای سخت و سنگین که سلامتی کار گران مورد خطر باشد به « تناسب نوع کار ، میزان کار روزانه باید از ۶ ساعت نیز تقلیل یابد این نقش دیگری از عوام فریبی های حزب توده بود که در مورد کار گران ساده لوح بعهدہ داشت . در واقع اگر حزب توده طرفدار واقعی توده زحمتکش و کار گران بود هیچگاه در میان کار گران بعنوانین مختلفه دوئیت و اختلاف نمی انداخت و بشدیدترین وجهی ایجاد خصومت بین کار گر و کار فرما نمیکرد تا در نتیجه اعتصابات متعدد عده زیادی از کار گران مجروح کشته و یا برکنار شوند .

حیات ننگین و سراسر سیاه حزب توده مملو از این گونه صحنه های فجیع بوده و خود عامل مؤثری در ایجاد چنین صحنه های اسفناک در زندگی کار گران بوده است اگر می بینم که حزب توده در برنامه خود سنگ کار گران را بسینه میزند این نه از بابت آنست که حزب توده واقعاً طرفدار کار گران بوده بلکه از این نظر بود که کار گران ساده لوح را بیشتر جلب کند و آنانرا بدام کمونیزم بیندازد .

۳ - در قسمت « ۲ » از بحث « مربوط بکار گران » در برنامه حزب اضافه میشود : « کوشش در اصلاح وزارت کار به نفع طبقه کار گر » . صرف نظر از ماهیت امر ، قضیه این بود که حزب توده دائماً دنبال بهانه های مختلف می گشت تا بدینوسیله طبقه کار گر را بدنبال خود بکشاند و تلویحاً بکمونیزم بین الملل بفهماند که در جلب کار گران وزحمتکشانشان کوشیده و مرام مارکسیسم را در میان آنها رواج داده است .

در تأیید این بهانه های مبتذل حرف اساسی نداشت که بگوید دائماً با الفاظ بازی می‌کرد و دنبال مطالبی می‌گشت تا با هوشیگری و جنجال بازی قضیه را بزرگ کرده و از آن بهره‌های سیاسی ببرد.

در این زمان چون بنا بر فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بمنظور رفاه طبقه کارگر و حفظ مصالح و منافع این طبقه زحمتکش و شریف وزارتخانه‌ای بعنوان وزارت کار تأسیس شد و چون این بهانه نیز از دست حزب توده گرفته شد جملات فریبنده تری بمضمون «کوشش در اصلاح وزارت کار به نفع طبقه کارگر» را عنوان کرد و حال اینکه همه میدانند که اگر از حزب توده پرسیده میشد شما چه اصلاحی در وزارت کار بنفع طبقه کارگر بوجود می‌آورید با سفسطه بازی قضیه را از مجرای حقیقی خود منحرف می‌کردند و پاسخ منطقی و صحیحی نمی‌دادند.

چنین بود رویه حزب توده در کلیه امور اجتماعی و سیاسی.

۴ - در «بحث دهقانان» مربوط به بند ۲ از برنامه این جمله قید شده است: خریداری املاک بزرگ بوسیله دولت و واگذاری آن بزارعین با قسط در این جمله برخلاف اساسنامه مصوبه دومین کنگره حزب توده لفظ «بلاعوض» استعمال نشده و حزب در این وقت مستعد بود که در مقابل قیمتی که دولت تعیین میکند زمین بزارع واگذار شود لکن پرداخت قیمت از طرف زارع بدولت با قسط باشد و تازه در پرداخت اقساط هم بحث نشده است که آیا اقساط طویل المدت یا کوتاه مدت باشد و حال آنکه در اساسنامه دومین کنگره عمومی حزب اینطور نوشته شده است.

در خریداری املاک بزرگ بوسیله دولت و واگذاری بلاعوض آن بزارعین ملاحظه میشود که در اینجا بر نامه انقلابی تراست البته خودخوانندگان با مطالعه و مقایسه این دو برنامه بکنه مطلب پی خواهند برد که مقصود از واگذاری بلاعوض بدهقانان چیست و بچه منظوری آنرا در اساسنامه جدید گنجانده‌اند.

۵ - بحث مربوط بدهقانان در برنامه و اساسنامه قبلی همه جا کلمه رعیت استعمال شده است و حال در اساسنامه جدید بجای کلمه رعیت در همه جا «دهقان»

گفته شده است و این همان حقی بود که حزب توده پس از آنهمه بدبختی‌ها برای طبقه کشاورز قائل شده بود.

۶ - در مورد « حقوق زنان » تغییری داده شده و در بند ۶ بجای « تجدیدنظر در قوانین زناشویی و طلاق » جمله « تجدیدنظر در قوانین زناشویی بنحویکه بیعدالتی‌های موجود ازین برود » اضافه گردید و با این ترتیب ملاحظه میشود که حزب توده تا آن زمان بیعدالتی‌های موجود را نمی‌دید و یا نسبت بآن بی‌اعتنا بود ولی چه شد که از این تاریخ با مشاهده این بیعدالتی‌ها خواست تجدیدنظری در قوانین زناشویی بکند این هم نوعی دیگر از نیرنگ‌های سیاسی حزب توده در جلب افراد ساده لوح بوده است.

بعدها بطوریکه خواهیم دید حزب توده نه تنها برای پیشرفت و ترقی طبقه نسوان کوچکترین اقدام مفیدی نکرد و گامی بنبفع این طبقه برنداشت بلکه در ایجاد اختلاف و توسعه نفاق در میان خانواده‌ها آنچه‌ان کوششهایی کرد که از آن زمان تا کنون هنوز زنان کشور ما خاطره شوم آنرا از یادها نبرده‌اند.

۷ - در موضوع مربوط بعشایر در اساسنامه کنگره دوم ماده ۲ چنین می‌گوید :
« ازین بردن فشار نسبت بعشایر که از طرف مأمورین دولت اعمال میگردد و تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی آنان » بکلی از جبران کامل خسارت مادی و معنوی نسبت بعشایر که در کنگره پیش بینی شده بود صرف نظر کرد و در این مرحله حزب توده خواسته است که فشار مأمورین دولت را نسبت بعشایر ازین ببرد.

بدیهی است که حزب توده هیچگاه این عمل را انجام نداد و مانند هزاران حرف‌های دیگر همچنان بی‌ارزش باقی ماند.

۸ - در قسمت اساسنامه مصوبه دومین کنگره حزب توده تغییرات زیادی دیده میشود آنچه که در ماده ۶ حزب توده ایران مشاهده میشود اینست که حزب توده در این وقت کراراً از هم‌آهنگی کامل وحدت فکری و وحدت عمل سخن می‌گوید و بخصوص در ماده ۴ آن صراحتاً اشاره کرده اشعار میدارد.

... هر گونه اعتراض از مرانامه و برنامه و اساسنامه حزب نقض انضباطی حزبی دورویی و شرکت در دسته بندیها با بودن در صفوف حزب منافات دارد در اینجا شرکت در دسته بندیها بسیار جالب است چه حزب در این وقت متوجه شد که در حزب بعثت اختناق افکار دسته بندیهای بزرگ بوجود آمده است و بخصوص پس از انشعاب معروف وحشت عجیبی بحزب توده دست داد و حزب در مرحله حساسی قرار گرفت چون عده زیادی از روشنفکران و کارگران صفوف حزب را ترك کرده و بدسته مخالفین پیوسته بودند حزب توده از این وضع بسیار عصبانی و ناراحت بود و از این جهت در مقام تهدید بر می آید که... حزب صفوف خود را از کسانی که مرانامه و اساسنامه و انضباط حزب را دقیقاً رعایت ننماید تصفیه می نماید .

این حربه هم مؤثر واقع نشد مردم و بخصوص اعضاء حزب بتدریج آن حزب را با خاطراتی تلخ ترك کردند و بهمین جهت حزب توده در ماده ۵ میگوید .
حزب توده از افراد خود می طلبد که در راه اجرای اصول مرام حزبی و انجام تمام تصمیمات حزب و تأمین وحدت صفوف حزبی بطور جدی مبارزه و فداکاری نمایند .

اما بعد ها چنانکه دیدیم این شیوه همیشگی حزب توده هم نتوانست از ورشکستگی حتمی حزب جلو گیری بعمل آورد و او را در چنین شرایطی محفوظ و مصون نگه دارد .

۹ - در مورد عضویت جدید افراد نیز سخت گیریهای زیادی بعمل آمد تا از هر جهت افرادی که عضویت پذیرفته میشوند آزمایش شده و در میزان اعتماد آنها بکمونیزم بین الملل شك و شبهه ای باقی نماند .

۱۰ - در فصل پنجم اساسنامه مصوب کنگره دوم بموضوع دموکراسی و

مرکزیت (۱) اشاره شده است بخصوص در ماده ۲۰ تحت عنوان دموکراسی می نویسد .

«دموکراسی حزبی عبارت است از حق افراد در تعیین سرنوشت حزب خود»
«بوسائل زیرین تأمین میگردد :»

« الف - انتخابی بودن کلیه ارگانهای رهبری حزب ازپائین بیابا ازهیئت»
« عامله يك حوزه تا کمیته مرکزی »

« ب - مسئولیت ارگانهای رهبری در تقدیم گزارش کارهای مربوطه و »
« وظایف معینه در برابر افرادحزب طبق مواد اساسنامه »

« ج - حق افراد درانتقاد ارگانهای رهبری درمراجع صلاحیتدار حزبی»
« بمنظور بهتر کردن کار این ارگانها »

با توجه بموارد ثلاثه فوق آیا درواقع چنین روشی در حزب توده عملی بوده و حقیقتاً افراد برای تعیین مقامات یا ارگانهای حزبی برحسب لیاقت و استعداد و ذوق و علاقهای که بکارهای مربوطه داشتند انتخاب میشدند .

بدیهی است که پاسخ این سؤال نیز منفی است زیرا کسانی که درجریانات مبارزه یا درفعالیت سیاسی آن حزب عملاً شرکت داشتند از نزدیک شاهد دسته بندیهای عجیب درداخل حزب بودند و مشاهده میکردند که چگونه افراد بی استعداد بعلت چاپلوسی و تملق گوئی خود را بفلان فرد موثر حزبی نزدیک میکردند و بزودی مقامی را درحزب اشغال مینمودند .

(۱) مسائل حزبی شماره ۲ سال ۱۳۲۷ چنین مینویسد:

مرکزیت «ساترالیم» عبارت است از مجموعه اختیاراتی است که استفاده از آن « رهبری يك حزب که از طرف عموم افراد با آزادی کامل انتخاب گردیده است میتواند »
« دستورات انتخاب کنندگان خود را انجام دهد. این اختیارات را انتخاب کنندگان یعنی »
« توده حزبی به انتخاب شدگان خود یعنی دستگاه رهبری تفویض می نمایند :»
حال آنکه حزب توده در کلیه حیات سیاسی خود تابع چنین دستوراتی نبوده است . درست است که اختیارات را انتخاب کنندگان بدستگاه رهبری تفویض کرده اند ولی در صورت سوء استفاده از این اختیارات از طرف دستگاه رهبری توده مردم حق تفویض و یا تغییر دستگاه رهبری را نداشتند و این مسئله هر گز حل نشد .

و اما در مورد حق افراد در انتقاد آزار گانهای رهبری در مراجع صلاحیتدار حزبی بمنظور بهتر کردن کار این ارگانها چه عرض کنم که چگونه انتقاد کنندگان بسر نوشت شومی دچار میشدند و اینکارها آنقدر خطرناک بود که کسی جرأت انجام آنرا نداشت و کلیه افراد گفتارارگان بالا را قبول داشته و کور کورانه از آن اطاعت میکردند .

۱۱ - در اساسنامه مصوب کنگره دوم مقرراتی چند راجع بانخابات وضع گردیده و حال آنکه وضع اینطور نبوده و حزب ابدأ برای انتخابات ویا پیشرفت سایر کارهای تشکیلاتی و حزبی پای بند مقررات نبود و هرگز موضوع انتخابات بشرحی که در اساسنامه ذکر شد عملی نگردیده و این اصول هرگز ازمرحله حرفی خارج نشده وجامه عمل بخود نپوشید .

هرچند که درنشریه شماره ۲ مرداد ماه ۱۳۲۷ مسائل حزبی ارگان کمیته مرکزی حزب توده نوشته شده است ودراین اساسنامه نه تنها وظایف افراد نسبت بارگانهای رهبری بلکه وظایف رهبری نسبت بافراد بطور خیلی دقیقتر ازاساسنامه پیشین تعیین وتصریح گردیده وباجرای کامل اصول دموکراسی حزبی کمک مؤثر می نماید .

ولی هرگز وظایف رهبری نسبت بافراد و توده های حزبی عملی نمیشد و دستگاه رهبری بدون صوابدید افراد و اعضاء حزبی امور راتمشیت میداد در نظر دستگاه رهبری آنچه که هیچ ارزش نداشت توده های وسیع مردم ونظریات و عقاید آنها در امور سیاسی و اجتماعی بود .

این بودروش انقلابی حزب توده که در اساسنامه آن حزب منعکس شده بود .

آئین نامه کمیته مرکزی حزب توده

۱ - کمیته مرکزی برطبق بندالف از ماده ۸۹ یازده نفررا ازین خودبعنوان

هیئت اجراییه انتخاب می نماید . هیئت اجراییه تمام وظایف اجرایی کمیته مرکزی را در فاصله بین دو پلنوم آن کمیته بعهده دارد .

۲ - کمیته مرکزی از بین افراد هیئت اجراییه یک نفر را بعنوان دبیر کل حزب انتخاب می نماید . دبیر کل نقطه مشترک تمام ارگانها می باشد .

۳ - هیئت اجراییه از بین خود شعبه های حزبی را بشرح زیر انتخاب مینماید .
الف - قسمت سیاسی : مرکب از شعب چهار گانه روزنامه ارگان فعالیت های خارج از حزب و اطلاعات - اتحادیه های صنفی - دولت و مجلس .

ب - قسمت تشکیلاتی : مرکب از شعب شش گانه تشکیلات - تبلیغات - تعلیمات و تربیت کادر - مالی - جوانان - دهقانان .

۴ - مسئولین شعبه های سیاسی ، هیئت سیاسی حزب و مسئولین شعبه های تشکیلاتی هیئت تشکیلاتی را تشکیل میدهند .

۵ - دبیر کل حزب در کلیه جلسات هیئت سیاسی و هیئت تشکیلاتی با حق رأی شرکت مینماید .

۶ - هر يك از این دو هیئت در اولین جلسه خود یکی از اعضاء خود را بعنوان دبیر هیئت انتخاب مینماید .

۷ - وظیفه دبیران سیاسی و تشکیلاتی ایجاد هم آهنگی در فعالیت های شعبه های مختلف آن هیئت میباشد .

۸ - تنظیم جلسات در هیئت های سیاسی و تشکیلاتی بعهده دبیران این هیئت ها می باشد .

۹ - دبیران سیاسی و تشکیلاتی هر هفته گزارش فعالیت های هیئت های خود را بطور اختصار کتیباً بدبیر خانه مرکزی ارسال میدارند .

۱۰ - هر ماه یکبار مسئولین شعبه ها گزارش جامعی از فعالیت شعبه خود تنظیم نموده و بدبیر خانه کمیته مرکزی تسلیم میدارند .

۱۱ - دبیر کل حزب دبیرخانه حزب را اداره می‌نماید و مسئول ایجاد هم‌آهنگی مابین فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی میباشد.

۱۲ - دبیر کل در تمام جلسات هیئت اجراییه کتبا گزارش مختصری از فعالیت‌های که در فاصله از اجلاس صورت گرفته است با اطلاع هیئت اجراییه میرساند.

۱۳ - بر نامه جلسات هیئت اجراییه بوسیله دبیر کل تنظیم و پیشنهاد میشود.

۱۴ - ارتباط کلیه شعب با سازمان‌های حزبی از راه دبیرخانه کمیته مرکزی صورت میگیرد.

۱۵ - کلیه نامه‌هایی که از طرف کمیته مرکزی یا شعب آن سازمان‌های حزبی ارسال میگردد باید از راه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب صورت گیرد.

۱۶ - نامه‌های صادره از شعب که بوسیله دبیرخانه کمیته مرکزی ارسال میشود دارای دو شماره است یک شماره مربوط بشعبه‌ای که نامه از طرف آن شعبه صادر شده است و یک شماره اندیکاتور از دبیرخانه کمیته مرکزی.

۱۷ - کلیه نامه‌هایی که بخارج از حزب نوشته میشود باید از طرف دبیرخانه بامضاء دبیر کل باشد.

۱۸ - دبیرخانه کمیته مرکزی از دفاتر زیر تشکیل میگردد:

الف - دفتر هیئت بازرسی کمیته مرکزی: تحت نظر مسئولین هیئت بازرسی.

ب - دایره دبیرخانه: در تحت نظر یکنفر مسئول است که از طرف دبیر کل تعیین و بتصویب هیئت اجراییه میرسد.

در تحت نظر دایره دبیرخانه قسمتهایی برای تمرکز گزارشها و ارسال مراسلات و تقسیم مراسلات و غیره تشکیل میگردد.

پ - دایره رسیدگی بشکایات و محاکمات: در تحت نظر یکنفر مسئول که از طرف دبیر کل تعیین و بتصویب هیئت اجراییه میرسد.

ت - دایره کمک بزندانیها و تبعیدیها: عضو حزب که بوسیله کمیسیون پیشنهاد دبیر کل و بتصویب هیئت اجراییه اداره میگردد.

ث - دائره نشریه رسمی کمیته مرکزی که تحت نظر یکنفر مسئول اداره می‌شود .

۱۹ - بر طبق ماده ۱۰۰ اساسنامه حزب هر سه ماه یکبار جلسه عمومی از کلیه افراد کمیته مرکزی تشکیل خواهد شد افراد مشاور کمیته مرکزی بدون حق رأی در مذاکرات پلنوم شرکت می‌نمایند .

۲۰ - در پلنوم کمیته مرکزی گزارش عمومی فعالیت سه ماهه حزب بوسیله دبیر کل حزب داده میشود و پیشنهادات و نقشه کارهای آینده برای تصویب بکمیته مرکزی تسلیم میگردد .

۲۱ - کلیه تصمیمات کمیته مرکزی و هیئت اجرائیه از طرف دبیر کل حزب بار گانهای مربوطه که مأمور اجرای تصمیمات هستند ابلاغ میگردد .

۲۲ - کارتهای حزبی بامضاء دبیر کل حزب صادر خواهد گردید .

۲۳ - در غیبت دبیر کل حزب هیئت اجرائیه یکی از دبیران را برای امضاء کارتها و نامهها تعیین می‌نماید .

۲۴ - مسئولین شعبه‌های مختلف هیئت سیاسی و هیئت تشکیلاتی در موارد لازم میتوانند بادیبر کل تماس حاصل نموده و در امور فوری با وی مشورت نمایند .

ولی با اینهمه تصویب نامهها و آئین نامهها و مقررات حزبی چون حزب توده پایگاه محکمی در میان توده مردم نداشت و کلیه سازمان و تشکیلات بر پایه لرزانی قرارداداشت و ملت ایران هیچوقت این حزب خدانشناس و مرام خانمان بر اندازش را قبول نمیکرد نتوانست دوامی بیاورد و چنانکه دیدیم با وضعی مفتضحانه متلاشی شد و رهبران قلبی آن هر یک بگوشه ای فرار کردند .

اولین پلنوم کمیته مرکزی

طبق اساسنامه جدید حزب ، مقرر بود که هر سه ماه یکبار پلنوم کمیته

مرکزی تشکیل شود بطوریکه اعضاء کمیته مرکزی در آن حق رأی داشته باشند و مشاورین فقط ناظر باشند . در اولین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده که بلافاصله پس از ختم کار کنگره تشکیل گردید اعلامیه‌ای خطاب با افراد حزبی صادر گردید و اعضاء هیئت اجراییه و کمیسیون تفتیش کل بشرح زیر انتخاب شدند .

الف - هیئت دبیران :

- | | | | |
|---------------|--------|-----------|------|
| ۱ - دکتر رضا | رادمنش | ۲ - احسان | طبری |
| ۳ - دکتر محمد | بهرامی | | |

ب - هیئت اجراییه :

- | | | | |
|-------------------|--------|--------------------|---------|
| ۱ - دکتر رضا | رادمنش | ۲ - احسان | طبری |
| ۳ - دکتر حسین | جووت | ۴ - دکتر فریدون | کشاوری |
| ۵ - دکتر غلامحسین | فروتن | ۶ - دکتر محمد | بهرامی |
| ۷ - دکتر مرتضی | یزدی | ۸ - احمد | قاسمی |
| ۹ - محمود | بقراتی | ۱۰ - دکتر نورالدین | کیانوری |
| ۱۱ - مهندس علی | علوی | | |

پ - تفتیش کل :

- | | | | |
|----------------|-----------|---------------|-------|
| ۱ - مهندس نادر | شرمینی | ۲ - صمد | حکیمی |
| ۳ - علی | امیرخیزی | ۴ - عبدالحسین | نوشین |
| ۵ - غلامعلی | بابا زاده | | |

باین ترتیب ۱۱ نفر اول هم بر کمیسیون تفتیش وهم بر مشاورین تسلط یافتند و زمام امور حزب را بدست گرفتند و از خود دو هیئت بشرح زیر بوجود آوردند.

الف - هیئت سیاسی

- | | | |
|-------------------|--------|----------------------|
| ۱ - احسان | طبری | دبیر هیئت سیاسی . |
| ۲ - دکتر فریدون | کشاوری | مسئول شعبه تبلیغات . |
| ۳ - دکتر غلامحسین | فروتن | مسئول شعبه اطلاعات . |

- ۴ -- د کتر مرتضی یزدی
مسئول شعبه فعالیت‌های خارج از حزب .
۵ -- احمد قاسمی
مسئول شعبه تعلیمات .

ب - هیئت تشکیلاتی :

- ۱ - د کتر محمد بهرامی
دبیر کل هیئت تشکیلاتی و مسئول دهقانان
۲ د کتر حسین جودت
مسئول سازمان جوانان .
۳ - محمود بقر اطمی
مسئول شورای متحده .
۴ - د کتر نورالدین کیانوری
مسئول تشکیلات .
۵ - مهندس علی علوی
مسئول کمیسیون مالی .

د کتر رضا رادمنش بعنوان دبیر کل انتخاب شده بود که در هر دو جلسه شرکت میکرد دستگاه رهبری جدید مدعی شد که چون در گذشته به تشکیلات صحیح و بطور کلی به کیفیت کار توجهی نمیشده است درصدد بهبود کیفیت آنست نه کمیت . اوضاع و احوال هم مناسب برای ازدیاد کمیت حزب نبود لذا جلسات پشت سر هم از بحث‌های تئوریک برای بالا بردن سطح اطلاعات سیاسی همان هزار نفر آغاز شد . «مجلات تئوریک مردم» و «رزم» چاشنی آن بود همچنانکه کلاسهای کادر فراوان دائر گردیده بود . در آستانه غیرقانونی شدن حزب توده اعضاء حزب به ۱۲۰۰ نفر درسرایران رسید و یک مقدار محفوظات مکتبی طوطی وار در ذهن اینعده جای گرفت . همانطوری که بعداً خواهیم دید این محفوظات بهیچوجه حزب مزبور را از اشتباهات بزرگ آینده باز نداشت.

تشکیل کلاسهای کادر آموزشی

هوچیگری و جنجال بازی بمنظور ارباب و عوام فریبی و جلب افراد توده‌های وسیع مردم یکی از قدیم ترین حربه‌های حزب منحلّه توده بوده بهمین جهت و برای اینکه حزب مذکور بتواند ضمن انجام مقاصد مذکور افراد و اعضاء ورزیده خود را با تئوری مارکسیسم و لنینیسم مجهز و آماده سازد تا در مواقع لزوم از آنها بتفع تبلیغات

حزبی و بالاخره پیشرفت و توسعه نفوذ حزب استفاده نماید کلاسهای بنام کلاس کادریا بر نامه های مختلف تشکیل داد .

کلاس کادر قبل از حادثه انشعاب تشکیل شده بود ولی بعقل گوناگون منجمله اختلاف شدید بین رهبران حزب و بدبینی شدید آنها نسبت بیکدیگر موجبات تعویق و بالتیجه تعطیل کلاس کادرفراهم گردید ولی بعدها حزب توده باین امر توجه کرد و درصدد تشکیل کلاس کادریا آمد.

اولین کلاس کادر بعد از حادثه انشعاب در تاریخ ۲۶/۱۱/۱ در تهران تشکیل گردید .

اعضاء این کلاس را افراد مورد نظر و بخصوصی تشکیل میدادند که از طرف کمیسیون تبلیغات و تعلیمات کل باین کلاس معرفی میشدند برنامه این کلاس بشرح زیر بود :

۱ - تاریخ احزاب سیاسی

۲ - مسائل حزبی

۳ - فلسفه

۴ - اقتصاد

این کلاس در تاریخ ۲۷/۷/۲ برنامه خود را تمام کرد و عدهائی که بیشتر راه جاسوسی و خرابکاری را از نظر تئوری آموخته بودند فارغ التحصیل شدند رفته رفته این کلاس توسعه پیدا کرد و اعضاء ورزیده تری در آن راه یافتند.

در همین زمان چهار کلاس کادریا باین برنامه های مختلف مشغول کار شدند این کلاسها عبارت بودند از:

۱ - کلاس کادر شماره ۱

در تاریخ ۲۷/۷/۲۰ تشکیل شد عده افراد آن ۹۳ نفر و دروس آن بشرح

زیر بود .

۱ - مسائل حزبی

۲ - تاریخ احزاب سیاسی

۳ - فلسفه

۴ - اقتصاد

۴ - کلاس کادر شماره ۴

در تاریخ ۲۷/۷/۵ تشکیل شد و عده افراد آن ۶۸ نفر و دروس آن بشرح

زیر بود .

۱ - مسائل اجتماعی

۲ - اصول تشکیلات حزبی

۳ - مانیفست

۴ - فلسفه

۵ - اقتصاد

۳ - کلاس کادر شماره ۳

در تاریخ ۲۷/۴/۲۸ تشکیل شده عده ، افراد آن ۲۲ نفر و دروس آن بشرح

زیر بود .

۱ - درباره قانون اساسی

۲ - مبارزات طبقاتی

۳ - اصول تشکیلات حزبی

۴ - زندگی اقتصاد بشر

۴ - کلاس کادر شماره ۴

در تاریخ ۲۷/۵/۸ تشکیل شده ، عده افراد آن ۱۱ نفر و دروس آن بشرح

زیر بود .

۱ - تاریخ

۲ - جغرافیا

۳ - طبیعی

۴ - حساب

از افرادی که این کلاسها را دیده بودند امتحاناتی بعمل می آمد و به کسانی که

قبول شده بودند گواهینامه داده میشد .

ردن مقاوله نامه نفت

مجلس پانزدهم در تیر ماه ۱۳۲۶ مفتوح شد در حالی که وکلای حزب توده

نتوانسته بودند آرائی بدست آورده و در آن راه یابند و این مجلس در بدو افتتاح با طرح

موافقت نامه نفت قوام - سادچیکف روبرو بود و با اینحال هنوز حزب توده به قوام

بد نمی گفت زیرا که اربابان انتظار دفاع کامل قوام را برای تصویب موافقت نامه نقت در مجلس شورایملى داشتند . قوام قول داده بود که از آن موافقت نامه حتی بدون نمایندگان حزب توده وجود فرقه دموکرات نیز دفاع خواهد کرد .

اربابان هم این احزاب و این رفقا را بهمین وعده واهی فروخته بودند . هدف روسیه از اخذ امتیاز نقت شمال آن بود که هزاران کارگر را در مؤسسات آن گرد آورد و این کارگران طبعاً وابسته بحزب توده شوند و عاملی برای فشار همیشه روی دولت ایران باشند بعلاوه این خود منبع عایدی زیادی بود که از دسترنج مردم زحمتکش ایران نصیب يك دولت « سوسیالیستی » می شد و ایران صحنه جدال سیاسی و تقسیم بدو ناحیه شمال و جنوب میگردد و ثبات آن برای همیشه از میان میرفت .

رادیو مسکو روز ۲۷ مرداد خبر داد که قرارداد نقت شوروی در ایران بزودی بامضاء خواهد رسید ولی در تاریخ ۲۹ مهر در يك جلسه پر شور و هیجان موافقت نامه فوق با اکثریت ۱۰۲ رأی از ۱۰۴ نماینده حاضر در مجلس رد شد .

مسکو قوام را مورد حمله قرار داد و حزب توده یکبار دیگر دچار تزلزل روحی شدیدی شد و به گنجی سیاسی مبتلا گردید .

در ۱۸ آذر ماه قوام مجبور باستعفا گردید . در حالیکه نقش خود را کاملاً و بدرستی بازی کرده بود دکتر رضا رادمنش در نطق سیاسی خود در دومین کنگره حزب توده می گوید .

« قوام السلطنه که از ایجاد روابط دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی طرفداری «
« میکرد و اظهار میداشت که باید بهر قیمتی باشد تیرگی روابط سیاسی ما با اتحاد «
« جماهیر شوروی مرتفع گردد توانست توجه تمام اکثریت مجلس شورایملى و از «
« آنجمله فراکسیون ما را جلب کند ولی حزب و فراکسیون ما بیش از حد لازم در «
« روزهای نخست در دفاع از قوام و حفظ او در مقابل حملات تسهیلاتی فراهم کرده «
« است و در تشخیص حدود حسن نیت او زیاده روی نموده است . »

از این گفتار چنین مستفاد میشود که حزب توده بیشتر بعلمت سیاست خارجی

«سیاست استعمار گرانه اتحاد شوروی» بقوام اظهار تمایل میکرد و از سیاست او پشتیبانی مینمود و پس از اینکه مقاله نامه نعت قوام - سادچیکف از طرف مجلس شورای ملی با اکثریت قاطع رد شد تازه بفکر افتاد که درباره حسن نیت قوام زیاده روی کرده است . ولی بالاخره مسئله نعت باین طریق منتفی و قضیه مختومه تلقی گردید .

تشکیل دفتر اطلاعات احزاب کمونیست

یا کمینفرم

بعد از انحلال کمیته‌ن که ذکر آن گذشت دولت روسیه مشاهده کرد که اختلافاتی در امر رهبری سایر احزاب کمونیست بویژه احزاب کمونیست اروپا پدید آمده است لذا «دفتر اطلاعات احزاب کمونیست» یعنی کمینفرم را پایه‌گذاری کرد که مهمترین تصمیمات آن اخراج حزب کمونیست یوگوسلاوی از کمینفرم و تکفیر تیتو و همراهان وی بود .

حزب توده هم به سیره و روش همیشگی خود که بدون تأمل هر چه مسکو اعلام میکرد تعجباً میپذیرفت آتش حملات خود را بسوی حزب کمونیست یوگوسلاوی که تا روز پیش مداح آن بود متوجه ساخت . جراید آنروز پایتخت و مردم ناظر هتاکی‌های حزب توده نسبت بروش تیتو - بودند .

اصل پذیرفتن تعبدی دستورات مسکو در حزب توده و سازمانهای وابسته بآن عمیقاً ریشه دوانیده بود ولی رهبران حزب دست بعصا راه میرفتند . و تظاهر نمی‌کردند اما سران سازمان جوانان بی‌پروا تر بودند و بزرگترین افتخار رادر آن میدانستند که هر روز و هر ساعت خود را بروسیه به بندند و سران سازمان جوانان که خود را ضمناً قهرمان مبارزه با انشعابیون می‌دانستند رفته رفته علم استقلال و غرور بیحد را بالاتر می‌کردند و سران حزب توده توجهی نمی‌کردند .

موقعیت جدید که به بزرگترها از لحاظ سن لطمه زده بود این فکر باطل

را در مغز سران سازمان جوانان ایجاد کرده بود که در طوفان حوادث از حزب مستحکم تر و از لحاظ تئوری بالاتر است رفتارفته نادر شرمینی که در سازمان جوانان قدرت بی مانندی پیدا کرده بود بعنوان رهبر جوانان ایران قلمداد میشد و هر چه او میگفت پذیرفتنی بود .

سران حزب ناراحت شدند و جلسه مشترکی با کمیته مرکزی سازمان جوانان تشکیل دادند و از سران جوانان انتقادات سخت کردند و آنان را وادار نمودند که از خودشان انتقاد کنند غافل از اینکه با این جلسات ریشه دودستگی ها که بر پایه منافع شخصی و غرور و مقام پرستی قرارداداشت از بین نمیرود و چنانچه خواهیم دید بعدها جدائی عمیق بین حزب توده و سازمان جوانان یکی از مهمترین عوامل شکست حزب توده بود .

فصل سوم

ترور محمد مسعود

شب جمعه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۲۶ محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز در خیابان اکباتان بضرب گلوله ای که بمغزش اصابت کرد بقتل رسید گرچه در همان هنگام اقدامات مقدماتی برای کشف عاملین این جنایت بعمل آمد ولی محیط سیاسی نا مساعد آن روز باعث شد که این اقدامات بدون آنکه به نتیجه نهائی برسد متوقف گردد و قاتل شناخته نشود.

در سالهای اول پس از قتل پرده ابهام و حشمتنا کسی این جنایت بی سابقه را می پوشانید و شایعات درباره عاملین این قتل و علل آن بحدی زیاد بود که شاید پی بردن به حقیقت امر غیر ممکن جلوه می نمود.

آنها که بیاد دارند روزنامه های حزب توده (۱) هنگام قتل مسعود بیش از همه سروصدا میکردند، پیراهن چاک میدادند و دسته ها و مقامات مختلف را متهم می ساختند

۱ - يك مقاله برای نمونه از روزنامه مردم شماره ۲۷۵ مورخه ۱۶/۱۱/۲۶ ذیلا

نقل میشود.

يك ترور فجیع كه برای منظور سیاسی

اتفاق افتاده است

دستگاه دولتی باید اشخاص و مقاماتی را که برای منظورهای سیاسی بقتل مدیر روزنامه متوسل میشوند بملت ایران معرفی کند و آنها را طبق قانون شدیداً مجازات نماید.

بقیه در صفحه بعد

حالا بیش از دیگران تعجب میکنند وقتی قاتلین باصراحت تمام جریان جنایت را

بقیه از صفحه قبل

پنج شنبه گذشته در تهران حادثه فجیعی روی داد. محمد مسعود مدیر روزنامه مردامروز در خیابان اکباتان در ماه عام بدست تروریست های ماهری که وسائل قتل نامبرده را با نقشه منظم و پیش بینی شده ای تهیه دیده بودند کشته شد. قاتلین با مهارت مخصوص که ظاهر هیچ اثر جرمی از خود نگذاشتند با جسارت و بی پروائی این عمل فجیع را با انجام رسانیده و فرار کردند. حتی صدای گلوله نیز شنیده نشد و در یک خیابان عمومی تروری صورت گرفت که نیروهای تأمینیه از آن هیچ خبر نشدند؟

خوانندگان از نظر حزب ما و روزنامه ما درباره روزنامه مرد امروز و مدیر آن با خبرند ولی اگر ما این قتل فجیع را قابل بحث و مطالعه میدانیم علت این است که اینجا موضوع شخصی در میان نیست تروریست تروریست مدیر روزنامه هنگامی که دشمنان آزادی ایران برای ایجاد یک دیکتاتوری راه را هموار میکنند نمی تواند تنها جنبه فردی داشته باشد بلکه عملی است که دامنه وسیع اجتماعی دارد و هر فرد یا جمعیتی که با اجتماع ایران علاقه دارد باید اهمیت اجتماعی این اقدام زشت را درک کند.

همانطور که حتی محافل و روزنامه های رسمی و نیم رسمی معتقدند قتل محمد مسعود با در نظر گرفتن اسلوب ترور و بی باکی خاصی که قاتلین ماهر او از خود نشان داده اند نمیتواند یک قتل تصادفی و یا مبتنی بر خصومت شخصی وی بایکی از افراد معمولی این کشور باشد. حتی روزنامه کیهان هم نوشت « که قتل مسعود مسلماً یک قتل سیاسی است قتل است که بقصد ارباب و ایجاد وحشت ارباب قلم و اهل سیاست واقع شده و بقصد این بوده است که از آن استفاده سیاسی شود. »

استفاده سیاسی از کشتن یک مدیر روزنامه برای ایجاد وحشت و رعب در کسانی که با روزنامه و سیاست سروکار دارند چنین است نتیجه فوری که هر ناظری میتواند با مشاهده اسلوب و خصوصیات این قتل فجیع درباره منظور اصلی قاتلین مدیر روزنامه مرد امروز استنباط نماید. اینجاست که اهمیت اجتماعی قضیه در جلو چشم میآید. اینجاست که معلوم میشود در کشور ما اشخاصی و مقاماتی وجود دارند که برای استفاده سیاسی برای ترساندن و مطیع ساختن آنهایی که جرأت دارند از آزادی قلم برضد منظورهای غلط آنها استفاده کنند برای مهیا ساختن زمینه و کوفتن جاده جهت حکمروائی سیاسی بخود اجازه میدهند که برخلاف تمام اصول اخلاقی و قانونی برخلاف تمام موازین بشری با زیر پا گذاشتن همه قیود اجتماعی مغز مدیر روزنامه ای را با گلوله متلاشی سازند.

اگر بنا باشد چنین اشخاصی و مقاماتی در کشور وجود داشته باشند اگر بنا باشد چنین کسانی در اجرای نظر خود آزاد باشند دیگر در کشور ما چه اثری از آزادی قانون باقی خواهد بقیه در صفحه بعد

فاش میسازند و معلوم میشود این قتل فجیع زیر سر هیچکس و هیچ مقامی جز عوامل خود حزب توده نبوده است .

بقیه از صفحه قبل

ماند ، چه کسی میتواند تأمین داشته باشد برای حرفی که میزند ، برای چیزی که می نویسد فردا او را نخواهند کشت ؟

ترور برای منظور سیاسی و برای از میان برداشتن آزادی قلم طلیعه ایجاد حکومت دیکتاتوری و قلدری است .

همه خوب میدانند که در کشور ما حکومت دیکتاتوری بیست ساله نخستین اقدام خود را با ترور یکی از مدیران جراید آغاز نمود . قتل محمد مسعود اعلام خطری است برای تمام کسانی که از تجدید دوران دیکتاتوری گذشته وحشت دارند و نمی خواهند آخرین آثار آزادی های فردی و اجتماعی بدست جنایتکارانی که برای پیشرفت منظور خود به سیاه ترین عملیات دست زده اند محو گردد در چند روز اخیر جامعه مطبوعات و افکار عمومی ملت ایران تنفر شدید خود را نسبت به مرتکبین این عمل فجیع نشان داد .

افکار عمومی خوب حس کرد که این ترور سیاسی محدود به جنبه فردی نیست و بقول روزنامه کیهان « این شتری است که در خانه هر کس خواهد خوابید »

افکار عمومی خوب حس کرده بود که باید برای جلوگیری از تجدید دورانی که پس از قتل مدیر روزنامه « قرن بیستم » در بیست و اندی سال پیش بوجود آمد برای جلوگیری از تجدید یک دیکتاتوری وحشتناک که همه بقایای آزادی در ایران نابود خواهد ساخت باید این نقشه فجیع در جنین سقط گردد .

ملت ایران از دولت آقای حکیمی جداً میخواهد که ریشه های عمیق این قتل سیاسی را کشف کند کسانی را که برای منظورهای سیاسی بقتل مدیر روزنامه متوسل میشوند به ملت ایران معرفی نماید و آنها را طبق قانون شدیداً مجازات کند دستگاه دولت شهربانی و قوای تأمینیه اگر واقعاً مایل باشند میتوانند سهولت این تقاضای افکار عمومی را با وسائلی که در اختیار دارند انجام دهند میتوانند از این ترور عجیب را بر ملا سازند و هموار کنندگان جاده دیکتاتوری را به ملت ایران معرفی کنند .

با اطلاع از قدرت دولت با انجام این تقاضای افکار عمومی اگر دولت در این مورد از خود سستی نشان بدهد اگر در کشف ریشه های قوی این جنایت سهل انگاری کند و بالنتیجه خطری را که اکنون متوجه آزادی مطبوعات و آزادی های دیگر فردی و اجتماعی شده است نادیده انگارد آنوقت است که ملت حق دارد دولت را قابل اعتماد نداند و حق دارد تصور کند که مقامات بالا نیز در این نقشه بی باکانه و فجیع بی دخالت نیستند .

ما منتظریم که دولت فوراً وظیفه قانونی خود را انجام دهد و جداً برای بر آوردن این تقاضای حقه افکار عمومی ایران اقدام کند .

خسرو روزبه و ابوالحسن عباسی و ابراهیم پرمان سه نفر از عاملین این جنایت ضمن بازجویی صریحاً اعتراف کردند که قتل محمد مسعود بدست يك کمیته ترور هشت نفری صورت گرفته است .

خسرو روزبه در عین حال ادعا دارد موقعی که ترور مزبور صورت گرفته است نه او و نه عباسی و نه هیچیک از افراد کمیته ترور عضو رسمی حزب توده نبوده اند ولی هر کس نگاهی به وضع حزبی این دو نفر و شخصیت ۶ نفر تروریست دیگر که همگی از عوامل مطمئن حزب توده بوده اند بیافکند عدم دخالت مستقیم حزب توده را در این قتل بهیچوجه باور نخواهد کرد .

ما ذیلاً خوانندگان را با صحنه هائی از بازپرسی جالبی که با حضور سرلشگر آزموده دادستان ارتش از خسرو روزبه و ابوالحسن عباسی بعمل آمده است آشنا میکنیم . این بازپرسی در اوائل مهر ماه ۱۳۳۶ صورت گرفته است و خسرو روزبه در پاسخ نخستین سئوالی که در صفحات ۱۷ و ۱۸ اوراق بازپرسی از او شده است چنین توضیح میدهد :

« در نیمه دوم سال ۱۳۲۶ من با اتفاق چند نفر از دوستانم جلساتی تشکیل میدادیم »
« که البته این جلسات بهیچوجه جنبه حزبی نداشت ... کسانی که در این جریان »
« شرکت داشتند عبارت بودند از هشت نفر بنام های من - حسام لنکرانی - ابوالحسن »
« عباسی - سیف الله همایون فرخ - منوچهر رزمخواه - ناصر صارمی - ابراهیم پرمان »
« صفیه خانم حاتمی (معروف به صفا خانم) در این جلسه که هر گز رئیسی نداشت »
« و چنین انتخابی هم صورت نگرفت تصمیم به ترور محمد مسعود گرفته شد کسانی که »
« از طرف جلسه برای اینکار انتخاب شدند عبارت بودند از عباسی - حسام لنکرانی »
« سیف الله همایون فرخ - و منوچهر رزمخواه اتومبیل متعلق به حسام لنکرانی »
« بود منوچهر رزمخواه که در رانندگی مهارت داشت بعنوان راننده انتخاب شد »
« قرار بود حسام لنکرانی و سیف اله همایون فرخ در اتومبیل بنشینند یا حول و حوش »

« کاررا مراقبت کنند که اگر خطری برای عباسی پیش آید به او کمک نمایند »
« عباسی هم مأموریت اجرای کاررا بعهدہ گرفت (۱) »

« حسام لنکرانی با محمد مسعود دوستی داشت و محمد مسعود بخانه »
« لنکرانی رفت و آمد میکرد یکی از نقشه ها این بود که از این دوستی استفاده »
« شود یعنی بیک ترتیبی اورا سواراتومبیل کنند یا بالعکس سوار اتومبیلش شوند »
« و برای اینکار لازم بود عباسی و حسام و دیگران بدنبال محمد مسعود باشند و هر »
« وقت چنین فرصتی دست داد از آن استفاده نمایند چندشب اتومبیل حامل اینعده »
« در سر یکی از کوچه های فرعی بین فردوسی و لاله زار کشیک داد و این عده یا »
« درون آن بودند یا پیاده در پیرامون اتومبیل راه میرفتند و همین عمل موجب شد »
« که توقف اتومبیل معین در نقطه معین جلب توجه یک پسر بچه را بنماید و پس »
« از آنکه جریان قتل اتفاق افتاد گزارش همین پسر بچه در مورد مشخصات »
« اتومبیل موجب راهنمایی مأمورین کار آگاهی شد و توانستند ابتدا اتومبیل را »
« بشناسند و سپس برادران لنکرانی را جمعاً دستگیر نمایند البته اینها مدتی زندانی »
« بودند بعداً آزاد شدند . بهر حال این اتومبیل در یکی از شبها نیز سر مأموریت خود »
« بود در آن شب محمد مسعود از اداره روزنامه خارج شده بود و بسرعت بطرف »
« چاپخانه رفته بود اتومبیل نیز اورا تعقیب کرده بود وقتی مسعود از اداره روزنامه »
« (چاپخانه) خارج شده بود عباسی باونزدیک شده و یک تیر شلیک کرده بود ضمناً »
« قرار بود هر گز بیک تیر اکتفا نشود لذا عباسی پس از رها کردن تیر اول که در »
« نتیجہ آن مسعود بیحال شده بود تیر دیگر را توی شقیقه اش خالی کرده بود و بدین »
« ترتیب بعمرش خاتمه داده بود .

« همان شب من در منزل نشسته بودم و نمیدانم ورق یا شطرنج بازی میکردم »
« که گفتند دو نفر آمده و با شما کار دارند وقتی جلوی در رفتم حسام بود با یک نفر »

(۱) روزبه اضافه میکند : « که این را نیز توضیح بدهم که قرار بود مأموریت عباسی »
« را در آینده اگر مورد دیگری پیش آید به نوبت دیگران بعهدہ بگیرند نه اینکه همیشه او »
« عامل کار باشد . »

« دیگر که الان درست بخاطر من نیست حسام در يك كلمه فقط گفت « شد » و البته «
« من مقصودش را فهمیدم و او نیز بلافاصله رفت وقتی باطاق بر گشتم اعصابم قدری «
« ناراحت شده بود و چون میدانستم فردا قضیه در روزنامه نوشته خواهد شد بسختی «
« کوشیدم تا دیگران نفهمند که خبر فوق العاده ای بمن داده اند و ناراحت شده ام زیرا «
« فردا میتوانستند حدس بزنند که دگر گونی حال من و قضیه قتل محمد مسعود «
« بهم بستگی داشته است . این اصل قضیه است و هیچگونه اشتباهی در آن نیست و «
« آینده ثابت خواهد کرد که آنچه نوشته ام بدون يك كلمه اشتباه درست است «

این بیانات خسرو روزه بود پس از توضیحات مزبور بلافاصله ابوالحسن عباسی
احضار شد تا جریان از وی نیز سؤال شود وی در ابتدا چنانکه ذیلا ملاحظه میشود
در عین حال که قضایای اصلی را اعتراف نمود سعی کرد این مسئله را که مسعود
بدست شخص او ترور شده است انکار کند برای اطلاع خوانندگان عین بیانات
عباسی را که در صفحه ۱۹ اوراق بازپرسی پرونده خسرو روزه نموده است ذیلا :
نقل میکنیم .

« در سال ۲۵ بعد از قیام ۲۱ آذر حزب توده سازمان نظامی را منحل نمود و «
« بوسیله روزه که مسئول تشکیلات و سازمان نظامی بود بکلیه افسران گفته شد ولی «
« بعد از چند روز به در هیئت اجرائیه پیشنهاد نمود که لازم است سازمان نظامی وجود «
« داشته باشد زیرا روزی روسها و حزب توده باین سازمان احتیاج خواهند داشت «
« و شب و روز در فعالیت بود تا دو باره سازمان نظامی را بوجود آورد ضمناً برای «
« اینکه اگر روزی این سازمان احتیاج به افراد سوئیل پیدا کرد اشخاص مطمئنی «
« وجود داشته باشد از دوستان قدیمی خود افرادی را انتخاب کرد و با آنها جلساتی «
« تشکیل داد و منظور خود را که کمک به سازمان نظامی است بیان کرد این افراد «
« عبارت بودند از حسام لنگرانی - ناصر صارمی - سیف الله همایونفرخ - رزمخواه «
« صفا خانم و بنده در يك جلسه روزه اظهار کرد که باید افراد سرشناسی را ترور «
« کرد و منطق او این بود که اگر افرادی از دسته های مختلف ترور شوند اولاً باعث «

« تضعیف حکومت شده و ثانیاً دسته‌های مختلف بایکدیگر مبارزه را شروع خواهند کرد و در آن شب محمد مسعود را پیشنهاد کرد می‌گفت محمد مسعود مقالاتی نوشته و به دربار حمله نموده و مقالاتی بر ضد دین نوشته و انجام گرفتن این عمل باعث میشود که همه متوجه دربار شوند . »

« آنشب همه مخالفت میکردند مخصوصاً حسام لنکرانی میگفت روسها با عمل ترور مخالف هستند و اگر لازم باشد باید از آنها دستور گرفت روزبه سخت عصبانی شد و گفت روسها اولاً حق ندارند باینکارها دخالت کنند ثانیاً دخالت نمی‌کنند ثالثاً اگر بفهمند خوشحال خواهند شد و چون دید همه سکوت کرده‌اند و کسی حاضر نیست جواب بدهد گفت من شخصاً این کار را تمام میکنم . فقط آنهایی که حاضرند با من کمک کنند برای رانندگی بگویند همایون تفرخ حاضر شد که رانندگی را قبول کند و حسام لنکرانی هم حاضر شد که با آنها باشد . دوشب دنبال مسعود رفتند و شب دوم جلوی چاپخانه روزبه او را ملاقات نموده و بقتل میرساند بعد از چندی که برادران لنکرانی دستگیر شدند . روزبه باز جلسه‌ای تشکیل داد و گفت لازم است در لحظه‌ای که برادران لنکرانی در زندان هستند بسراغ ابوالفضل حاذقی « نماینده مجلس » رفت که اولاً با ترور او توجه از طرف برادران لنکرانی بر گردد و ثانیاً دنباله کار خود را ادامه دهیم . هیچکدام حاضر نشدند جواب مثبت بدهند باز عصبانی شد و گفت شخصاً اتومبیل کرایه نموده و بدر منزل حاج حاذقی رفته او را ترور خواهم کرد ولی افرادی که در آن جلسه بودند هم عصبانی شدند و گفتند باید دست از این کار برداشت اوهم که دید عصبانیتش بجائی نرسید سکوت کرد و دیگر دنباله نقشه های شوم خود را نگرفت . »

این هم اظهارات عباسی بود. هر دو نفر در اصل موضوع که ترور بدست کمیته هشت نفری صورت گرفته اختلافی نداشتند ولی هر یک از آنها عمل مستقیم قتل را بدیگری نسبت میداد .

جریان بازپرسی از این دو نفر درباره اختلاف گوئی که بایکدیگر داشته‌اند

بسیار جالب است و یکی از صحنه‌های پرونده قطور روزبه را تشکیل میدهد ما البته نمیتوانیم همه جریان این صحنه جالب را از نظر خوانندگان بگذرانیم فقط به قسمت‌هایی از آن اشاره میکنیم .

خسرو روزبه در صفحه ۲۵ اوراق بازپرسی خود چنین می نویسد :

- « من بدون تردید عامل قتل نبوده‌ام و دلایل بطور خلاصه بقرار زیر است : »
- « الف - عده‌ای که مأمور قتل بوده‌اند از چهار نفر بنامهای عباسی و حسام
« لنگرانی و سیف‌اله همایونفرخ و منوچهر رزمخواه که از این عده فعلاً منوچهر
« رزمخواه در تهران است و در آن شب‌ها سمت رانندگی داشته‌است در صورتیکه این
« فرد در محضر بازپرس حاضر شود میتواند عین واقع را توضیح دهد . »
- « ب - نفر هشتم گروه ما ابراهیم پرمان است این شخص نیز قطعاً در ایران
« است و میتواند به روشن شدن حقیقت کمک نماید . »
- « پ - خود من در آن روزها در حال اختفا بسر میبردیم و غیر ممکن است که
« يك شخص مخفی مثل من و در شرایطی که من از زندان دژبان فرار کرده بودم و
« تمام مأمورین در تعقیب من بودند مرتکب چنین بی‌احتیاطی عجیبی بشوم توضیح
« اینکه در آن روزها حزب توده قانونی بود و تنها فرد فراری که تحت تعقیب بود
« من بودم و شخص تیمسار رزم آراء علاقه و اصرار داشتند که من دستگیر شوم و تمام
« قدرت دستگاه تعقیب متوجه من بود چگونگی ممکن است من در چنان شرایطی
« مرتکب چنان کاری شوم و تازه اگر هم من داوطلب میشدم جلسه اجازه چنین کاری
« رانمی داد . تمام کسانی که انتخاب شدند با رأی و مشورت جلسه‌ها بود . »
- « ت - در یکی از پاسخها چگونگی گزارش حسام و نفر همراهِش را که نیم ساعت
« بعد از قتل داده شد توضیح دادم و بدین ترتیب تصور میکنم بقدر کافی روشن است که
« من در اجرای قتل شرکت نداشتم این را نیز انکار نمیکنم که وجود من در این
« جلسات تأثیر جدی داشته است . »

بالاخره طرفین بقدری در اینموضوع با یکدیگر جدال کرده و حرفهای یکدیگر را تکذیب مینمایند که از طرف مقام بازپرسی بهردوی آنها چنین اخطار می‌شود:

« بخسرو روزبه و سروان سابق عباسی هر دو نفر اخطار میشود که اگر بوئی «
« از شرافت برده‌اند که تکیه کلامتان است توجه نمائید در اینکه یکی از شما دونفر «
« نسبت به قتل محمد مسعود که کدام يك از شما او را بدست خود بقتل رسانیده‌اید «
« دروغ میگوئید تردید نیست برای آخرین بار اول خسرو روزبه و دوم عباسی «
« توضیح دهید محمد مسعود بدست چه کسی کشته شد . (۱) »

پس از اینکه بازجویان متناقضی از طرف دونفر مزبور داده میشود بتدریج مسئله در اثر بحث روشن تر میشود بنحوی که تیمسار سرلشگر آزموده خطاب به عباسی پس از اینکه با استدلال دقیق ثابت میکنند که بیانات وی قانع کننده نیست چنین اظهار می‌دارند .

« ... بهر حال استنباط اینجانب در سمت دادستان ارتش اینست که شما یعنی «
« سروان سابق عباسی خلاف میگوئید . »

جریان بازپرسی نشان میدهد که خسرو روزبه در اینجا برای کشف جریان و بدین منظور که عباسی حقیقت امر را اعتراف کند بمقام دادستانی ارتش کمک کرده و دلائل جدیدی ارائه داده است .

بالاخره در صفحه ۲۷ بازپرسی عباسی چنین اعتراف میکند .

« قبول میکنم که در قتل محمد مسعود بنده عامل اصلی بوده‌ام و افرادی که «
« با بنده بوده‌اند حسام لنکرانی همایون قرخ و رزمخواه بوده‌است و کلیه این افراد «
« در جلسه انتخاب شدند ولی به حقیقت قسم روی تبلیغ و تشویق و صحبت‌های «
« مختلف روزبه بود . »

سؤال از عباسی :

« توضیح دهید باچه اسلحه عمل قتل محمد مسعود را انجام دادی . اسلحه »
« کجا است و چند تیر شلیک کردی و کیفیت از چه قرار بود مشروحاً توضیح دهید. »

جواب ابوالحسن عباسی :

« اسلحه پارابلوم بود و اسلحه را روزبه داد و دو تیر شلیک کردم و کیفیت جریان »
« از این قرار بود : »

« چند شب با اتومبیل حسام لنکرانی با اتفاق همایون فرخ و رزمخواه در خیابان »
« فردوسی جلوی اداره روزنامه مسعود رفتیم تا آن شب که قتل انجام گرفت مسعود »
« از اداره پائین آمد و سوار اتومبیل خود شد او را تعقیب کردیم تا جلوی چاپخانه »
« مسعود پیاده شد و به چاپخانه رفت پس از برگشتن لحظه ای که خواست سوار اتومبیل »
« شود و یک قسمت از بدن خود را داخل اتومبیل نموده بود ۲ تیر شلیک کردم و با »
« سرعت از آنجا خارج شدم و خود را به اتومبیل رسانیدم همایون فرخ و رزمخواه در »
« اتومبیل بودند و حسام لنکرانی در سر کویچه ای که نزدیک چاپخانه بود ایستاده بود »
« ما منتظر حسام نشدیم و سوار اتومبیل شده بخانه همایون فرخ آمدیم بعد از نیم ساعت »
« حسام هم آمد . »

سؤال از خسرو روزبه :

« سروان عباسی اظهار میکند اسلحه پارابلوم را شما باو دادید برای انجام »
« ترور محمد مسعود صحیح میگوید یا خیر ؟ »

جواب خسرو روزبه :

« من هنگامیکه از ارتش فرار کردم دارای یک پارابلوم بودم و این سلاح را »
« تحویل ارتش نداده و نزد خودم بوده همان را در اختیار عباسی گذاشتم و پس از انجام »
« عمل بخود من پس داد . »

تا اینجا توضیحات و نقل قولها مربوط بجریان جنایت و طرز عمل بود اما

دلایلی که روزبه در باره لزوم قتل و ترور بیان میکند و علت انتخاب محمد مسعود بعنوان نخستین قربانی این فکر نحیف بسیار جالب است .

روزبه در صفحه ۲۹ بازپرسی میگوید .

« ما گروهی بوجود آورده بودیم که بتوانیم سریع تر بهدنی‌های اجتماعی
« نائل شویم و فکر میکردیم که ممکن است با ترورهای سیاسی بهدنی‌های سیاسی
« رسید .

« بطور کلی جلسه‌ایکه ما تشکیل داده بودیم يك جلسه افراطی و مر کب از
« افراد تندرو و احساساتی بود عقیده‌ای که مارا بدورهم جمع کرده بود این بود
« خیال میکردیم حزب توده ایران حزب محافظه کاری است یا لااقل رهبران آن
« از افراد ترسو و محافظه کار تشکیل شده‌اند و نمیخواهند و یا قادر نیستند تصمیمات
« تند و شديدی بگیرند . »

درباره انتخاب محمد مسعود میگوید :

« ماهشت نفر خودمان را بعنوان اعضاء مؤسس میدانستیم فکر میکردیم وقتی
« کارمان توسعه پیدا کرد میتوانیم عده دیگری را بدور خود جمع کنیم . ما فکر
« میکردیم برای گم کردن راه برای اینکه دستگاه پلیس نتواند سمت لازم را برای
« پیدا کردن گروه مایابد باید اول از کسی شروع کنیم که دارای دستجات مخالف
« زیادی باشد محمد مسعود از اینجهت ایده آل بود زیرا با انتشار روزنامه مرد امروز
« تقریباً همه کس را با خود دشمن کرده بود از یکطرف با دسته مسعودیها و روزنامه
« اطلاعات سخت در آویخته بود از طرف دیگر با اقوام السلطنه و گروه طرفدار او
« مخالف بود و جنگ جدالهای زیادی باهم داشتند در عین حال با امثال حاج علمینقی
« کاشانی و سایر ثروتمندان طرف میشد تا از آنها پول بگیرد و دیگر آنانرا مورد
« حمله قرار نهد از یکطرف نیز روزنامه اش خواننده زیاد داشت و مقالاتی که علیه
« نهضت جهانی طبقه کارگر منتشر میساخت میتوانست تأثیر منفی داشته باشد اینها
« دلایلی بود که ما اقامه کردیم و گفتیم اگر او هدفی قرار گیرد بعلمت دشمنان »

« کثیری که دارد توجه مأمورین پلیس بهمه دسته‌ها خواهد رفت و اصلاً از راه پرت »
« خواهد شد. نکته دیگری نیز که این کار را تسریع کرد و شاید اگر پیش نمی‌آمد »
« ممکن بود هرگز محمد مسعود بقتل نرسد مسئله مسافرت قریب الوقوع او به »
« اروپا بود و همین امر باعث شد که در اجرای کار سرعت بیشتری بخرج داده شود »
در صفحات ۳۰ و ۳۱ اوراق بازجوئی خسرو روزبه در باره جهات مثبت و منفی قتل محمد مسعود چنین توضیح میدهد :

« نتیجه‌ای که ما گرفتیم مثبت بود یعنی روزنامه‌های مختلف که در تهران »
« انتشار می‌یافتند همانطور که ما پیش‌بینی کرده بودیم این قتل را به گروه سیاسی »
« مخالف خود نسبت دادند و بقدری قضیه بهم گره خورده بود که هیچکس نمیتوانست »
« بفکر گروه کوچک‌ما باشد و ما در این عمل در حقیقت موفق شده بودیم ولی دستگیری »
« غیر مترقب برادران لنگرانی ضربه شدیدی باین طرز فکر زد و ما تازه فهمیدیم »
« که اینگونه اعمال را نمیتوان برای مدت مدیدی از دید مأمورین تعقیب مصون »
« داشت . »

روزبه اظهارات عباسی را دایر بر اینکه پس از دستگیری برادران لنگرانی
نقشه ترور آقای ابوالفضل حاج حادقی نماینده سابق مجلس طرح شده است تصدیق
میکند و در صفحه ۳۱ اوراق بازپرسی چنین می‌نویسد :

« پس از دستگیری برادران لنگرانی و کم شدن دو نفر از اعضاء گروه این »
« صحبت بمیان آمد که اگر کار متوقف شود خود بخود این فکر بوجود خواهد »
« آمد که برادران لنگرانی عامل قتل محمد مسعود بوده‌اند ... چنانکه بعد از »
« دستگیری آنها اگر ترور صورت نگیرد . نام کسیکه در این هنگام برده شد نام ابوالفضل »
« حادقی نماینده مجلس بود و باین جهت نام او برده شد که اولاً انگلوفیل تشخیص »
« داده شد ثانیاً از لحاظ اجراء کار منزلش بسیار مناسب بود باین معنی که او در »
« خیابان قدیم شمیران و دور از جاده منزل داشت و وقتی از اتوبوس پیاده میشد که »

« بخانه برود بسهولة ممکن بود ترور شود در اطراف خانه اش نیز تحقیقات شد ولی »
« هرگز اینکار عملی نشد ، »

علاوه بر محمد مسعود کمیته ترور قصد ترور آقای سید ابوالحسن حائری زاده را نیز داشته است . خسرو روزبه در این باره چنین میگوید :

« بجز محمد مسعود که برای اولین اقدام مورد بحث قرار گرفت فقط نام »
« یک نفر مطرح شد و آنهم حائری زاده بود . علت طرح نام او هم این بود که شهرت »
« داشت طرفدار انگلستان یا باصطلاح انگلوفیل است دیگر نام هیچکس مطرح »
« نشد و بطور کلی طبق تشخیص آنروز ما کسانی از همین قبیل که مشکوک به »
« جانبداری از سیاست انگلستان بودند مورد نظر قرار داشتند . »

بنا بر مراتب بالا خوانندگان ملاحظه می نمایند يك دسته تروریست هشت نفری که ارتباط معنوی خود را با حزب توده و افکار و عقاید آن بهیچوجه تکذیب نمی کنند و فقط مدعی هستند که در آن هنگام تماس تشکیلاتی با حزب توده نداشته اند و وظیفه اساسی خود را با قتل و آدمکشی یعنی پست ترین جنایات می دانسته اند و ادعا میکنند که میخواستند باصطلاح هدف های اجتماعی خود را پیش ببرند ولی آن هدف اجتماعی که با قتل و آدم کشی مخفیانه و ناجوانمردانه تأمین شود در حقیقت هدف ضد اجتماعی است و عاملین آن بدون هیچگونه تردید جنایتکاران حرفه ای محسوب میشوند .

اکنون دو مسئله را مورد توجه قرار میدهم اول اینکه عاملین قتل مسعود این جنایت را از لحاظ تئوریهای مارکسیسم که حزب توده ادعای پیروی آنرا میکند چگونه توجیه میکند ثانیاً حزب توده و رهبران آن تا چه اندازه مسئول این جنایت هستند .

درباره مسئله اول جواب خسرو روزبه بسیار صریح است او میگوید :
من اشتباه کرده ام و این ترور با تئوریهای مارکسیستی مغایر بوده است .

در جواب این سؤال بنظر شما ترور محمد مسعود با تئوری مارکسیستی تطبیق میکرده است یا نه؟ وی چنین جواب میدهد:

« بنظر من ترور مسعود با تئوری های مارکسیستی مطابقت نداشته است »
« صفحه ۳ بازجوئی تکمیلی »

وقتی از وی پرسیده میشود پس چرا بدین عمل مبادرت ورزیده پاسخ میدهد:
« انجام این کار بنظر من در شرایط حاضر نادرست است ولی در شرایط ۱۰ سال پیش که »
« سطح اطلاعات من در مسائل تئوریک پائین تر از حالا بود و باین اشتباه تئوریک درست »
« واقف نبودم بی اشکال میرسید. »

پس قتل ناجوانمردانه محمد مسعود جنایتی است که حتی طبق تئوریهای خودشان هم نمی توانند آنرا توجیه کنند و مجبورند بگویند اشتباه کرده ایم و یا اطلاعات ما کم بوده است و غیره.

اما در مسئله دوم یعنی مسئولیت حزب توده و رهبران آن در این قتل فجیع خسرو روزبه به پاسخ های مبهم و بی سروته اکتفا میکنند وی میگوید که چون در آن هنگام عضو حزب توده نبودیم این قتل را فقط بفکر خودمان انجام دادیم و نه تنها در آن موقع گزارشی در این باب بحزب توده ندادیم بلکه بعداً هم که دوباره بحزب پیوستیم کوچکترین اطلاعی در این باب بحزب توده تسلیم ننموده ایم.

وقتی از روزبه سؤال میشود.

« بعداً که اطلاعات تئوریک شما بالا رفته بود چرا عمل خود را در اینمورد »

« بطور رسمی بحزب اطلاع ندادید »

خسرو روزبه جواب مضحکی بشرح زیر میدهد.

« من قصد داشتم این مسئله را در کنگره سوم حزب مطرح کنم و اگر به »

« کمیته مرکزی حزب گزارش نداده ام در درجه اول باین علت بود که این عمل »

« در زمانی صورت گرفته بود که من عضو حزب توده ایران نبودم و خودم را ملزم »

« نمیدانستم در این باره گزارشی بدهم و در درجه دوم باین علت بود که میل داشتم »
« این مسئله در یک جلسه وسیع تر مطرح شود » صفحه ۳ بازجویی تکمیلی »

درباره مجموعه اظهارات ناقص و بی سروته خسرو روزبه ملاحظات زیر را از نظر خوانندگان میگذرانیم .

۱ - اظهارات خسرو روزبه درباره اینکه در سال ۱۳۲۶ بواسطه نقص معلومات تئوریک به غلط بودن ترور از نظر تئوری مارکسیستی واقف نبوده است بهیچوجه صحیح بنظر نمیرسد زیرا روزبه بنا باعتراف خودش (از سال ۱۳۲۲ عضو حزب توده بوده و بارها نظریات منفی مارکسیسم را درباره ترور در کتب و مجلات و صفحات جراید حزبی که مخالفت خود را با ترور بارها تأکید میکرده اند) مطالعه کرده است خود او گرچه میگوید از سال ۱۳۲۵ بواسطه انحلال سازمان افسری از طرف کمیته مرکزی حزب توده دیگر در حزب عضویت نداشت ولی ضمناً چنین اعتراف می کند :

« ولی البته از لحاظ اعتقاد مرا می من در همان حال هم مارکسیست بوده ام »
علاوه بر این دلائل کلی بر عدم صحت اظهارات روزبه مدرك زنده ای وجود دارد و آن کتابی است که قبل از سال ۱۳۲۵ بقلم خود خسرو روزبه نوشته شده است این کتاب بنام « فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی » توسط اردشیر « اردشس آوانسیان معروف » و خسرو روزبه بنام مستعار « ستخر » علامت اختصاری چهار کلمه « سروان توپخانه خسرو روزبه » نوشته شده وابتدا روزنامه رهبر و سپس بشکل کتابی توسط اداره پخش نشریات توده منتشر شده است از صفحه ۷۹ تا ۸۳ این کتاب تحت عنوان « ترور » مطالب مفصلی درباره ضرر ترور انفرادی از لحاظ مارکسیسم بحث شده است .

در صفحه ۸۰ این کتاب اردشس و روزبه می نویسند احزاب آزادیخواه دنیا همواره ترور انفرادی را برای آزادی مضر و خطرناک میدانند ... تاریخ احزاب و

انقلابات معروف ثابت کرده است که این نوع ترور همواره بر ضرر نهضت آزادی تمام شده است و در صفحه ۸۲ و ۸۱ می نویسد :

« يك حزب آزاديخواه نمیتواند طرفدار ترور انفرادی باشد حزب توده ایران نیز که نمونه يك حزب مترقی و آزاديخواه است جداً با ترور انفرادی » مخالفت دارد و در عوض طرفدار نهضت های بزرگ توده است .

پس ملاحظه میشود که نه تنها روزبه هنگام انجام ترور محمد مسعود از تئوری مارکسیستی در این باره بی اطلاع نبوده بلکه خود او چند سال قبل به همراهی یکی از رهبران معروف حزبی در مذمت ترور از لحاظ مارکسیسم کتاب نوشته است .

۲ - اظهارات روزبه مبنی بر اینکه رهبران حزب توده از جریان ترور محمد مسعود بی اطلاع بوده اند نیز یکلی نادرست است در حقیقت خبر مربوط به ترور محمد مسعود بدست روزبه و عباسی را ابتدا افرادی از حزب توده به مأمورین انتظامی گفتند که نه عضو کمیته مرکزی حزب توده و نه عضو کمیته هشت نفری ترور بوده اند و این خود میرساند که حقایق درباره ترور محمد مسعود حتی به کادرهای پائین تر از کمیته مرکزی نیز رسیده است .

خود روزبه هم در بازجویی وقتی می بیند اظهار نظرش مبنی بر بی اطلاعی کامل کمیته مرکزی حزب توده غیر قابل قبول است این احتمال را می پذیرد که افراد دیگری از کمیته ترور هشت نفری جریان را به کمیته مرکزی حزب گزارش داده اند و میگوید اگر هم آنها میدانسته اند بروی من نمی آورده اند .

در يك قسمت از بازجویی تکمیلی خود (صفحه ۴) روزبه چنین می نویسد :

« خود من شخصاً همانطور که مکرراً توضیح داده ام ابدأ کلمه ای در این باره »

« با رهبران حزب توده ایران در میان نگذاشته ام آنان نیز هرگز کلمه ای در این »

« خصوص با من صحبت نکرده اند ولی احتمال اینکه یکی دیگر از این عده هشت »

« نفری موضوع را به کمیته مرکزی گزارش داده باشد وجود دارد » در صفحه ۳ »

« نیز می نویسد : ... یا اگر اطلاع داشته اند نخواسته اند بروی من بیاورند . »

۳ - اظهارات روزبه مبنی بر اینکه میخواست است به کنگره سوم در این باره گزارش دهد کاملاً مستخره بنظر میرسد زیرا موضوعی را که تا این حد مخفی میداشتند حتی اطلاع کمیته مرکزی حزب را هم نمیخواهد صریحاً اعتراف کند چگونه ممکن است در یک جلسه وسیع کنگره که بلافاصله انتشار و شیوع آن در داخل حزب و سپس بخارج حزب قطعی خواهد بود مطرح کنند .

۴ - بهترین دلیل این مسئله که کمیته مرکزی حزب توده از ترور مزبور وازبی پروائی این افراد در آدم کشی اطلاع داشته این بود که در سال ۱۳۳۱ که دوباره آدم کشی های حزب توده شروع شد درست همین افرادی را برای اجرای مأموریت انتخاب کرده اند در صفحه ۱۹۲ بازجوئی سؤال و جواب زیر از روزبه جالب توجه است

« س - درموقعی که شمارنئیس سازمان اطلاعات حزب توده بودید بین دسته « هشت نفری و قسمت ترور سازمان اطلاعات اگر رابطه ای موجود بوده این رابطه « بچه نحبوده است . »

« ج - هنگامی که من مسئول شعبه اطلاعات کل حزب توده ایران بودم « دیگر گروه هشت نفری ترور بعنوان یک گروه وجود خارجی نداشت باین معنی « که پس از ترور محمد مسعود بفاصله دوماه من دستگیر شدم و گروه ترور منحل « گردید اما قتلهائیکه بدستور کمیته مرکزی حزب توده ایران انجام گرفت و بوسیله « شعبه اطلاعات کل صورت گرفت . »

« ابوالحسن عباسی نقش عمده ای بعهده داشت و تقریباً در تمام قتلها شرکت « داشت ناصر صارمی نیز در قتل پرویز نوائی راننده جیب بود خود من نیز در رأس « کار بودم و تمام قتلها با نقشه و نظارت من اجرا میگردد. »

۵ - از مجموعه توضیحات بالا میتوان به ماهیت روش تعصب آمیز خسرو روزبه به کمیته مرکزی حزب توده کاملاً پی برد یعنی روزبه با اینکه بطور قطع میدانسته است ترور محمد مسعود از لحاظ اصول حزبی کاری غلط و نادرست است و

خودش در این موضوع قبلاً کتاب نوشته بود باین جنایت فجیع دست زده است . رهبران حزب توده نیز با اینکه بجنایت مزبور آگاه بوده اند نه تنها از عاملین آن باز خواست ننموده اند بلکه این افراد تروریست را محرم اسرار و مورد اعتماد خود ساخته و از استعداد آدم کشی آنان برای اجرای ترورهای بعدی استفاده کردند . بدین ترتیب یکباردیگر با دلایل و مدارک محکم محکومیت دستگاه فاسد رهبری حزب توده و بی‌اعتنائی کامل این دستگاه بهمه اصول اجتماعی و قواعدشرفت و جوانمردی واضح و آشکار میشود .

ترور محمد مسعود آدم کشی فجیعی است که برای همیشه در تاریخ ایران باقی خواهد ماند و همواره ننگ و نفرت شدیدی متوجه عاملین جنایتکار آن خواهد ساخت .

در خاتمه این بحث لازم میدانیم این نکته را هم یاد آور شویم که سازمان افسران در این دوره زیر نظر خسرو روزبه و بوسیله او اداره میشد که با دکتور کیا نوری (بجای کامبخش که فرار کرده بود) ارتباط داشت این سازمان که در نتیجه حوادث آذربایجان کوچک شده بود و از ۲۰ - ۳۰ نفر افسر تشکیل میشد و چند نفر غیر نظامی مانند عباسی و حسام لنگرانی و صفیه حاتمی در جوار خود داشت تا دوندگی های روزمره آن سازمان را از قبیل چاپ و نشر بروشورهای پلی کپی شده و غیره را انجام دهند .

وسایل چاپ پلی کپی همین افراد بود که بعد از مخفی شدن حزب توده چند نشریه بنام حزب مزبور بچاپ رساند چون حزب توده و وسایل چاپ مخفی از پیش تهیه نکرده بود درحالی که سازمان جوانان و سازمان افسران چنین وسائلی در اختیار داشتند .